



نقشه راه تربیت و انضباط

در اندیشه‌ی

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)

سرشناسه: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - .
عنوان و نام پدیدآور: نگاهی به نظریه انتظار: در اندیشه حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی) /
گردآورنده معاونت پژوهش و آموزش مؤسسه فرهنگی انقلاب اسلامی.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۴۰۱.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۰۳-۱۷-۵
یادداشت: چاپ نخست تا سوم اثر حاضر پیش از این توسط انتشارات فقه روز (وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی) منتشر شده است.
موضوع: خامنه‌ای، خامنه‌ای، علی، ۱۳۱۸ - - نظریه درباره مهدویت
موضوع: مهدویت - - انتظار
شناسه افزوده: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی. معاونت پژوهش و آموزش
رده‌بندی کنگره: DSR ۱۶۹۲
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۴
شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۸۵۷۸۴



نگارخانه نظریه انتظامی

در اندیشه‌ی
حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)



انشارات انقلاب اسلامی

نظریه انقلاب اسلامی

در اندیشه‌ی
حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای



گردآورنده: معاونت پژوهش و آموزش مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی
ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی

(وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی))

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۰۳-۱۷-۵

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه‌ی شهید صالحی، شماره‌ی ۲۶
مرکز پخش: ۰۲۱۶۶۴۰۵۱۰۰

فروشگاه مشهد: ۷-۵۱۳۲۲۸۱۲۲۵ - فروشگاه قم: ۰۲۵۳۷۷۰۲۸۵۲

تارنما: <http://Khameneibook.ir>

پست الکترونیکی: Info@Book-khamenei.ir

سامانه پیام کوتاه: ۱۰۰۰ ۲۰ ۱۲۰

نسخه‌ی الکترونیکی

این نسخه به منظور بهره‌مندی بهتر، توسط انتشارات انقلاب اسلامی به صورت رایگان در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است و چاپ و تکثیر آن ممنوع می‌باشد.



مقدمه

معارف انقلاب اسلامی بر اصلاح معرفت دینی نسبت به ترکیب مفهومی «انتظار فرج» و نفی رویکردهای انحرافی، با اتخاذ رویکردی سازنده، تأسیسی و فعال با هویتی اسلامی و انقلابی نسبت به برقراری عدالت در مراتب انسانیت تأکید دارد. رسیدن به اوج اعتلاء انسانی با ساخت تمدن اسلامی، مرهون فلسفه‌ی سیاسی-اجتماعی انتظار فرج است که کارکردی شناختی در اصلاح معرفت دینی و کارکردی انگیزشی در امیدبخشی و نیروبخشی برای اقدام متناسب و به‌هنگام و رهایی از پوچی انسانیت و همچنین کارکردی کنشی در ساخت سرنوشت بشر و ایستادگی و مبارزه در برابر ظلم و استکبار دارد.

مقصود از «نظریه» در عنوان این اثر تألیفی اشاره به مجموعه گفتارهای منطقی و گزاره‌های سازوار و متلائم است که بصورت نظام یافته و صورتبندی شده ربط میان مفاهیم با یکدیگر را مشخص ساخته و مبین بخشی از واقعیت هستند که به سازماندهی شناخت ما از موضوع انتظار فرج کمک شایانی میکنند.

نظر به ضرورت و اهمیت این موضوع و نقش آفرینی آن، این نگاشت با



صورت‌بندی به یک بخش تمهیدی و فصل‌های هشت‌گانه به تبیین انتظار فرج در اندیشه‌ی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) پرداخته است.

در پایان لازم است از تلاش‌های علمی فرهیختگان ارجمند آقایان هادی ابراهیمی، محمود قاسمی قلعه بهمن، سعید اشیری، محسن رایجی و هادی رزمجویی در تدوین و تنظیم این کتاب ارزشمند تقدیر و تشکر گردد.

معاونت پژوهش و آموزش - بهمن‌ماه سال ۱۳۹۸

مؤسسه‌ی پژوهشی - فرهنگی انقلاب اسلامی



فهرست مطالب

درآمد	۱
عدالت در تمام مراتب انسانیّت	۸
رویکردهای انحرافی در مسئله‌ی انتظار	۸
رویکرد نفی و تقابل با تشکیل و تأسیس هرگونه حکومتی قبل از ظهور	۸
رویکرد بی‌عملی و فرار از مسؤلیّت در دوران انتظار فرج	۹
رویکرد بی‌تفاوتی و سازش‌کاری با مستکبران و ستمگران	۱۱
رویکرد نفی امر به معروف و نهی از منکر در راستای فراگیری ظلم	۱۱
رویکرد دامن زدن و گسترش گناه و ظلم در عالم	۱۱
انتظار فرج و حکومت اسلامی	۱۲
نقش استکبار و استعمار در باور به جدایی دین از سیاست	۱۲
ضرورت حکومت در عصر غیبت	۱۳
ویژگی حکومت اسلامی	۱۵
منشأ مشروعیت حکومت اسلامی و فعلیّت آن	۱۶
حکومت، یک حق و یک تکلیف	۱۷
فلسفه‌ی سیاسی شیعه‌ی امامیه	۱۹
روش تحقیق در مسئله‌ی انتظار و مهدویّت	۲۳
از دیدگاه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای	۲۳
وضوح مسئله‌ی مهدویّت عام و خاص	۲۴



فصل اول: مفهوم‌شناسی انتظار فرج.....	۲۵
مفهوم فرج.....	۲۷
مصادیق فرج:.....	۲۸
الف) عدالت، خواسته‌ی عمومی بشریت.....	۲۸
مفهوم استقرار عدالت.....	۳۳
قدرت، لازمه‌ی استقرار عدالت.....	۳۳
ب) تشکیل جامعه‌ی توحیدی و دینی.....	۳۴
وابستگی برقراری توحید در عالم به استقرار عدالت.....	۳۵
ج) حاکمیت اسلام.....	۳۵
د) فتح ابواب معرفت حق.....	۳۶
هـ) گشایش در بُن‌بست‌های جاری زندگی.....	۳۷
و) پیشرفت معنوی و مادی.....	۴۰
گسترده‌ی شمول فرج نسبت به کل بشریت.....	۴۰
تدریجی و طبیعی بودن شکل‌گیری فرج نهایی.....	۴۱
جایگاه مسئله‌ی انتظار.....	۴۳
مفهوم‌شناسی انتظار.....	۴۳
لوازم «انتظار».....	۴۵
۱) نپذیرفتن وضع موجود.....	۴۵
۲) اطمینان به فرج و تحقق آن.....	۴۶
۳) اطمینان به نابودی ظلم.....	۴۷
۴) امید و حرکت.....	۴۹
۵) تکلیف به عمل و آمادگی.....	۵۵
۶) قدرت سیاسی.....	۵۸
عیبیت‌یابی مسئله‌ی انتظار در مکتب تشیع.....	۶۰
اهمیت انتظار موجود حی و حاضر در ایجاد امید.....	۶۲
اهمیت تبیین مسئله‌ی معین بودن شخص مهدی (عج).....	۶۷
نسبت عاشورا و فرج نهایی.....	۶۷
نسبت حرکت بشر در دوران انتظار و دوران فرج.....	۶۸



فصل دوّم: مبانی و ادله‌ی انتظار فرج.....	۷۱
وعده‌ی الهی.....	۷۳
تحقق وعده‌های الهی از جمله تشکیل جمهوری اسلامی.....	۷۴
اصل عدالت.....	۷۷
فطرت و طبیعت انسانی.....	۷۹
استمرار نبوّت.....	۸۱
سنّت الهی حرکت عالم به سمت غلبه‌ی حق و عدل.....	۸۵
سنّت الهی فرج بعد از سختی.....	۸۸
تواتر.....	۸۹
فصل سوّم: شرایط فرج.....	۹۹
کثرت ظلم و جور و آمادگی انسانهای صالح.....	۱۰۱
فصل چهارم: کارکرد انتظار فرج.....	۱۰۵
انتظار فرج کلیدواژه‌ی فهم دین.....	۱۰۷
امیدبخشی و نیروبخشی برای موقّقتهای مادی و معنوی.....	۱۰۷
رهایی از پوچی.....	۱۱۲
ساخت سرنوشت بشر.....	۱۱۳
ایستادگی و مبارزه در برابر ظلم و استکبار.....	۱۱۳
فصل پنجم: وظایف جامعه‌ی منتظر.....	۱۱۷
تلاش برای حاکمیت اسلام.....	۱۱۹
برقراری عدالت و مبارزه با فساد در نظام اسلامی.....	۱۲۰
کسب آمادگی‌های لازم.....	۱۲۲
آمادگی معنوی - پیوند با مؤمنین - آمادگی برای مبارزه.....	۱۲۲
آمادگی روحی و جسمی.....	۱۲۵
پذیرش حق و عدل.....	۱۲۶
مجاهدت و مقاومت.....	۱۲۷
ارتباط قلبی با امام زمان (عج).....	۱۲۸



- فصل ششم: آسیب‌شناسی انتظار فرج و جامعه‌ی منتظر..... ۱۲۹
- ضرورت پیرایه‌زدایی از مسئله‌ی انتظار فرج و مهدویت..... ۱۳۱
- آسیب‌ها ۱۳۲
- تلاش برای گسترش ظلم و فساد برای تعجیل فرج! ۱۳۲
- بی‌عملی و فرار از مسئولیت در دوران انتظار فرج..... ۱۳۵
- بدفهمی نسبت به روایات نافی قیام قبل از ظهور..... ۱۳۶
- انجام کارهای غیر عالمانه و غیر مثنوی به اسناد و مدارک..... ۱۳۷
- مدعیان دروغین مهدویت..... ۱۳۸
- فصل هفتم: حکومت اسلامی و انتظار فرج..... ۱۳۹
- مردمی بودن حکومت حضرت مهدی (عج)..... ۱۴۱
- لزوم برقراری حکومت اسلامی به‌عنوان مقدمه‌ی ظهور..... ۱۴۱
- زمینه‌سازی انقلاب اسلامی برای ظهور..... ۱۴۳
- شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی براساس اندیشه‌ی انتظار..... ۱۴۶
- ترسیم معنای انتظار در تشکیل حکومت اسلامی..... ۱۴۹
- تأثیر انقلاب اسلامی بر ذهنیت مردم نسبت به منطق انتظار..... ۱۵۰
- اتصال قطعی انقلاب و نظام اسلامی به ظهور حضرت ولی‌عصر (عج)..... ۱۵۱
- فصل هشتم: دشمن و انتظار فرج..... ۱۵۳
- تلاش دشمن برای محو و تحریف عقیده‌ی انتظار..... ۱۵۵
- منابع..... ۱۶۱

درآمد





خوانش مفهومی انتظار فرج در طول دوره‌ی غیبت کبری با رویکردها، تبیین‌ها و تحلیلهای متفاوتی در جامعه‌ی تشیع روبرو بوده است. شیخ نعمانی، شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی (رحمهم الله تعالی) و... از اعظام شیعه کتابهای متعددی در این زمینه نگاشته‌اند تا اصلاح معرفت دینی جامعه‌ی منتظر به روشنی و به دقت صورت یابد. «پس از آغاز دوران غیبت و بویژه بعد از انتهای دوره‌ی ۷۴ ساله‌ی غیبت صغری و انقطاع کامل شیعیان از امام غایب (ارواحنا فداه)، یکی از خطراتی که کلیت مکتب اهل بیت (علیهم السلام) را تهدید میکرد این بود که اشتباه و انحراف عمدی یا غیر عمدی کسانی از منسوبین به این مکتب، چیزهایی را از آن کاسته یا به آن بیفزاید، و یا بر اثر کم‌رنگ شدن مرزبندی‌های اصولی مکتب، خطوط انحرافی با آن آمیخته و انحرافات مسلکهای اعتقادی یا مذهبهای جعلی با حقایق آن ممزوج گردد... در این دوران از طرفی به خاطر نیازهای روزافزونی که اکنون دیگر نه به وسیله‌ی امام (علیه السلام)، بلکه به وسیله‌ی علمای دین باید برآورده شود، و از طرف دیگر، به خاطر اختلاف نظرهای طبیعی میان علما و خبرگان دین که محور بارز و قاطعی هم برای رفع آن نیست، راه به روی افکار و نظرات و برداشتهای مختلف در اصول و فروع دین باز است، و در میان نظرات

گونگونی که ابراز میشود طبیعتاً عناصری هم از مکاتب انحرافی یا از مذاهب غیر امامی شیعی (زیدی، اسماعیلی، فطحی و...) به مجموعه‌ی مکتب اهل بیت (علیهم السلام) راه می‌یابد که خلوص و اتقان آن را تهدید میکند و حتی در درازمدت ممکن است جهت مکتب را بکلی دگرگون نماید. اینجا است که یکی از مهم‌ترین وظایف رهبران امت در آن برهه از زمان رخ مینماید، وظیفه‌ای که درست به انجام رسیدن آن میتوانسته است به معنای حفظ مذهب و معادل جهادی سرنوشت‌ساز باشد؛ و آن وظیفه عبارت است از اینکه تشیع به مثابه یک نظام فکری و عملی، مرزبندی شود و برای آن از لحاظ عقیدتی و عملی با استفاده از میراث ارزشمند سخنان ائمه (علیهم السلام) چهارچوبی ترسیم گردد. و بدین‌گونه هویت مستقل و مرزبندی‌شده‌ی مذهب اهل بیت (علیهم السلام) مشخص گشته، در معرض فهم و استفاده‌ی پیروانش قرار گیرد. این کار، به علما و متفکران شیعه، این امکان را میدهد که انحراف اصولی، یعنی خروج از حیطه‌ی مبانی مذهب در فقه و کلام را، از اختلاف نظرهایی که در داخل محدوده‌ی مکتب پیش می‌آید، بتوانند جدا کنند.»^۱

باور به امام قائم غایب که از آغاز در مذهب شیعه مورد تأکید بوده است، وظیفه‌ی انتظار ظهور و فرج را همواره در ادوار مختلف ترسیم کرده است تا به جامعه‌ی بشری بشارت توسعه در رزق معاد و معاش و همچنین نوید و مژده‌ی گشایش سیاسی - اجتماعی را با مؤلفه‌های استکبارستیزی و استبدادستیزی بدهد.

انتظار فرج همواره عاملی مؤثر برای امیدزایی، نشاط بخشی و تحرک آفرینی در جامعه‌ی شیعه بوده است؛ تا در برابر مشکلات و موانع، خوف و حزن نداشته و بدون مواجهه‌ی انفعالی، زنده و پویا زمینه‌ساز مقدمات نهضت امام قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشد. لذا انتظار فرج به معنای رها کردن کار

۱. پیام به کنگره‌ی جهانی هزاره‌ی شیخ مفید، مکتوبات ۱۳۷۲/۱/۲۸



و تسلیم شدن در برابر شرایط و موانع نبوده است و با رویکردی تأسیسی در صدد رفع موانع طاغوت درونی و بیرونی بشری و ایجاد اقتضانات لازم و متناسب با آن است.

این تربیت فکری، روحی و عملی جامعه‌ی اسلامی و آمادگی و انسجام نیروها و امکانات، زمینه‌ساز رشد و بلوغ عقول جامعه‌ی بشری برای ظهور ذخیره‌ی خداوندی است. انقلاب اسلامی مهدی موعود عمل به کلمه‌ی طیبه‌ی توحیدی لاله‌الاله‌الله است که در آن نفی و اثبات توأمان است. لذا دوگونه اقدامات در آن رخ نمایان میکند؛ یکی نفی عوامل نابسامان موجود در جامعه‌ی بشری است و دیگری اقدامات تمهیدی و زمینه‌ساز برای رشد و آمادگی در جهت پذیرش ولایت الهی است. از این رو، انتظار فرج از امری شخصی به سطحی بالاتر، یعنی رفتار فردی و جمعی ارتقا یافته است که با گوشه‌نشینی و ذلت‌پذیری در تضاد است. انسان منتظر همواره آماده‌ی مبارزه و تلاش برای اصلاح شناختی و رفتاری خود و جامعه است؛ در راستای آن به دقایق و لطایفی ویژه توجه دارد، همانند اصلاح معرفت دینی و خوانش صحیح از انتظار فرج، اثبات مبانی فکری و انسجام و تقویت استدلالات منطقی آن، تداوم گفتمانی مهدویت و انتظار فرج در جهت تقویت باورمندی جامعه به گشودگی و ایجاد خروشی تأسیسی و تمدن‌ساز برای فرج دنیوی و اخروی بشریت که تلاش فقهای شیعه در طول تاریخ غیبت کبری در راستای آن بوده است.

بازآفرینی و اصلاح معرفت دینی در زمینه‌ی انتظار فرج همواره کانون توجه منتظران واقعی بوده است که ایجاد کارکردی متفاوت از خوانشهای رقیب خود دارد؛ تا در آن صورت برداشت نشود که انتظار فرج ابزاری برای تخدیر جامعه‌ی شیعه و ابزاری کنترلی در جهت عدم تقابل و جهاد با حُکام ستمگر و مستکبر عصری و توجیه بی‌مسئولیتی امت است؛ بلکه برای گسترش عدل، مبارزه با ظلم و ستم و نفی وضعیتی نامطلوب با جایگزینی



با شرایط بهتر و آماده‌سازی برای دوران فرج و ظهور همراه است. «اولین درس عملی از موضوع مهدویت این است که نابود کردن بنای ظلم در سطح جهان، نه فقط ممکن است، بلکه حتمی است.»^۱ عصر غیبت، دوران تربیت شیعه و تجهیز و آماده‌سازی فکری و روحی و عملی بشریت برای انقلاب اسلامی مهدوی است. از این رو، صرفِ صبوری بر وضعیت موجود و بی‌عملی در آن نفی گردیده و بر اقدام عملی مناسب و کنشی بهنگام و کوششی برای ساخت حیات طیبه تأکید شده است.

در دیدگاه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) انتظار فرج با آرمان‌گرایی همنشین است؛ اما به آن معنا نیست که در نقطه‌ی مقابل واقع‌بینی مطرح و تعریف شود. ایشان در صدد آن هستند که پیراستی از این تلقی را ارائه دهند و رابطه‌ی ملازمه‌ی میان مقدمه‌ی قضیه‌ی شرطیه؛ اگر «کسی آرمان‌گرا است» با تالی: «از عقلانیت و واقعیت به دور است» را مرتفع کنند. آرمان‌گرایی در اندیشه‌ی انقلاب اسلامی، به معنی خیال‌بافی و تلقی‌ات خلاف واقع نیست؛ بلکه به تعبیر ایشان، آرمان‌گرایی واقع‌بینانه است نه واقع‌گرایانه؛ چرا که اولاً مشاهده‌ی واقعیات جامعه و جهان، با آرمان‌گرایی و تعقیب آن هیچ‌گونه تنافی و تعارضی ندارد؛ ثانیاً واقع‌گرایی، افراد را محافظه‌کار و به پذیرش وضع موجود ترغیب میکند و با تعهدات انسانی و دینی سازگاری چندانی نمیتواند داشته باشد؛ ثالثاً آرمان‌گرایی صرف نیز به دلیل نادیده گرفتن واقعیتهای مطلوب نیست. ترجمان همراهی آرمان‌گرایی با واقع‌بینی آن است که حرکت مجاهدانه در یک چهارچوب تدبیرشده‌ای قرار بگیرد.

از سویی، انتظار فرج، تلاش برای تغییر وضع موجود به وضع مطلوبی مطابق مراد و مقاصد نفس اماره‌ی فردی و جمعی نیست. در درون مفهوم انقلابی انتظار فرج، تحوّل خواهی و حرکت به سوی آرمانها و مطلوب، مستتر

۱. در دیدار اقاشارمختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان ۱۳۸۱/۷/۳۰



است اما مسئله‌ی اصلی آن است که کدام مطلوب و در کدام نظام ارزشی مورد نظر است؟

مفهوم انقلابی انتظار فرج به معنای نفی عقلانیت نیست؛ بلکه ذات عقل فطری بشر به دنبال تحوّل خواهی دائمی در راستای جلب منافع درازمدت و ابدی برای بشریت مطابق با نقشه‌ی الهی است؛ لذا مفهوم انتظار در تقابل با توقف، بازگشت به عقب، تحجّر، ایستایی، شورشگری آنارشیستی و نپذیرفتن هیچ نظم و قاعده‌ای، تخریب، هنجارشکنی و نفی قانون قرار دارد. به عبارتی، در این نگاه، انتظار فرج هیچگاه به وضع موجود رضایت نداده و برای آن، یک فرایند بی‌انتهای به مثابه ارزشهای الهی برای بهره‌مندی از تمام استعداد و سرمایه‌ی انسانی و ظرفیتهای ملی و جهانی قائل است.

به باور حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، برقراری حکومت مهدوی و رسیدن به فرج نهایی که همان عدالت است، بر اساس طبیعت عالم و حرکت طبیعی عالم به سمت صلاح و خیر است و در این بین طفره بی‌معنا است. بنابراین فرج نهایی در نهایت سیری طبیعی است که در این سیر، هر حرکت و انقلاب عدالت خواه، متناسب با حرکت کلی عالم و سنن الهی است و همین مسئله یکی از علل حقیقت انقلاب اسلامی است؛ لذا می‌فرمایند: «شما ملت انقلابی مسلمان باید با حرکت منظم خود در تداوم انقلاب اسلامی به فرج جهانی انسانیت نزدیک بشوید؛ و شما باید به سوی ظهور مهدی موعود و انقلاب نهایی اسلامی بشریت که سطح عالم را خواهد گرفت و همه‌ی این‌گره‌ها را باز خواهد کرد قدم به قدم خودتان نزدیک بشوید و بشریت را نزدیک کنید؛ این است انتظار فرج.»^۱ اما معنای عدالت که فرج نهایی بشریت است چیست؟



عدالت در تمام مراتب انسانیت

«هریک از انبیا که آمدند، برای اجرای عدالت آمدند و مقصدشان هم این بود که اجرای عدالت را در همه‌ی عالم بکنند؛ لکن موفق نشدند؛ حتی رسول ختمی [مرتب] (صلی‌الله‌علیه‌وآله) که برای اصلاح بشر آمده بود و برای اجرای عدالت آمده بود و برای تربیت بشر آمده بود، باز در زمان خودشان موفق نشدند به این معنا؛ و آن‌کس که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد، نه آن‌هم این عدالتی که مردم عادی می‌فهمند، مردم عادی می‌فهمند که فقط قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد؛ بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت. انسان اگر هر انحرافی پیدا کند، انحراف عملی، انحراف روحی، انحراف عقلی، برگرداندن این انحرافات را به معنای خودش، این ایجاد عدالت است در انسان. اگر اخلاقش اخلاق منحرفی باشد، از این انحراف وقتی به اعتدال برگردد، این عدالت در او تحقق پیدا کرده است. اگر در عقاید یک انحرافات و کجی‌هایی باشد، برگرداندن آن عقاید کج به یک عقیده‌ی صحیح و صراط مستقیم، این ایجاد عدالت است در عقل انسان. در زمان ظهور مهدی موعود (سلام الله علیه) که خداوند ذخیره کرده است او را از باب اینکه هیچ‌کس در اولین و آخرین، این قدرت برایش نبوده است و فقط برای حضرت مهدی موعود بوده است که تمام عالم را، عدالت را در تمام عالم گسترش بدهد.»^۱

نگاهی به کلیه‌ی انحرافات

رویکردهای انحرافی در مسئله‌ی انتظار

رویکرد نفی و تقابل با تشکیل و تأسیس هرگونه حکومتی قبل از ظهور

«یک دسته می‌گفتند که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است. آنها مغرور بودند. آنهایی که بازیگر نبودند، مغرور بودند به بعضی روایاتی که وارد شده است بر این امر

۱. صحیفه‌ی امام (ره)، ج ۱۲، ص ۴۸۱



که هر عَلمی بلند بشود قبل از ظهور حضرت، آن عَلم، عَلم باطل است. آنها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد، در صورتی که آن روایات [اشاره دارد] که هر کس عَلم بلند کند با عَلم مهدی، به عنوان «مهدوئیت» بلند کند، [باطل است].^۱

«اینهایی که میگویند که هر عَلمی بلند بشود و هر حکومتی، خیال کردند که هر حکومتی باشد، این برخلاف انتظار فرج است؛ اینها نمیفهمند چی دارند میگویند. اینها تزریق کرده‌اند بهشان که این حرفها را بزنند. نمیدانند دارند چی چی میگویند. حکومت نبودن، یعنی اینکه همه‌ی مردم به جان هم بریزند، بکشند هم را، بزنند هم را، از بین ببرند، برخلاف نصّ آیات الهی رفتار بکنند. ما اگر فرض میکردیم دویم تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار میزدیم؛ برای اینکه خلاف آیات قرآن است. اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر را بگوید نباید کرد، این را باید به دیوار زد. این گونه روایت قابل عمل نیست.»^۲

رویکرد بی عملی و فرار از مسؤلیت در دوران انتظار فرج

«بعضی‌ها انتظار فرج را به این میدانند که در مسجد، در حسینیه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان (سلام الله علیه) را از خدا بخواهند. اینها مردم صالحی هستند که یک همچو اعتقادی دارند. بلکه بعضی از آنها را که من سابقاً می‌شناختم بسیار مرد صالحی بود، یک اسبی هم خریده بود، یک شمشیری هم داشت و منتظر حضرت صاحب (سلام الله علیه) بود. اینها به تکالیف شرعی خودشان هم عمل میکردند و نهی از منکر هم میکردند و امر به معروف هم میکردند؛ لکن همین، دیگر غیر از این کاری ازشان نمی‌آمد و فکراین مهم که یک کاری بکنند، نبودند.»^۳

۱. صحیفه‌ی امام (ره)، ج ۲۱، صص ۱۳ و ۱۴

۲. صحیفه‌ی امام (ره)، ج ۲۱، ص ۱۶

۳. صحیفه‌ی امام (ره)، ج ۳، ص ۳۴۰

«این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان (سلام‌الله‌علیه) هستیم پس دیگر بنشینیم تو خانه‌هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم «عَجَلْ عَلٰی فَرَجِهِ». عَجَلْ، با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او؛ و فراهم کردن اینکه مسلمین را باهم مجتمع کنید. همه باهم بشوید. ان شاء الله ظهور میکند ایشان.»^۱

«یکی از علما این جوری میگفت - خدا رحمتش کند - که «من که دلم بیشتر نسوخته به اسلام از حضرت صاحب (سلام‌الله‌علیه)؛ خب ایشان هم که می‌بینند این را، خود ایشان بیایند؛ چرا من بکنم.»! این منطق اشخاصی است که میخواهند از زیر بار دربروند. اسلام اینها را نمیپذیرد. اسلام اینها را به هیچ چیز نمی‌شمرد. اینها میخواهند از زیر بار دربروند. یک چیزی درست میکنند، دو تا روایت از این طرف و از آن طرف میگردند پیدا میکنند که خیر، با سلاطین مثلاً بسازید، دعا کنید به سلاطین. این خلاف قرآن است. اینها نخوانده‌اند قرآن را. اگر صد تا هم چور و ایت‌هایی بیاید، ضرب به جدار میشود. خلاف قرآن است، خلاف سیره‌ی انبیا است؛ باینکه روایتی نیست. شما وقتی ملاحظه میکنید آن همه روایاتی که اگر کسی میل به این بکند که - روایتی است - که اگر مایل باشی که زنده باشد این سلطان، تو هم با او محشوری. مسلمان مگر میشود مایل باشد به اینکه یکی زنده باشد و ظلم کند، آدم بکشد؟ رابطه داشته باشد با یک کسی که آدم میکشد، عالم میکشد، علما را میکشد؟... مسلمان اگر بخواهد اهتمام به امور مسلمین نداشته باشد که مسلمان [نیست]؛ «لیس بمسلم»؛ «من اصبح ولم یرہتم بمور المسلمین فلیس بمسلم».^۲ هی هم بگو لاله‌الاله الا الله، مسلم نیست این طور. اسلام آن است که به درد مسلمین بخورد؛ مسلم آن است که به درد مسلمین بخورد.»^۳

۱. صحیفه‌ی امام (ره)، ج ۱۸، ص ۲۶۹

۲. مکاتیب الرسول (ص)، ج ۲، ص: ۴۵۴

۳. صحیفه‌ی امام (ره)، ج ۳، صص ۳۴۰ و ۳۴۱



رویگرد بی تفاوتی و سازش کاری با مستکبران و ستمگران

«یک دسته‌ی دیگری بودند که انتظار فرج را میگفتند این است که ما کار نداشته باشیم به اینکه در جهان چه میگذرد، برملتها چه میگذرد، برملت ما چه میگذرد؛ به این چیزها ما کار نداشته باشیم، ما تکلیفهای خودمان را عمل میکنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند انشاءالله، درست میکنند؛ دیگر ما تکلیفی نداریم؛ تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آنچه در دنیا میگذرد یا در مملکت خودمان میگذرد، نداشته باشیم.»^۱

رویگرد نفی امر به معروف و نهی از منکر در راستای فراگیری ظلم

«یک دسته‌ای میگفتند که خوب، باید عالم پر [از] معصیت بشود تا حضرت بیاید؛ ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هرکاری میخواهند بکنند؛ گناه‌ها زیاد بشود که فرج نزدیک بشود.»^۲

رویگرد دامن زدن و گسترش گناه و ظلم در عالم

«یک دسته‌ای از این بالاتر بودند، میگفتند: باید دامن زد به گناه‌ها، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت (سلام الله علیه) تشریف بیاورند. این هم یک دسته‌ای بودند که البته در بین این دسته، منحرفهایی هم بودند، اشخاص ساده لوح هم بودند، منحرفهایی هم بودند که برای مقاصدی به این دامن میزنند.»^۳ «منطق حاکم خمین را نداشته باشید که میگفت باید معاصی را رواج داد تا امام زمان (علیه السلام) بیاید! اگر معصیت رواج پیدا نکند، حضرت ظهور نمیکنند!»^۴. «دیروز مقدس نماهای

۱. صحیفه‌ی امام (ره)، ج ۲۱، ص ۱۳

۲. صحیفه‌ی امام (ره)، ج ۲۱، ص ۱۴

۳. همان

۴. امام خمینی (ره)، ولایت فقیه، ص ۶۹

بی‌شعور میگفتند دین از سیاست جدا است و مبارزه با شاه حرام است، امروز میگویند مسئولین نظام کمونیست شده‌اند! تا دیروز مشروب فروشی و فساد و فحشا و فسق و حکومت ظالمان برای ظهور امام زمان (ارواح‌نفاذ) را مفید و راهگشا میدانستند، امروز از اینکه در گوشه‌ای خلاف شرعی که هرگز خواست مسئولین نیست رخ میدهد، فریاد «وا اسلاما» سر میدهند! دیروز «حجّتیته‌ای»ها مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه‌ی مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه‌ی شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابی‌تر از انقلابیون شده‌اند!^۱

انتظار فرج و حکومت اسلامی

نقش استکبار و استعمار در باور به جدایی دین از سیاست

«اما مسئله این است که دست سیاست در کار بوده؛ همان طوری که تزیق کرده بودند به ملت‌ها، به مسلمین، به دیگر اقشار جمعیت‌های دنیا که سیاست کار شماها نیست؛ بروید سراغ کار خودتان و آن چیزی که مربوط به سیاست است، بدهید به دست امپراتورها. خب، آنها از خدا میخواستند که مردم غافل بشوند و سیاست را بدهند دست حکومت و به دست ظلمه، دست آمریکا، دست شوروی، دست امثال اینها و آنهایی که اذنان اینها هستند و اینها همه چیز ما را ببرند، همه چیز مسلمانها را ببرند، همه چیز مستضعفان را ببرند و ما بنشینیم بگوییم که نباید حکومت باشد؛ این یک حرف ابلهانه است، منتها چون دست سیاست در کار بوده، این اشخاص غافل را، اینها را بازی دادند و گفتند شما کار به سیاست نداشته باشید، حکومت مال ما، شما هم بروید توی مسجدهایتان بایستید نماز بخوانید! چه کار دارید به این کارها؟»^۲

۱. صحیفه‌ی امام (ره)، ج ۲۱، ص ۲۸۱

۲. صحیفه‌ی امام (ره)، ج ۲۱، ص ۱۶

ضرورت حکومت در عصر غیبت

از آنجا که حکومت ضرورت عقلی دارد، در عصر غیبت نیز این ضرورت مضاعف است. امام خمینی (ره) ضرورت حکومت را این گونه بیان میکند: «از احکام روشن عقل که هیچ کس انکار آن را نمیتواند بکند آن است که در میانه‌ی بشر قانون و حکومت لازم است و عائله‌ی بشر نیازمند به تشکیلات و نظامنامه‌ها و ولایت و حکومت‌های اساسی است.»^۱؛ «اینکه میگوید حکومت لازم نیست، معنایش این است که هرج و مرج باشد.»^۲؛ همچنین عقلاً ضروری است این حکومت از جانب خدا باشد: «کسی جز خدا حق حکومت بر کسی ندارد و خدا به حکم عقل باید خود برای مردم حکومت تشکیل دهد و قانون وضع کند.»^۳؛ «تشکیلاتی که بر اساس احکام خدا و عدل الهی تأسیس شود بهترین تشکیلات است.»^۴؛ «این حرف که قوانین اسلام تعطیل‌پذیر یا منحصر و محدود به زمان یا مکانی است، برخلاف ضروریات اعتقادی اسلام است... به ضرورت شرع و عقل آنچه در دوره‌ی حیات رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و زمان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) لازم بوده، یعنی حکومت و دستگاه اجرا و اداری [جامعه]، پس از ایشان و در زمان ما لازم است.»^۵

برخی ادله‌ی شرعی بودن حکومت در عصر غیبت بدین شرح است: امام خمینی (ره) ذیل روایت «اللهم ارحم خلفائی... الذین یأتون بعدی و یروون حدیثی و ستی» در اثبات ولایت پیغمبر برای فقیه با استفاده از کلمه‌ی خلیفه - جانشین - میفرماید: «اگر حاکمی کسی را جانشین خود معرفی

۱. کشف اسرار، ص ۱۸۱

۲. صحیفه‌ی امام (ره)، ج ۲۱ ص ۱۵

۳. کشف اسرار، ص ۱۸۴

۴. کشف اسرار، ص ۱۸۶

۵. ولایت فقیه، ص ۲۷

۶. جامع الأخبار (للشعیری)، ص: ۱۸۱

کرد معنی‌اش آن است که باید کارهای او را در نبودش انجام دهد.^۱ در ذیل مقبوله‌ی عمر بن حنظله میفرماید: «در این روایت مجتهد را حاکم قرار داده وردّ او را ردّ امام وردّ امام را ردّ خدا وردّ خدا را در حدّ شرک به خدا دانسته است.»^۲

«قضیه‌ی غدیر، قضیه‌ی جعل حکومت است؛ این است که قابل نصب است و الا مقامات معنوی قابل نصب نیست؛ یک چیزی نیست که با نصب آن مقام پیدا بشود؛ لکن آن مقامات معنوی که بوده است و آن جامعیتی که برای آن بزرگوار بوده است، اسباب این شده است که او را به حکومت نصب کنند و لهذا، می‌بینیم که در عرض صوم و صلاة و امثال اینها می‌آورد و ولایت مجری اینها است. ولایتی که در حدیث غدیر است به معنای حکومت است، نه به معنای مقام معنوی... مسئله، مسئله‌ی حکومت است؛ مسئله، مسئله‌ی سیاست است.»^۳

«تکلیف مردم در زمان غیبت امام آن است که در تمام امورشان رجوع کنند به راویان حدیث و اطاعت از آنها کنند و امام آنها را حجّت خود کرده و جانشین خود قرار داده است.»^۴ «اگر خدا شخص معینی را برای حکومت در دوره‌ی غیبت تعیین نکرده است، لکن آن خاصیت حکومتی را که از صدر اسلام تا زمان حضرت صاحب (علیه السلام) موجود بود، برای بعد از غیبت هم قرار داده است.»^۵ «فقه‌های جامع الشرائط از طرف معصومین نیابت در تمام امور شرعی و سیاسی و اجتماعی دارند و تولی امور در غیبت کبری موکول به آنان است، لکن این امر غیر ولایت کبری است که مخصوص به معصوم است.»^۶ «اگر چنانچه فقیه در کار نباشد، ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت

۱. کشف اسرار، ص ۱۸۸

۲. همان

۳. صحیفه‌ی امام (ره)، ج ۲۰، صص ۱۱۲-۱۱۳

۴. کشف اسرار، ص ۱۸۸

۵. ولایت فقیه، ص ۵۰

۶. صحیفه‌ی امام (ره)، ج ۱۶، ص ۴۰۳

است. یا خدا، یا طاغوت؛ یا خدا است، یا طاغوت. اگر با امر خدا نباشد، رئیس جمهور با نصب فقیه نباشد، غیر مشروع است؛ وقتی غیر مشروع شد، طاغوت است؛ اطاعت او اطاعت طاغوت است.»^۱

ویژگی حکومت اسلامی

امام خمینی (ره) ویژگی حکومت اسلامی را چنین بیان میکنند: «حکومت اسلام حکومت الهی است. فرق مابین حکومت‌های دیگر با حکومت اسلام این است که آنها حکومت را میخواهند برای اینکه غلبه کنند بعضی بر بعضی و سلطه پیدا کنند یک عده‌ای بر عده‌ی دیگر؛ اسلام [این‌گونه] نیست؛ این منظورش نیست... حکومت اسلامی هم این طوری است که میخواهد حکومت الله در عالم پیدا بشود؛ یعنی میخواهد سرباز مسلمان با سربازهای دیگر فرق داشته باشد: این سرباز الهی باشد.»^۲

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز در تبیین مفهوم حکومت چنین بیانی دارند: «به طور خلاصه وقتی در نهج البلاغه میخواهیم مفهوم حکومت را به دست بیاوریم، از آن طرف نگاه میکنیم می‌بینیم آن که در رأس حکومت است والی است، ولی امر است، متصدی کارهای مردم است، یک وظیفه دار و مکلف بزرگ است، یک انسانی است که بیشترین بار و سنگین‌ترین مسئولیت بر دوش او است؛ و در سوی دیگر انسانها قرار دارند که باید با همه‌ی ارزشهایشان، با همه‌ی آرمانهایشان، با همه‌ی عناصر مُشکّله‌ی شخصیتشان مورد رعایت قرار بگیرند؛ این مفهوم حکومت است، نه سلطه‌گری است، نه زورمداری است، نه افزون طلبی است. امیرالمؤمنین در بخش‌های مهمی از نهج البلاغه به حیثه‌ی حکومت اشاره میکند. شاید ده‌ها جمله در نهج البلاغه میتوان نشان داد که مفهوم شریف حکومت را از

۱. صحیفه‌ی امام (ره)، ج ۱۰، ص ۲۲۱

۲. صحیفه‌ی امام (ره)، ج ۸، صص ۴۳۵-۴۳۶

نظر علی بن ابی طالب (علیه السلام) مشخص میکند؛ از جمله در ابتدای فرمان مالک اشتر: «ولاه مصر جباية خراجها و جهاد عدوها و استصلاح اهلها و عمارة بلادها»؛ این است معنای حکومت. اگر مالک اشتر به عنوان استاندار و والی و حاکم مصر معین میشود، نمیرود آنجا تا برای خود عنوانی و قدرتی کسب کند، یا سود و بهره‌ی مادی را به خود متوجه کند؛ میرود آنجا تا این کارها را انجام بدهد، سهم مردم را در اداره‌ی امور مالی کشور از آنها بگیرد، با دشمنان مردم مبارزه کند، آنها را در مقابل دشمنهایشان مصونیت بدهد، آنها را به صلاح نزدیک کند. صلاح با بُعد وسیع مادی و معنوی اش که از نظر علی (علیه السلام) و در منطق نهج البلاغه مطرح است. شهر را و حیطة‌ی حکومت خود را آباد کند؛ یعنی به طور خلاصه انسانها را بسازد، سرزمین را آباد کند، اخلاق و ارزشهای معنوی را بالا ببرد، وظایف مردم و آنچه را که در جنب حکومت برعهده‌ی آنها است آنها را استنقاذ کند و استعداد کند.^۱

منشأ مشروعیت حکومت اسلامی و فعلیت آن

«از نظر علی (علیه السلام) منشأ اصلی حکومت یک سلسله ارزشهای معنوی است؛ آن کسی میتواند بر مردم حکومت کند و ولایت امر مردم را به عهده بگیرد که از یک خصوصیتی برخوردار باشد. نگاه کنید به نامه‌های فراوان علی (علیه السلام) به معاویه و به طلحه و زبیر و به عاملان خود و به مردم کوفه و به مردم مصر، نامه‌های فراوانی که اگر یکی اش را هم بخواهیم اینجا بخوانیم وقت زیادی را خواهد گرفت. او حکومت را و ولایت امر مردم را ناشی از یک ارزش معنوی میداند؛ اما فقط این ارزش معنوی هم کافی نیست برای اینکه انسان فعلاً و عملاً حاکم و والی باشد، بلکه مردم هم در اینجا سهمی دارند و آن بیعت است. امیرالمؤمنین در هر دو بخش تصریحاتی دارد که متأسفانه

۱. نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳

۲. در اولین کنگره‌ی بین‌المللی نهج البلاغه، ۱۳۶۰/۲/۹

نمیخواهم وقت را حالا به این بگذرانم. آنچه درباره‌ی اهل بیت آمده آن را هم اضافه کنید به نامه‌های امام به رقبای حکومتش در آن زمان که اشاره کردم؛ اشاره کردم، در کنار این، آن بیاناتی که درباره‌ی اهل بیت وارد شده همچنین میتوانند آن ارزشهای معنوی که ملاک حکومت هست، اینها را بیان کند و مشخص کند؛ اما فقط این نیست، بلکه بیعت هم شرط است. «انّه بایعنی القوم الذین بايعوا ابا بکر و عمر و عثمان علی ما بايعوهم علیهم فلم یکن للشاهد عن یختار و لا للغائب عن یرد و انما الشوری للمهاجرین و الانصار فان اجتمعوا علی رجلٍ و سموه اماماً کان ذلک لله رضی»؛ اگر مهاجر و انصار جمع بشوند و کسی را پیشوای خود بدانند و به امامت او گردن بنهند خدا بر این راضی است. بیعت منجزکننده‌ی حقّ خلافت است؛ آن ارزشها آن وقتی میتواند فعلاً و عملاً کسی را به مقام ولایت امر برساند که مردم هم او را بپذیرند و قبول کنند، که این مسئله در باب نقش مردم در حکومت باز مورد توجه قرار میگیرد.^۲ «حکومت آینده‌ی حضرت مهدی موعود (ارواحنا فداه)، یک حکومت مردمی به تمام معنا است. مردمی یعنی چه؟ یعنی متکی به ایمانها و اراده‌ها و بازوان مردم است. امام زمان، تنها دنیا را پراز عدل و داد نمیکنند؛ امام زمان از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آنها است که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار میبخشد و یک حکومت صد درصد مردمی تشکیل میدهد.»^۳

حکومت، یک حق و یک تکلیف

«امیرالمؤمنین به طور خلاصه و مجمل حکومت را هم یک حق میدانند هم یک تکلیف. این جور نیست که هرکسی که برایش شرایط تولیت امور مردم فراهم شد و توانست به نحوی با کسب و جاهت، با تبلیغ، با کارها

۱. نهج البلاغه، نامه‌ی ۶

۲. در اوّلین کنگره‌ی بین‌المللی نهج البلاغه ۱۳۶۰/۲/۲۹

۳. در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصالّی تهران ۱۳۸۱/۷/۳۰

و شیوه‌هایی که معمولاً طالبان قدرت خوب بلدند آن شیوه‌ها را انجام بدهند، به هر نحوی توانست نظر مردم را جلب کند، این بتواند حکومت کند. حق متعلق به کسان معینی است. این به معنای این نیست که یک طبقه، طبقه‌ی ممتازند؛ در جامعه‌ی اسلامی همه فرصت و میدان دارند که خود را به آن زیورها بیاریند؛ همه می‌توانند آن شرایط را برای خود کسب کنند... بنابراین ولایت را یک حق میدانند و این جای انکار نیست.»^۱

«امیرالمؤمنین حکومت را یک حق میدانند، همچنانی که یک وظیفه نیز میدانند. یعنی آن روزی که اطراف علی را میگیرند «فما راعنی الا والتاس کعرف الضبع الی ینثالون علی من کلّ جانب حتی وطىء الحسنان و شقّ عطفای» مردم آنچنان انبوه بر من گرد آمدند که فرزندان مرا در زیر پاهای خود لگدمال کردند. مردم مشتاقانه، نیازمندانه، از علی می‌خواهند که به نیاز آنها پاسخ بگوید. امیرالمؤمنین برای حکومت یک شأن واقعی قائل نیست، حکومت برای علی یک هدف نیست، همچنانی که در بحث بعدی باید روشن بشود، اما باین حال حکومت را میپذیرد به عنوان یک وظیفه، و می‌ایستد و از آن دفاع میکند: «فلولا حضور الحاضر و قیام الحجة بوجود ناصر و ما اخذ الله علی العلماء ان لا یقاروا علی کظة ظالم و لا سغب مظلوم لالقیتم جلهما علی غاربها و لسقیتم آخرها بکأس اولها و لالقیتم دنیاکم هنذ اهد عندی من عطفة عنز»^۲؛ بازهم برای من حکومت ارزشی ندارد؛ بازهم حاضر نیستم برای به دست آوردن یک مقام، یک جاه، از ارزشها بگذرم؛ بازهم حاضرم با همان جام نخستین این جمع را سیراب کنم؛ همچنانی که روز اول کنار نشستم بازهم کنار بنشینم. مؤکداً میگوید: «دعونی و التمسوا غیری»^۳؛ مرا بگذارید به سراغ دیگران بروید؛ اما وقتی احساس می‌کند که وظیفه است، احساس می‌کند زمینه آماده است و او

۱. در اولین کنگره‌ی بین‌المللی نهج البلاغه ۱۳۶۰/۲/۲۹

۲. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۳

۳. همان

۴. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۹۲

میتواند این نقش عظیم و اساسی را برعهده بگیرد، آن وقت قبول میکند.^۱ «خطّ اساسی فاصل میان حکومت علی و حکومت دیگران همین است که حکومت برای علی هدف نیست، یک وسیله است آن هم برای آرمانهای معنوی.»^۲

فلسفه‌ی سیاسی شیعه‌ی امامیه

اصل امامت و ولایت، به عنوان فلسفه‌ی سیاسی شیعه‌ی امامیه بوده و نافی هرگونه آموزه‌ی آنارشیستی است. در مکتب شیعه اصل لزوم حکومت اسلامی و در نتیجه خالی نبودن زمان از فلسفه‌ی سیاسی مورد تأیید قرار گرفته است. به گونه‌ای که هیچ زمانی خالی از امام و حجّت خداوندی نیست. از سوی دیگر آموزه‌ی غیبت و انتظار فرج از اصول بنیادین عقاید امامیه است. ولایت مطلقه‌ی فقیه همان فلسفه‌ی سیاسی امامت در دوران غیبت است، که امتداد فلسفه‌ی سیاسی امامت در دوران حضور است. عصر غیبت از منظر امام خمینی (ره)، عصر بلا تکلیفی نیست بلکه در عصر غیبت نیز نسبت به امر سیاسی - اجتماعی تکلیف وجود دارد که همان تشکیل حکومت اسلامی است، تا مقدمه‌ای برای ظهور بوده و شیعیان در انتظار فرج، برای قدرت سیاسی اسلام خدمت میکنند. «انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است.»^۳ در مفهوم انتظار فرج، نحوی انقلابیگری و طلب سیاسی - اجتماعی نهفته است؛ چنان‌که به باور امام خمینی (ره)، نفی حکومت در دوران غیبت به معنی تأیید آنارشیسم و هرج و مرج است که امری معقول نیست و خلاف نصوص قرآنی است. نظام سیاسی استنباطی امام خمینی (ره) برای عصر غیبت، ولایت مطلقه‌ی فقیه است که استمرار

۱. در اولین کنگره‌ی بین‌المللی نهج‌البلاغه ۲۹/۲/۱۳۶۰

۲. همان

۳. صحیفه‌ی امام (ره)، ج ۸، ص ۳۷۴

فلسفه‌ی سیاسی امامت است. بنابراین میتوان چنین برداشت کرد که از دیدگاه امام خمینی^(ره) ولایت فقیه، دولت انتظار در عصر غیبت است و زمینه‌ساز برای ظهور است. برداشتهای ناصواب از انتظار فرج ریشه در فردی دیدن احکام اسلامی، فرار از تکلیف سیاسی و بی‌مسئولیتهی، ساده‌لوحی و رواج اندیشه‌ی استعماری جدایی دین از سیاست دارد. امام خمینی^(ره) بر اهمیت مؤلفه‌ی «امید» نیز برای پیروزی انقلابها تأکید کرده و آن را از آموزه‌ی «انتظار فرج» استنباط میکنند. انتظار فرج یک امید هیجان‌انگیز دانسته شده است که در نتیجه آن مؤمنین هیچگاه نباید مأیوس، ناامید و بیهوده‌گرا باشند بلکه عنایت و نصرت الهی همواره به سوی آنان خواهد بود. اما در مواجهه با آرمان‌خواهی در آموزه‌ی انتظار فرج و تمایل به جهادی خستگی‌ناپذیر - که بنیان آن در قیام امام حسین (علیه‌السلام) است - دورویکرد متقابل نسبت به نظریه‌ی انتظار ایجاد شده است که یکی رویکرد ترک مبارزه و مسئولیت اجتماعی است که مبتنی بر روایاتی با مضامین بطلان قیام و انقلاب پیش از ظهور است. در این تفکر هر نوع مبارزه‌ای باعث تأخیر در ظهور است و نباید امر به معروف و نهی از منکر کرد! امام خمینی^(ره) نشان داده است که با چنین رویکردی با مسئله‌ی انتظار فرج مقابله کردند. همچنین شهید آیت‌الله مطهری نیز در کتاب «قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه‌ی تاریخ» با این رویکرد مخالفت کرده و آن را به اندیشه‌ی مارکسیست‌ها تشبیه کرده است. در نظر شهید مطهری، برداشت نادرست از مقوله‌ی انتظار ناشی از این دیدگاه است که عده‌ای قیام مهدی موعود (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) را دارای ماهیت انفجاری میدانند؛ درحالی‌که از آیات و روایات موجود چنین استفاده میشود که ظهور، حلقه‌ای از حلقات مبارزه‌ی اهل حق و اهل باطل است:

«برداشت قشری مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود این است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد؛ فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج

ظلمها و تبعیضها و اختناقها و حق‌کشی‌ها و تباهی‌ها ناشی میشود؛ نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است. آنگاه که صلاح به نقطه‌ی صفر برسد، حق و حقیقت هیچ طرف‌داری نداشته باشد، باطل یگانه‌تاز میدان گردد، جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکند، فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ میدهد و دست غیب برای نجات حقیقت - نه اهل حقیقت، زیرا حقیقت طرف‌داری ندارد - از آستین بیرون می‌آید... اینجا است که گناه، هم فال است و هم تماشا، هم لذت و کام‌جویی است و هم کمک به انقلاب مقدس نهایی... این نوع از برداشت از آن جهت که با اصلاحات مخالف است و فسادها و تباهی‌ها را به عنوان مقدمه‌ی یک انفجار مقدس، موجه و مطلوب می‌شمارد، باید «شبه دیالکتیکی» خوانده شود، با این تفاوت که در تفکر دیالکتیکی با اصلاحات از آن جهت مخالفت میشود و تشدید نابسامانی‌ها از آن جهت اجازه داده میشود که شکاف وسیع‌تر شود و مبارزه پیگیرتر و داغ‌تر گردد، ولی این تفکر عامیانه فاقد این مزیت است؛ فقط به فساد و تباهی فتوا میدهد که خودبه‌خود منجر به نتیجه‌ی مطلوب بشود.

آن عده از آیات قرآن کریم - که همچنان که گفتیم ریشه‌ی این اندیشه است و در روایات اسلامی بدانها استناد شده است - در جهت عکس برداشت بالا است. از این آیات استفاده میشود که ظهور مهدی موعود حلقه‌ای است از حلقات مبارزه‌ی اهل حق و اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی میشود. سهیم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. آیاتی که بدانها در روایات استناد شده است نشان میدهد که مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است، مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است: «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم ولیمکننن لهم دینهم الذی ارتضی لهم ولیبدلنهم من

بعد خوفهم امناً یعبدوننی لایشرکون بی شینا»^۱. ظهور مهدی موعود متنی است بر مستضعفان و خوارشمرده شدگان، و وسیله‌ای است برای پیشوا و مقتدا شدن آنان، و مقدمه‌ای است برای وراثت آنها خلافت الهی را در روی زمین: «ونرید ان نمّ علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمةً و نجعلهم الوارثین»^۲. ظهور مهدی موعود، تحقق بخش وعده‌ای است که خداوند متعال از قدیم‌ترین زمانها در کتب آسمانی به صالحان و متقیان داده است که زمین از آن آنان است و پایان تنها به متقیان تعلق دارد: «ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون»^۳: «ان الارض لله یرثها من یشاء من عباده و العاقبة للمتقین»^۴. حدیث معروف که میفرماید: «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» نیز شاهد مدّعی ما است نه بر مدّعی آن گروه. در این حدیث نیز تکیه بر روی ظلم شده است و سخن از گروه ظالم است که مستلزم وجود گروه مظلوم است و میرساند که قیام مهدی برای حمایت مظلومانی است که استحقاق حمایت دارند. بدیهی است که اگر گفته شده بود: «یملأ الله به الارض ایماناً و توحیداً و صلاحاً بعد ما ملئت کفراً و شرکاً و فساداً» مستلزم این نبود که لزوماً گروهی مستحقّ حمایت وجود داشته باشد. در آن صورت استنباط میشد که قیام مهدی موعود برای نجات حقّ از دست رفته و به صفر رسیده است نه برای گروه اهل حق و لوله صورت یک

۱. سوره‌ی نور، بخشی از آیه‌ی ۵۵، ترجمه: «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرارداد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند.»

۲. سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۵، ترجمه: «وخواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم.»

۳. سوره‌ی انبیا، آیه‌ی ۱۰۵، ترجمه: «و در حقیقت در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته‌ی ما به ارث خواهند برد.»

۴. سوره‌ی اعراف، بخشی از آیه‌ی ۱۲۸، ترجمه: «زمین از آن خدا است آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌دهد و فرجام [نیک] برای پرهیزکاران است.»

اقلیت. شیخ صدوق روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل میکند مبنی بر اینکه این امر تحقق نمیپذیرد مگر اینکه هریک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسند. پس سخن در این است که گروه سعید و گروه اشقیاء هر کدام به نهایت کار خود برسند؛ سخن در این نیست که سعیدی در کار نباشد و فقط اشقیاء به منتها درجه‌ی شقاوت برسند. در روایات اسلامی سخن از گروهی زیده است که به محض ظهور امام به آن حضرت ملحق میشوند. بدیهی است که این گروه ابتداء به ساکن، خلق نمیشوند و به قول معروف از پای بوته‌ی هیزم سبز نمیشوند. معلوم میشود در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد، زمینه‌هایی عالی وجود دارد که چنین گروه زیده را پرورش میدهد.^۱ بنابراین مبارزات طیفی از علمای شیعه و بویژه امام خمینی (ره) باعث ارائه‌ی رویکرد فعال و سازنده از مقوله‌ی انتظار گردیده است؛ لذا انتظار نور امید است؛ دست روی دست گذاشتن و تنها به امید آینده نشستن، انتظاری بی محتوا است، کما اینکه روایت «افضل اعمال امتی انتظار الفرج»^۲، بیان میکند که انتظار فرج، یک عمل سازنده و به معنای ایجاد زمینه‌ی کمال و رشد عقلی برای ظهور با اصلاح جامعه است.

روش تحقیق در مسئله‌ی انتظار و مهدویت

از دیدگاه آیت الله العظمی خامنه‌ای

«از کار عالمانه و همراه با دقت در مسئله‌ی انتظار و مسئله‌ی دوران ظهور نباید غفلت کرد... این هم کار هرکسی نیست؛ باید اهل فن باشد، اهل حدیث باشد، اهل رجال باشد، سند را بشناسد، اهل تفکر فلسفی باشد؛ بداند، حقایقی را بشناسد؛ آن وقت میتواند در این زمینه وارد میدان بشود و کار تحقیقاتی انجام بدهد.»^۳

۱. قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه‌ی تاریخ، صص ۴۳۶ تا ۴۳۹

۲. صحیفة الإمام الرضا علیه السلام، ص: ۵۴

۳. در دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت ۱۸/۴/۱۳۹۰

در همین موضوع مهدویت و قضایای مربوط به امام زمان - مسئله‌ی انتظار، مسئله‌ی طول عمر، مسئله‌ی دوران حکومت، مسئله‌ی وظایفی که منتظرین دارند، و مسائل گوناگونی که وجود دارد - بهترین مرجع عبارت است از حدیث و آنچه از خود ائمه (علیهم‌السلام) نقل شده، که جای تردیدی را باقی نمیگذارد و این مهم‌ترین مطلب است. همین‌طور که آقای ری شهری اشاره کردند، بنده هم به این معنا معتقدم که شواهد عقلی و اعتباری به‌عنوان مؤید میتوانند به کار بروند، [اما] آنچه تعیین‌کننده و قاطع است، منابع روایی و حدیثی و قرآنی است که به اینها بایستی تکیه کرد، از اینها باید استفاده کرد. البته باید تنقیح بشود؛ به حرفهای سست نباید اعتماد کرد. حرف قرص کم نداریم؛ حرفهای قوی، محکم و بنیادهای فکری مستحکم بحمدالله در این زمینه خیلی زیاد است و میتوان به اینها تکیه کرد و از اینها استفاده کرد.^۱

وضوح مسئله‌ی مهدویت عام و خاص

اصل مهدویت از واضحات و از ضروریات مذهب تشیع و از ضروریات اسلام و همه‌ی ادیان است - امر واضحی است؛ مهدویت با معنای خاص شیعی آن یعنی مشخص شدن وجود مبارک و مقدّس مهدی (علیه‌الصلاة والسلام) که در مذاهب دیگر و ادیان دیگر این تشخّص وجود ندارد؛ مخصوص شیعه است که مهدی را می‌شناسد: با نام، با خصوصیات، با پدر، مادر، خانواده؛ این هم جزو مسائل واضح و قطعی و ضروری در مذهب ما است؛ یعنی جای هیچ ربیبی، تردیدی، شبهه‌ای وجود ندارد؛ اینها روشن و مسلّم است.^۲

۱. در دیدار مسئولان و پژوهشگران مؤسسه‌ی دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث ۱۳۹۳/۳/۲۱

۲. در دیدار کارکنان دفتر مقام معظم رهبری و خانواده‌های آنان؛ ۱۳۹۳/۳/۲۲

فصل اوّل
مفهوم شناسی انتظار فرج



مفهوم فرج

انتظار فرج یعنی انتظار گشایش از کار انسانیت. امروز کار انسانیت در گره‌های سخت پیچیده و گره خورده است؛ همه‌ی بشریت اسیر دو قدرت بزرگ است، قدرت غرب و قدرت شرق، قدرت آمریکا و شوروی و همه‌ی قدرتهای دیگر هم ضمن آنکه خودشان همان خودکامگی‌ها را میکنند، در خط سیر یکی از این دو قدرت عمل میکنند. این گره بزرگ در کار انسانیت امروز. امروز فرهنگ مادی بزور به انسانها تحمیل شده است؛ این یک گره است. امروز در سطح دنیا تبعیض انسانها را می‌آزارد؛ این گره بزرگی است. امروز کار ذهنیت غلط، مردم دنیا را به آنجا رسانده‌اند که فریاد عدالت خواه یک ملت انقلابی در میان عربده‌های مستانه‌ی قدرتگرایان و قدرتمندان گم میشود؛ این یک گره است. امروز مستضعفان آفریقا و آمریکای لاتین و میلیون‌ها انسان گرسنه‌ی آسیا و آسیای دور، میلیون‌ها انسان رنگین پوستی که از ستم تبعیض نژادی رنج می‌برند، چشم امیدشان به یک فریادرس و نجات‌بخش است. و قدرتهای بزرگ نمی‌گذارند ندای آن نجات‌بخش به گوش آنها برسد؛ این یک گره است. فرج یعنی باز شدن این گره‌ها.^۱

مصادیق فرج:

الف) عدالت، خواسته‌ی عمومی بشریت

برجسته‌ترین شعار مهدویت عبارت است از عدالت. مثلاً در دعای ندبه وقتی شروع به بیان و شمارش صفات آن بزرگوار میکنیم، بعد از نسبت او به پدران بزرگوار و خاندان مطهرش، اولین جمله‌ای که ذکر میکنیم، این است: «این المعدل قطع دابر الظلمة، این المنتظر لإقامة الأمت والعوج، این المرتجى لإزالة الجور والعدوان»؛ یعنی دل بشریت میتپد تا آن نجات بخش بیاید و ستم را ریشه کن کند؛ بنای ظلم را - که در تاریخ بشر، از زمانهای گذشته همواره وجود داشته و امروز هم با شدت وجود دارد - ویران کند و ستمگران را سر جای خود بنشانند. این اولین درخواست منتظران مهدی موعود از ظهور آن بزرگوار است. یا در زیارت آل یاسین وقتی خصوصیات آن بزرگوار را ذکر میکنید، یکی از برجسته‌ترین آنها این است که «الذی یملأ الارض عدلاً وقسطاً کما ملئت جوراً وظلماً»^۲. انتظار این است که او همه‌ی عالم - نه یک نقطه - را سرشار از عدالت کند و قسط را در همه جا مستقر نماید. در روایاتی هم که درباره‌ی آن بزرگوار هست، همین معنا وجود دارد. بنابراین انتظار منتظران مهدی موعود، در درجه‌ی اول، انتظار استقرار عدالت است.^۳

انتظار، یکی از پربرکت‌ترین حالات انسان است؛ «منتظر بودن»؛ منتظر چه؟ منتظر یک دنیای روشن از نور عدل و داد؛ «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً»^۴. خدای متعال سرزمین بشری را و همه‌ی روی زمین را به دست او از عدالت و دادگستری پر خواهد کرد.^۵

۱. الاقبال، ص ۲۹۷

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷

۳. در دیدار اقصاء مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۱/۷/۳۰

۴. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۳۸، ص: ۱۲۶

۵. در دیدار اقصاء مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۶۸/۱۲/۲۲

مظهر عدل پروردگار، امام زمان است و میدانیم که بزرگ‌ترین خصوصیت امام زمان (علیه‌الصلاة والسلام) که در دعاها و در زیارات و در روایات هست، عدالت است؛ «یلا الله به الارض قسطاً و عدلاً»^۱.

در تمام آثار دینی که شما نگاه میکنید، هدف و غایت برای حرکت جامعه‌ی اسلامی، تشکیل جامعه‌ی عادلانه است. راجع به امام زمان این همه اثر هست و در اغلب اینها گفته میشود که آن بزرگوار تشریف بیاورند تا اینکه جهان را پراز عدل کنند. بیش از آنکه گفته شده «پراز دین حق کنند»، گفته شده «پراز عدالت کنند»^۲.

و انتظار ظهور آن بزرگوار، انتظار حضور یک جهان پراز عدل و داد است؛ انتظار عدالت است برای همه‌ی انسانها؛ انتظار رفع ظلم است از صحنه‌ی زندگی بشر؛ انتظار تطهیر دامن بشریت است از آنچه زورگویان عالم و دشمنان بشریت بر او تحمیل کرده‌اند؛ این یک چنین انتظاری است. این انتظار دنیای برتر است برای معنویات و مادّیات بشر. در دوران امام زمان، مادّیات انسانها هم از امروز بهتر خواهد شد؛ فقط معنویات نیست. بشر را خدای متعال دارای جنبه‌ی مادّه و معنا آفریده است، کمال او هم در هر دو جنبه است. حکومت کامله و عادلّه‌ی الهی هم متکفل هر دو جنبه است.^۳

در مورد ظهور حضرت بقیه‌الله‌الاعظم (ارواحنا فداه و عجل الله فرجه)، در بیشتر روایات و ادعیه و زیاراتی که درباره‌ی آن بزرگوار است و اسمی از آن بزرگوار است، به دنبال مسئله‌ی ظهور و قیام آن حضرت، «یملأ الله به الارض قسطاً

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۶۸/۱۲/۲۲

۲. در دیدار هیئت دولت در آغاز کار دولت ۱۳۷۲/۶/۳

۳. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۵/۱۰/۶

و عدلاً) هست. خدا به وسیله‌ی او، زمین را پراز قسط و عدل میکند. البتّه خدا به وسیله‌ی امام زمان، زمین را از دین خودش هم پرمیکند؛ امّا آن چیزی که دردعا و زیارت و روایت گفته میشود، «یملأ الارض به الدّین، دین الحق» نیست. مگر در بعضی از جاها که تعبیراتی هست - متعلّق «یملأ»، قسط و عدل، عدالت، دادگری و انصاف است؛ چرا؟ چون بشر بیشتر از همه چیز، از ظلم و بیدادگری رنج میبرد.^۱

بنای قوام اساسی دعوت، حکومت و نهضت انبیا بر عدل است؛ «لِیُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۲؛ عدالت همه چیز است. شما هم که آرزوی قیام حکومتِ عادلانه‌ی حجت‌الهی (روحانفاده) را دارید، تکرارتان دردعا و زیارت این است که «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً»^۳؛ در درجه‌ی بعد می‌گوییم که دین خدا را هم اشاعه دهد.^۴

امروز ما انتظار فرج داریم؛ یعنی منتظریم که دست قدرتمند عدالت‌گستری بیاید و این غلبه‌ی ظلم و جور را که همه‌ی بشریت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشکند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند و نسیم عدل را بر زندگی انسانها بوزاند، تا انسانها احساس عدالت کنند.^۵

انتظار فرج معنایش این نیست که انسان بنشیند، دست به هیچ کاری

۱. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۵/۱۱/۱۲؛ نظیر این بیان، در دیدار مسئولان دستگاه قضایی کشور و خانواده‌های شهدای هفتم تیر ۱۳۷۷/۴/۷ و نیز در جلسه‌ی پرسش و پاسخ با مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی ۱۳۷۷/۱۲/۴ تکرار شده است.
۲. سوره‌ی حدید، بخشی از آیه‌ی ۲۵، ترجمه: «تا مردم به انصاف برخیزند»
۳. کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص: ۵۶۷؛ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۳۶، ص: ۳۱۶
۴. در دیدار مسئولان قضایی و قضات کشور ۱۳۷۳/۴/۶
۵. در دیدار افشارمختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۵/۲۷

نزند، هیچ اصلاحی را وجهی همت خود نکند، صرفاً دل خوش کند به اینکه ما منتظر امام زمان (علیه‌الصلاة والسلام) هستیم. اینکه انتظار نیست. انتظار چیست؟ انتظار دست قاهرِ قدرتمندِ الهی ملکوتی است که باید بیاید و با کمک همین انسانها سیطره‌ی ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسانها را بنده‌ی واقعی خدا بکند.^۱

الان نزدیک ۱۲۰۰ سال است که ملت اسلام و شیعه در انتظار ظهور مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف وجعلنا الله فداه) است؛ چه خصوصیتی برای آن بزرگوار ذکر میکنید؟ «الذی یملا الله به الارض قسطاً و عدلاً»... در محیط قسط و عدل است که انسانها میتوانند رشد کنند، به مقامات عالی بشری برسند و کمال انسانی خودشان را به دست بیاورند. قسط و عدل یک مقدمه‌ی واجب است برای کمال نهایی انسان.^۲

آنچه ما درباره‌ی امام زمان میدانیم و به ما رسیده است، بیانگر این است که اهداف و آرمانهای امام زمان که بنا است اینها را در محیط زندگی بشر و در مقیاس جهانی تحقق ببخشد، آرمانهای مشترک همه‌ی انسانها است. شما در زیارتها و دعاها میخوانید: «یملأ الله به الأرض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً»^۳، یا در یک دعا آمده است: «بعد ما ملئت ظلماً و جوراً»^۴. شیعه، حضرت را به این عنوان می‌شناسد که می‌آید دنیا را پر از عدل و داد میکند. عدل و داد یعنی خواسته‌ی بشر در طول تاریخ؛ خواسته‌ای که

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۵/۲۷

۲. در دیدار جمعی از فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی ۱۳۷۶/۴/۲۵

۳. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۳۸، ص: ۱۲۶

۴. مفتاح الجنان، دعای عدلیه‌ی کبیر

هنوز هم تحقق پیدا نکرده. بشر همیشه اشتیاق و آرزوی عدل و داد را داشته است. به شکلهای مختلف در دنیا ظلم بوده، امروز هم که دنیا به معنای واقعی کلمه پر از ظلم و جور است. می بینید دنیا را؛ می بینید مسلطین بر عالم را، می بینید قدرتمندان را؛ می بینید فشار بر ملت‌ها را، فشار برضعفا را، برخوردهای مغرضانه و کینه‌ورزانه‌ی با حقایق مقدس را. امروز دنیا این جور است. در گذشته هم به اشکال مختلفی دنیا برای کسانی که دادخواه بودند، دنبال عدل و داد بودند، مشکلات داشته: «ضائق علیهم الأرض بما رحبت»؛ دنیا با همه‌ی گستردگی‌اش، بر انسانها تنگ می‌آمد؛ مثل زندان، انسانها را فشار میداد. امام زمان (سلام الله علیه و عجل الله فرجه و ارواحنا فداه) می‌آید تا این خواسته‌ی عمومی و تاریخی بشر را محقق کند. نفرمودند: «یملأ الله به الأرض دیناً». البته دین را هم گسترش خواهد داد، اما شاخصه این نیست؛ شاخصه، عدل و داد است. آنچه هم که در روایات ما، در آثار ما، انسان درباره‌ی خصوصیات زمان امام زمان (علیه الصلاة والسلام) میخواند و می‌شنود، بیشتر متوجه همینها است... آرمانهای امام زمان، آرمانهای عمومی انسان است؛ آرمانهای تاریخی بشر است.^۲

شب میلاد آن کسی [است] که درباره‌ی او سخنی گفته شده است که درباره‌ی هیچ‌یک از پیغمبران و اولیای الهی و ائمه گفته نشده است و آن این است که «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً»^۳؛ درباره‌ی هیچ پیغمبری چنین چیزی گفته نشده؛ حتی درباره‌ی پیغمبر آخرالزمان. آن دست توانایی که میتواند همه‌ی سطح عالم را از نعمت عدل و داد برخوردار بکند، دست توانای او است. خداوند این فضیلت بزرگ را برای او قرار داده

۱. سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۱۱۸، ترجمه: «زمین با همه فراخی‌اش بر آنان تنگ گردید»

۲. دردیدار کارکنان دفتر مقام معظم رهبری و خانواده‌های آنان ۱۳۹۲/۴/۲

۳. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۱۶

است؛ نه برای دیگر اولیا، نه برای دیگر انبیا، نه برای دیگر برجستگان عالم و مقربان مقام حق، فقط او است که این تعبیر درباره‌ی او آمده است.^۱

مفهوم استقرار عدالت

بشریت دارد همین طور این راه را طی می‌کند تا به اتوبان برسد؛ این اتوبان، دوران مهدویت است، دوران ظهور حضرت مهدی (سلام‌الله‌علیه) است. این جور نیست که وقتی به آنجا رسیدیم، یک حرکت دفعی انجام بگیرد و بعد هم تمام بشود؛ نه، آنجا یک مسیر است. در واقع باید گفت زندگی اصلی بشر و حیات مطلوب بشر از آنجا آغاز می‌شود و بشریت تازه می‌افتد در راهی که این راه یک صراط مستقیم است و او را به مقصد آفرینش می‌رساند؛ «بشریت» را می‌رساند، نه آحادی از بشریت را، نه افراد را، مجموعه‌ها را می‌رساند. البته این به معنای این نیست که در آن وقت طبیعت بشر تغییر پیدا می‌کند؛ نه، طبیعت بشر، طبیعت ستیزه‌ی درونی و درگیری درونی میان خیر و شر است. عقل انسان هست، طبع انسان هم هست؛ غرایز انسان احکامی دارند، کشش‌هایی دارند، تمایلات طبیعی انسان کار خودشان را می‌کنند، عقل هم کار خود را می‌کند؛ این تنازع در آن دوران هم وجود خواهد داشت. این جور نیست که در آن دوران، بشریت یکپارچه تبدیل بشود به فرشته؛ نه، آنجا هم طبعاً این درگیری هست، طبعاً خوب و بد هم در آن وقت وجود دارد؛ منتها راه و جاده، جاده‌ای است که مساعد خوب شدن و خوب حرکت کردن و درست راه را پیمودن و به سمت مقصود واقعی راه رفتن است؛ این خصوصیت آن راه است که همان معنای حقیقی و واقعی «عدل» است.^۲

قدرت، لازمه‌ی استقرار عدالت

استقرار عدالت، چه در سطح جهانی - آن‌طور که آن وارث انبیا انجام

۱. در دیدار کارکنان دفتر مقام معظم رهبری و خانواده‌های آنان ۱۲/۳/۱۳۹۴

۲. در دیدار مسئولان و پژوهشگران مؤسسه‌ی دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث ۲۱/۳/۱۳۹۳

خواهد داد - و چه در همه‌ی بخشهای دنیا، احتیاج به این دارد که مردمان عادل و انسانهای صالح و عدالت طلب، قدرت را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند... نظام اسلامی و ملت مسلمان ایران و دولت جمهوری اسلامی بزرگ‌ترین قدم را در این راه برداشت و به برکت مجاهدت جوانان و مردان و زنان مؤمن و فداکار این ملت، اسلام در دنیا به‌عنوان یک قدرت ظاهر شد. هرچه این قدرت بتواند خود را مستقتر و پایدارتر کند، نظم ظالمانه و شیطانی دنیا بیشتر تهدید میشود.^۱

ب) تشکیل جامعه‌ی توحیدی و دینی

آن چیزی که مهدویت مبشر آن هست، همان چیزی است که همه‌ی انبیا، همه‌ی بعثتها برای خاطر آن آمدند و آن ایجاد یک جهان توحیدی و ساخته‌وپرداخته‌ی بر اساس عدالت و با استفاده‌ی از همه‌ی ظرفیتهایی است که خدای متعال در انسان به‌وجود آورده و قرار داده؛ یک چنین دورانی است دیگر، دوران ظهور حضرت مهدی (سلام الله علیه و عجل الله تعالی فرجه) دوران جامعه‌ی توحیدی است، دوران حاکمیت توحید است، دوران حاکمیت حقیقی معنویت و دین بر سراسر زندگی انسانها است.^۲

انتظار اسلامی یعنی انتظار دنیایی سرشار از عدالت، راستی، صمیمیت، انسانیت، معنویت، فضیلت و اخلاق انسانی صحیح که در آن حاکمیت زر و زور و تبلیغات مزورانه و خبیثانه‌ی رسانه‌های جمعی شرق و غرب راهی ندارد.^۳

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۱/۷/۳۰

۲. در دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت ۱۳۹۰/۴/۱۸

۳. در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۷۳/۱۰/۲۷

وابستگی برقراری توحید در عالم به استقرار عدالت

آنچه مسلم است، همه‌ی پیغمبران و اولیا برای این آمدند که پرچم توحید را در عالم به اهتزاز درآورند و روح توحید را در زندگی انسانها زنده کنند. بدون عدالت، بدون استقرار عدل و انصاف، توحید معنایی ندارد. یکی از نشانه‌ها یا ارکان توحید، نبودن ظلم و نبودن بی‌عدالتی است. لذا شما می‌بینید که پیام استقرار عدالت، پیام پیغمبران است. تلاش برای عدالت، کار بزرگ پیغمبران است. انسانهای والا در طول تاریخ در این راه تلاش نموده‌اند و بشریت را روزبه‌روز به سمت فهمیدن این حقیقت که عدالت، سرآمد همه‌ی خواسته‌های انسانی است، نزدیک کرده‌اند.^۱

روز ولادت مهدی موعود (ارواحناالتراب مقدمه‌الفداء)، حقیقتاً روز عید همه‌ی انسانهای پاک و آزاده‌ی عالم است. فقط کسانی در این روز ممکن است احساس شادی و خرسندی نکنند که یا جزو پایه‌های ظلم، یا جزو پیروان طواغیت و ستمگران عالم باشند، والا کدام انسان آزاده‌ای است که از گسترش عدالت، از برافراشته شدن پرچم دادگری و رفع ظلم در سراسر جهان، خرسند نشود و آن را آرزو نکند.^۲

ج. حاکمیت اسلام

انتظار فرج همان طوری که در پیام امام^۳ هم به این نکته‌ی دقیق اشاره شده است یعنی انتظار حاکمیت قرآن و اسلام. شما به آنچه فعلاً جهان در

۱. در جشن بزرگ منتظران ظهور هم‌زمان با هفته‌ی بسیج و روز ولادت حضرت مهدی (عج)،
۱۳۷۸/۹/۳

۲. در دیدار جمعی از اعضای نیروی مقاومت بسیج به مناسبت میلاد امام زمان (عج) ۱۳۷۸/۹/۳

۳. پیام امام خمینی (ره) به ملت مسلمان ایران در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲۸ به مناسبت نیمه‌ی شعبان، صحیفه‌ی امام، ج ۱۴، ص ۴۷۲. در کلمات حضرت امام (ره) سخن از حاکمیت عدل الهی و قانون عدل اسلامی و رحمت حق تعالی بر زمین و همچنین پرتوافکنی حق تعالی بر عالم سخن به میان آمده است.

آن قرار دارد قانع نیستید، حتی به همین پیشرفتی هم که با انقلاب اسلامی به دست آوردید قانع نیستید، میخواهید بازهم به حاکمیت قرآن و اسلام نزدیک تر بشوید، این انتظار فرج است.^۱

د) فتح ابواب معرفت حق

انتظار فرج، یک معنای عامی است. انتظار ظهور آن بزرگوار هم انتظار فرج است اما انتظار فرج، یک معنای وسیع تر و یک معنای عمیق تری است برای همه‌ی دورانهای تاریخ. این قضیه‌ی انتظار حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداه) روح انتظار فرج را در جوامع زنده میکند؛ یعنی در دلها حالت انتظار به وجود می‌آورد. این حالت انتظار چیز بسیار مبارک و خوبی است. معنای انتظار این است که انسان به آن وضعی که الان در آن قرار دارد، قانع نیست لذا حالت منتظر دارد. وقتی شما منتظر یک کسی و یک عزیزی هستید و مشتاقانه انتظار میکشید، معنایش این است که به آن وضعی که الان دارید، قانع نیستید؛ شاید از آن وضع راضی نیستید و یک چیز بالاتری و برتری را میخواهید که به آن دسترسی پیدا کنید. این آن حالتی است که بشر باید همیشه داشته باشد. انسانها باید به طور دائم در حال انتظار باشند. انتظار فرج الهی و فتوح از طرف پروردگار، گشایش ابواب رحمت و معرفت و سرازیر شدن سرچشمه‌های معرفت بر دل انسان، یکی از عمومی‌ترین نمونه‌های انتظار فرج است. به هیچ چیز نباید قانع بود. انسان در عالم معنویات باید به چیزی قانع نباشد. همه‌ی افراد ممکن است در معرض لطف الهی قرار بگیرند و خدای متعال سرچشمه‌ی معارف و هدایت خودش را به دل‌های آنها باز کند و آنها را تبدیل کند به کسانی که به مقام معرفت حق رسیده‌اند؛ این خیلی مقام بالایی است. همین معرفت حق است که موجب میشود انسان منقطع الی الله بشود؛ «هب لی کمال الاتقطاع الیک»^۲؛ کمال منقطع شدن به

۱. بیانات در نماز جمعه، ۱۳۶۰/۳/۲۹

۲. مناجات شعبانیه؛ بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۹۹

پروردگار، یعنی بریدن از همه‌ی عوائق^۱ و موانع مادی‌ای که انسان را احاطه کرده‌اند و نمیگذارند انسان در راه کمال حرکت بکند؛ و سیرالی‌الله، توجّه به خدا، همّت قرار دادن معرفت کامل و قرب کامل الی‌الله را مورد همّت خود قرار بدهد و برای این تلاش کند؛ تلاش تمام‌نشدنی‌ای هم هست. بشر در حدّ انبیا و اولیا هم که میرسد، برای رسیدن به این حالت، عبادت میکند، تلاش میکند، شب‌زنده‌داری در حدّ پیغمبر اکرم و ائمه (علیهم‌السلام) انجام میدهد؛ توسّلاتش، توجّهاتش، تضرّعاتش در آن سطح و در آن پایه انجام میگیرد. وادی عجیبی است که مردان خدا و اولیای حق در آن وادی، خودی هستند و راه را می‌شناسند. کسانی هم هستند که از دور چیزهایی را شنیده‌اند [اما] امثال ما بیگانه‌ی از این عوامل و معارف هستیم. ما فقط کلمات و الفاظی را از کسانی که اهل این معانی هستند، یک وقتی بشنویم، چیزی از آن بفهمیم یا نفهمیم، اما این راه جلوی آحاد بشر باز است. همه‌ی آحاد بشر میتوانند این راه را بیمایند و سلوک کنند. بالاترین انتظار فرج‌ها این است.^۲

ه) گشایش در بُن‌بست‌های جاری زندگی

انتظار فرج یک مفهوم بسیار وسیع و گسترده‌ای است. یک انتظار، انتظار فرج نهایی است؛ یعنی اینکه بشریت اگر میبیند که طواغیت عالم ترک‌تازی^۳ میکنند و چپاولگری میکنند و افسارگسیخته به حقّ انسانها تعدّی میکنند نباید خیال کند که سرنوشت دنیا همین است؛ نباید تصوّر کند که بالاخره چاره‌ای نیست و بایستی به همین وضعیّت تن داد؛ نه، بداند که این وضعیّت یک وضعیّت گذرا است؛ «اللّباطل جوله»^۴؛ آن چیزی که متعلّق به این عالم است و طبیعت این عالم است عبارت است از استقرار

۱. آنچه انسان را از امور بازدارد

۲. در دیدار اقاشارمخلف مردم در سالروز نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۵/۱۰/۶

۳. حمله کردن و هجوم آوردن شدید، ناگهانی و غارتگرانه

۴. غررالحکم، ص ۵۴۴

حکومت عدل و آن خواهد آمد. انتظار فرج و گشایش در نهایت دورانی که ما در آن قرار داریم و بشریت دچار ستمها و آزارها است، یک مصداق از انتظار فرج است؛ لکن مصداقهای دیگر انتظار فرج هم وجود دارد. وقتی که به ما میگویند منتظر فرج باشید، فقط این نیست که منتظر فرج نهایی باشید؛ بلکه معنایش این است که هر بن بستِ قابل گشوده شدن است؛ فرج یعنی این؛ فرج یعنی گشایش. مسلمان با درس انتظار فرج می آموزد، تعلیم میگیرد که هیچ بن بستِ در زندگی بشر وجود ندارد که نشود این بن بست را باز کرد و لازم باشد که انسان، ناامید دست روی دست بگذارد و بنشیند و بگوید دیگر کاری نمیشود کرد؛ نه، وقتی در نهایت زندگی انسان در مقابله با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشید فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن بست های جاری زندگی هم همین فرج متوقع است و مورد انتظار است. این، درس امید به همه ی انسانهاست؛ این، درس انتظار واقعی به همه ی انسانهاست؛ لذا انتظار فرج را افضل اعمال دانسته اند؛ معلوم میشود انتظار، یک عمل است.^۱

«انتظار الفرج عبادة»^۲ این انتظار فرج، فقط انتظار فرج به معنای ظهور حضرت ولی عصر (سلام الله علیه و عجل الله فرجه و جعلنا الله فداه) نیست، مطلق فرج است. نفس اینکه انسان انتظار فرج داشته باشد، یعنی اگر در یک شدتی قرار دارد، انتظار داشته باشد که آن شدت بر طرف بشود. این، یعنی چه؟ یعنی اینکه: شما هرگز در هیچ شرائطی نباید ناامید بشوید! در هیچ شرائطی، شما امید را از دست ندهید! فرض کنید انسان در یک تونلی گیر افتاده که مدخل تونل را مثلاً یک سنگی بسته، انتهای تونل هم بسته است، در یک چنین وضعی هم انتظار فرج داشته باشید! یعنی خدای متعال ممکن است یک تفضلی بکند، فرض کنید گوشه ای از سقف بریزد، راهی باز بشود، انسان بیرون برود.

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان ۱۳۸۴/۶/۲۹

۲. الأملی (للطوسی)، ص ۴۰۵

در هیچ شرائطی انسان نباید احساس بن‌بست بکند، بلکه بایستی همیشه انتظار فرج داشته باشید. در مورد این انتظار فرج میفرمایند: عبادت است.^۱

مسئله‌ی مهدی موعود یک مسئله‌ای است که هم در حوزه‌ی مسائل فکری و عقیدتی قابل طرح است، هم در قلمرو مسائل سیاسی است. یک مسئله‌ای است که به زندگی روزمره‌ی مردم مربوط است. با اعتقاد به حضور و با انتظار فرج حضرت ولی‌ عصر (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) وضع مردمی که این اعتقاد را دارند با آن مردمی که از این اعتقاد پربرکت محروم هستند، تفاوت پیدا میکند.^۲

امروز یکایک شما برادران و خواهران و یکایک کسانی که در نظام جمهوری اسلامی به یک مسئولیتی و وظیفه‌ای اشتغال دارند، بدانید و بدانند هر حرکت درست و در جهت اسلام و احکام اسلامی که شما انجام بدهید، ظهور امام زمان را نزدیک‌تر کردید و لذا است که ما با این اعتقاد به آینده با یک چشم خوش بینانه نگاه میکنیم. یکی از چیزهایی که در فرهنگ انتظار امام زمان وجود دارد، روایات انتظار فرج است. من دوست دارم این مسئله را هم که یک بحث مربوط به حدیث هست، اینجا برای شما بگویم. یکی از بزرگ‌ترین عبادات، انتظار فرج است؛ انتظار فرج یعنی چه؟ بعضی خیال میکنند انتظار فرج یعنی فقط به معنای انتظار ظهور حضرت ولی‌ عصر است. البته این انتظار فرج است اما این یکی از فرجها است. روایات انتظار فرج، انتظار فرج در همه‌ی امور را میگوید. در مقابل سختی‌ها - چه سختی‌های فردی، چه سختی‌های اجتماعی، چه سختی‌های سیاسی، چه سختی‌های اقتصادی - و تنگناهایی که برای بشر به وجود می‌آید،

۱. در ابتدای درس خارج، ۱۳۹۸/۱۰/۲۳

۲. در اجتماع مردم قم ۱۳۶۳/۲/۲۷

انسانها دوجور روحیه دارند؛ در مشکلات دوجور روحیه وجود دارد: یک جور روحیه، روحیه‌ی یأس است؛ به مجرد اینکه یک سختی، یک فشار پیش آمد، اینها مأیوس میشوند، احساس میکنند دیگر کاری نمیشود انجام داد؛ این یک روحیه است... یک روحیه هم به عکس، روحیه‌ی امید به گشایش. فرج یعنی گشایش. امید به باز شدن تنگناها، گشوده شدن بن بست‌ها؛ این هم یک روحیه است. روایات انتظار فرج را من نگاه میکردم، دیدم از اغلب معصومین، انتظار فرج روایت دارد؛ در بعضی از روایات دارد: «إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ»؛ از همه‌ی کارهای دنیا محبوب‌تر در نزد پروردگار انتظار گشایش است. هر سختی‌ای که پیدا کردید، مأیوس نشوید، انتظار داشته باشید که این سختی برطرف بشود. امید فرج داشته باشید... انتظار ولی عصر (علیه الصلوة والسلام) یکی از مصداقهای بارز انتظار فرج است.^۲

و) پیشرفت معنوی و مادی

انتظار ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به معنای انتظار برای پر شدن جهان از عدل و داد و عدالت برای همه‌ی انسانها و انتظار رفع ظلم از صحنه‌ی زندگی بشر و انتظار فرار رسیدن دنیایی برتر از لحاظ معنوی و مادی است.^۳

گسترده‌گی شمول فرج نسبت به کل بشریت

مسئله، مسئله‌ی گره در کار شخص من و شخص شما نیست. امام

۱. الخصال، ج ۲، ص: ۶۱۶؛ و همچنین روایت: «إِنَّ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَى اللَّهِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ» در تحف العقول، ص: ۱۰۶؛ یا روایت قال: فَأَتَى الْأَعْمَالَ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ قال: انتظار الفرج. در کتاب فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، ص: ۱۲۰ و الأملی (للسدوق)، ص: ۳۹۵ به این مضمون اشاره شده است.

۲. در اجتماع مردم قم ۱۳۶۳/۲/۲۷

۳. در دیدار اقاشار مختلف مردم در سالروز نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۵/۱۰/۶

زمان (علیه‌الصلاة والسلام) برای اینکه فرج برای همه‌ی بشریت به وجود بیاورد، ظهور میکند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد، جامعه‌ی بشریت را نجات بدهد، بلکه تاریخ آینده‌ی بشر را نجات بدهد.^۱

تدریجی و طبیعی بودن شکل‌گیری فرج نهایی

حضرت مهدی (علیه‌الصلاة والسلام وعجل‌الله‌فرجه) در یک زمینه‌ی مساعد و مناسب ظهور خواهد کرد، نه در یک زمینه‌ی نامساعد. کسانی بودند آن روزها که خیال میکردند دنیا باید پراز ظلم و جور بشود تا حضرت مهدی ظهور کند درحالی‌که ما میگفتیم نه، حکومت حضرت مهدی یک حکومت صددرصد است؛ قبل از این صددرصد، ده درصد و بیست درصد و سی درصد و پنجاه درصد و نوددرصد بایستی به وجود بیاید تا برسد به آن صددرصد. بسیار خب شما ببینید الان حکومت ما چند درصد حکومت حضرت مهدی است؛ هرچه که هست به همین ترتیب پیش خواهد رفت تا به حکومت مهدی (علیه‌السلام) برسد که آن حکومت صددرصد اسلامی است.^۲

این میلاد و این یاد بزرگ باید به ما درس بدهد... یک درس از این درسها این است که همه بدانند، همه اذعان و باورکنند که حرکت عالم به سمت صلاح است، به سمت آفاق روشن است. مستکبرین عالم هرچه میخواهند بگویند، تظاهرهای به قدرت‌نمایی بکنند، اما لشکر حق و حقیقت و کاروانی که بشریت را به سمت سرمنزل عدل و داد پیش میبرد، روزه‌روز در حال افزایش یافتن است. گذشت سالها نمیتواند این امید را در دلها از بین ببرد یا کم فروغ کند که همه‌ی آحاد بشر در آینده‌ای که امیدواریم آن آینده

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۵/۲۷

۲. در مصاحبه به خبرنگار مجله‌ی سروش

چندان دور نباشد، طعم عدالت را به معنای حقیقی کلمه خواهند چشید. حقانیت آن دولت الهی و حکومت ربوبی در زمین، در این است که همه‌ی آحاد بشر سهم خود را از معرفت حقیقت و عمل به حقیقت خواهند گرفت. قدرتمندان و مستکبران و زورگویان و زراندوزان و زورمداران عالم هرچه تلاش کرده‌اند و بکنند، نخواهند توانست این حرکت را، این رفتار طبیعی بشر را به سمت صلاح متوقف کنند. البته در کار خدا در زمین ظفره نیست، کارها بر طبق روال طبیعی انجام میگیرد؛ اما طبیعت و فطرت عالم، این است؛ طبیعت عالم این است که به سمت کمال برود و می‌رود.^۱

آرمان بلند ملت ایران همان چیزی است که شما از ظهور طلعت مهدی آل محمد انتظار دارید؛ یعنی عدل الهی، تجسم جامعه‌ی عادلانه؛ جامعه‌ای که انسان از این خط انحرافی‌ای که دنیای مادی در مقابل او ترسیم کرده بتواند خودش را نجات بدهد؛ این هدف انقلاب است. منتها در مورد ظهور مهدی موعود (ارواح‌افاده) این وعده به نهایت خود خواهد رسید؛ در مورد حرکت شما قدم بلندی است به سوی تحقق این وعده. کارها در دنیا بتدریج انجام میگیرد؛ حرکت ما باید برای ایجاد این جامعه‌ی عادلانه باشد؛ هم‌زمان باید ایجاد این جامعه‌ای باشد که باطن آن توحید و آرایش آن عدل است، جهت‌گیری آن اجرای خط الهی و خط نبوت و خط انبیا در طول تاریخ و بنای آن بر اساس برخورداری انسان از آن آرزوی دیرین همیشگی‌اش؛ یعنی با تربیت عدالت بتواند حقیقت وجود خودش را بروز بدهد و به ظهور برساند. ما دنبال این هستیم؛ این یک هدف بسیار بزرگ است. در این هدف، تشکیل جامعه‌ی آباد هست، ایجاد ثروت عمومی هست، پیشرفت علمی هست، برخورداری انسان از تمام مواهب و مزایای طبیعی هست.^۲

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم در نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۹/۸/۲۲

۲. در دیدار جمعی از پاسداران، بسیجیان و خانواده‌های شهدای استان اصفهان ۱۳۸۰/۸/۱۴

جایگاه مسئله‌ی انتظار

این بخش عظیم اعتقادی ماست که عبارت است از انتظار ظهور ولیّ عصر و مهدی موعود و منجی بشریت^۱.

مسئله‌ی انتظار ظهور صاحب‌الزّمان (علیه‌الصّلاة‌والسّلام) یکی از آن مسائل پرمغز و پرمعنا و دارای مضامین عالی در مجموعه‌ی تفکرات شیعه است و بخصوص امروز در دنیا این مسئله معنای خاصی پیدا میکند.^۲

مفهوم‌شناسی انتظار

انتظار یعنی ترقّب، یعنی مترصد یک حقیقتی که قطعی است، بودن؛ این معنای انتظار است. انتظار یعنی این آینده حتمی و قطعی است؛ بخصوص انتظار یک موجود حیّ و حاضر.^۳

ما مأمور به انتظاریم؛ انتظار یعنی چه؟ انتظار به معنای مترصد بودن است. در ادبیات نظامی یک چیزی داریم به نام «آماده باش»؛ انتظار یعنی «آماده باش»! باید «آماده باش» باشیم. انسان مؤمن و منتظر، آن کسی است که در حال «آماده باش» است. اگر امام شما که مأمور به ایجاد عدالت و استقرار عدالت در کلّ جهان است، امروز ظهور بکند، باید من و شما آماده باشیم. این «آماده باش» خیلی مهم است؛ انتظار به این معنا است. انتظار به معنای بی‌صبری کردن و پا به زمین کوبیدن و چرا دیر شد و چرا نشد و مانند اینها نیست؛ انتظار یعنی باید دائم در حال «آماده باش» باشید.^۴

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم قم در نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

۲. در دیدار میهمانان کنفرانس جهانی اهل‌بیت (ع) در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۲/۱۱/۸

۳. در دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت ۱۳۹۰/۴/۱۸

۴. در مراسم دانش‌آموختگی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) ۱۳۹۶/۲/۲۰

شما منتظرید کسی بیاید تا باهم بروید فلان جا؛ خوب باید لباس پوشیده باشید، آماده شده باشید، مقدمات حرکتتان را فراهم کرده باشید، [تنها] کار نشده، آمدن آن شخصی باشد که منتظرش هستید؛ و الا اگر چنانچه [مثلاً] ساعت ۷ منتظرید که فلانی بیاید، [اما] شما تا ساعت ۷ در رختخواب دراز کشیده‌اید، نه لباس آماده کرده‌اید، نه وضو گرفته‌اید برای رفتن به بیرون، نه آماده‌ی جسمی شده‌اید، نه آماده‌ی روحی شده‌اید، نه چیزی فراهم کرده‌اید برای آنجایی که می‌خواهید بروید، نمی‌شود گفت شما منتظرید؛ این [نوع] «منتظریم»، انتظار نیست؛ انتظار یعنی «آماده باش». خوب، این «آماده باش» وقتی بود، لازمه‌اش این نیست که آن کسی که ما منتظرش هستیم، موظف باشد هنگامی که ما آماده‌ایم، خودش را برساند؛ نه، آن بسته به مصالحی است که خدای متعال، عالم به آن مصالح است و تقدیر آن مصالح را کرده؛ ما باید آماده باشیم.^۱

حالت انتظار هم معنای خاص خودش را دارد که میدانید؛ باید منتظر باشیم. «منتظر باشیم» نه به اینکه بگوییم آقا فردا می‌آیند یا یک سال دیگر می‌آیند؛ نه، نمیدانیم؛ ممکن است این یک سال دیگر اتفاق نیفتد؛ اما ما باید آن حالت ترصد^۲ و انتظار را همیشه به طور کامل داشته باشیم. در زیارت آل یاسین می‌خوانیم «نصرتی لکم معنً و مودتی لکم خالصة»^۳؛ محبت که معلوم است، هست؛ اما نصرتمان هم باید باشد؛ و سعی کنیم از کاری که ممکن است قلب مقدس این بزرگوار را از ما ناراضی کند، ناخشنود کند، تا جایی که میتوانیم وارد هی ما، عزم ما، سعادت ما اجازه می‌دهد، اجتناب کنیم.^۴

۱. در دیدار کارکنان دفتر مقام معظم رهبری و خانواده‌های آنان به مناسبت نیمه‌ی شعبان ۱۳۹۶/۲/۲۱

۲. آماده و مراقب بودن (رک: مفردات راغب اصفهانی)

۳. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۴

۴. در دیدار کارکنان دفتر مقام معظم رهبری و خانواده‌های آنان به مناسبت نیمه‌ی شعبان ۱۳۹۷/۲/۱۱

لوازم «انتظار»

۱) نپذیرفتن وضع موجود

یکی از خصوصیتاتی که در حقیقتِ انتظارگنجانده شده است، این است که انسان به وضع موجود، به اندازه‌ی پیشرفتی که امروز دارد، قانع نباشد؛ بخواهد روزه‌روز این پیشرفت را، این تحققِ حقایق و خصال معنوی و الهی را در خود، در جامعه بیشتر کند. اینها لوازم انتظار است.^۱

انتظار به معنای قانع نشدن به وضع موجود است. «انتظار داریم»، یعنی هرچه خیر و عملِ خوب انجام دادیم و به وجود آمده، کم و غیر کافی است و منتظریم، تا ظرفیتِ نیکی عالم پر بشود.^۲

انتظار یعنی قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجودِ زندگی انسان و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب، که مسلم است این وضع مطلوب با دست قدرتمند ولیّ خدا، حضرت حجّت بن الحسن، مهدی صاحب زمان (صلوات الله علیه و عجل الله فرجه و ارواحنا فداه) تحقق پیدا خواهد کرد.^۳

فرج یعنی چه؟ یعنی گشایش. کی انسان انتظار فرج دارد؟ انتظارگشایش دارد؟ وقتی یک فروبستگی ای وجود داشته باشد، وقتی گرهی هست، وقتی مشکلی هست. در زمینه‌ی وجود مشکل، انسان احتیاج پیدا میکند به فرج؛ یعنی سرانگشتِ گره‌گشا؛ بازکننده‌ی عقده‌های فروبسته. این نکته‌ی مهمی است. معنای انتظار فرج به عنوان عبارة اخرای انتظار ظهور، این است که مؤمن به اسلام، مؤمن به مذهب اهل بیت (علیهم السلام) این وضعیتی

۱. در دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت ۱۳۹۰/۴/۱۸

۲. در دیدار اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی شرکت‌کننده در سمینار تبیین حکم تاریخی حضرت امام خمینی (ره)، در سالروز میلاد امام عصر (عج) ۱۳۶۹/۱۲/۱۱

۳. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۵/۲۷

را که در دنیای واقعی وجود دارد، عقده و گره در زندگی بشر می‌شناسد. واقع قضیه هم همین است. منتظر است که این فروبستگی کار بشر، این گرفتاری عمومی انسانیت گشایش پیدا نکند. مسئله، مسئله‌ی گره در کار شخص من و شخص شما نیست. امام زمان (علیه الصلوة والسلام) برای اینکه فرج برای همه‌ی بشریت به وجود بیاورد، ظهور میکند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعه‌ی بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آینده‌ی بشر را نجات بدهد. این معنایش این است که آنچه را که امروز وجود دارد؛ این نظم بشری غیر عادلانه، این نظم بشری‌ای که در آن انسانهای بیشماری مظلوم واقع میشوند، دل‌های بیشماری گمراه میشوند، انسانهای بیشماری فرصت عبودیت خدا را پیدا نمیکنند، مورد رد و اعتراض بشری است که منتظر ظهور امام زمان است. انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسانها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است... امروز ظلم و جور حاکم بر بشریت است. زندگی بشر امروز زندگی مغلوب و مقهور دست ظلم و استبداد در همه‌ی دنیا است. در همه جا این جور است... این، انتظار فرج را با وضعیتی کنونی زندگی انسان در دوره‌های مختلف معنا میکند.^۱

۲) اطمینان به فرج و تحقق آن

انتظار واقعی ملازم است با اطمینان، با اعتماد. کسی را که شما میدانید خواهد آمد، انتظار میکشید؛ آن کسی را که [به آمدنش] اعتماد ندارید و اطمینان ندارید، انتظار [برای] او یک انتظار حقیقی نیست. اعتماد لازمه‌ی انتظار است، و این هر دو ملازم با امید است.^۲

امروز هر فرد شیعه میدانند که در یک آینده‌ای - آن آینده هم ممکن است

۱. در دیدار اقصاء مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۵/۲۷

۲. در دیدار مسئولان و اقصاء مختلف مردم ۱۳۶۸/۱۲/۲۲

خیلی نزدیک باشد، ممکن است دوردست باشد؛ به هر حال قطعی است - این بساط ظلم و بی‌عدالتی و زورگویی که امروز در دنیا هست برچیده خواهد شد؛ میدانند که این وضعی که مستکبرین در دنیا به وجود آورده‌اند که هرکسی حرف حقی بزند، راه حقی را دنبال کند، از طرف آنها مورد فشار قرار می‌گیرد و اراده‌ی فاسد خودشان را بر ملتها تحمیل میکنند، یک روزی از بین خواهد رفت و گردنکشان عالم، طاغیان عالم، یاغیان عالم، قدرتهای زورگوی عالم، ناگزیر خواهند شد در مقابل حق تسلیم بشوند یا از سر راه حرکت حق ازاله بشوند و برداشته بشوند؛ این را هر فرد مسلمانی، بالخصوص هر فرد شیعه‌ای میداند، به آن یقین دارد؛ این خیلی امیدبخش است؛ این موجب میشود که هر انسان خیرخواه و مصلح و علاقه‌مند به صلاح، کار خود را و تلاش و مجاهدت خود را در راه صلاح، با امید به آینده انجام بدهد. ببینید چقدر این عقیده ارزشمند، حیات‌بخش و دارای تأثیر است!^۱

۳) اطمینان به نابودی ظلم

درد بزرگ بشریت، امروز همین مسئله‌ی فقدان عدالت است. همیشه دستگاه‌های ظلم و جور در سطح دنیا به شکلهای مختلف بر مردم جفا کرده‌اند؛ بشریت را زیر فشار قرار داده‌اند و انسانها را از حقوق طبیعی خود محروم کرده‌اند؛ اما امروز این معنا از همیشه‌ی تاریخ بیشتر است و رفع این را انسان از ظهور مهدی موعود می‌طلبد و انتظار می‌برد. بنابراین، مسئله، مسئله‌ی طلب عدالت است. اولین درس عملی از این موضوع این است که نبود کردن بنای ظلم در سطح جهان، نه فقط ممکن است، بلکه حتمی است. این، مطلب بسیار مهمی است که نسلهای بشری امروز معتقد نباشند که در مقابل ظلم جهانی، نمیشود کاری کرد. امروز وقتی ما با نخبگان سیاسی دنیا از ظلمهای مراکز قدرت بین‌المللی و سیستم جهانی

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۷/۹/۱۴

ظلم - که امروز به سرکردگی استکبار در همه‌ی دنیا وجود دارد - صحبت میکنیم، می‌بینیم آنها میگویند بله، چیزی که شما میگویید، درست است؛ واقعاً ظلم میکنند؛ اما کاری نمیشود کرد! یعنی مجموعه‌ی بزرگی از نخبگان که سررشته‌ی کار در دنیا در دست آنها هست، اسیر یأس و ناامیدی اند و این یأس و ناامیدی را به ملت‌های خود سرریز میکنند و آنها را از اینکه بتوان نقشه‌ی ظالمانه و شیطانی امروز دنیا را عوض کرد، مأیوس میکنند. بدیهی است که انسان‌های مأیوس نمیتوانند هیچ حرکتی در راه اصلاح انجام دهند. آن چیزی که انسانها را وادار به کار و حرکت میکند، نور و نیروی امید است. اعتقاد به مهدی موعود، دل‌ها را سرشار از نور امید میکند. برای ما که معتقد به آینده‌ی حتمی ظهور مهدی موعود (علیه السلام) هستیم، این یأسی که گریبان‌گیر بسیاری از نخبگان دنیا است، بی‌معنا است. ما میگوییم نخیر، میشود نقشه‌ی سیاسی دنیا را عوض کرد؛ میشود با ظلم و مراکز قدرت ظالمانه درگیر شد و در آینده نه فقط این معنا امکان‌پذیر است، بلکه حتمی است. وقتی ملتی معتقد است نقشه‌ی ظالمانه و شیطانی امروز در کل عالم قابل تغییر است، آن ملت شجاعت می‌یابد و احساس میکند دست تقدیر، تسلط ستمگران را برای همیشه به‌طور مسلم نوشته است.

انسانها میتوانند تلاش کنند و پرچم عدالت را - ولو در یک نقطه‌ی محدود - بلند کنند. شما ببینید ملت‌هایی که امروز در گوشه و کنار عالم زیر فشار ظلم و ستم زندگی میکنند، اگر این امید را در دل خود بپرورانند که میشود با ظلم مبارزه کرد، چه اتفاقی در دنیا می‌افتد و چطور ملت‌ها بیدار میشوند! یک روز ملت ایران هم در پنجه‌ی اقتدار رژیم طاغوتی دچار همین یأس بود؛ ولی امام بزرگوار ما با تعالیم اسلامی، این یأس را از دل‌ها پاک کرد و به مردم امید و شجاعت داد. نتیجه این شد که این مردم به پا خاستند، نهضت کردند، تن به سختی دادند، مبارزه کردند، از جان خود دریغ نکردند و توانستند در این نقطه از عالم، با عوامل ظلم و نظام ظالمانه و شیطانی

مبارزه و آن را ریشه‌کن و سرنگون کنند.

امروز دستگاه‌های تبلیغاتی مراکز استکباری دنیا و روشنفکران وابسته به آنها، در سطح عالم این‌طور تبلیغ میکنند که هیچ حرکتی در مقابل نظم ظالمانه‌ی کنونی ممکن نیست؛ با فکر انقلاب و آرمان‌گرایی مبارزه میکنند و میخواهند ملت‌ها را متقاعد کنند که به همین وضعیّت کنونی ظالمانه‌ی دنیا بسازند و در مقابل آن هیچ عکس‌العملی نشان ندهند. فکر اعتقاد به مهدی، نقطه‌ی مقابل این تبلیغات غلط و ظالمانه است. جوانان و روشنفکران و عموم ملت ما با اعتقاد به ظهور مهدی (علیه‌الصلاة والسلام) این اعتقاد راسخ را در دل خود پرورش میدهند که نظم ظالمانه‌ی جهانی، قابل زوال است و ابدی نیست؛ میشود با آن مبارزه و در مقابل آن ایستادگی کرد.^۱

۴) امید و حرکت

آن ملّتی که از پدید آمدن فرج ناامید است، آن ملّتی که برقی در دلش نمیدرخشد که او را نسبت به آینده امیدوار کند، آن ملّت وضع موجود عالم را و سلطه‌ی ظالمانه‌ی قدرتها را میپذیرد؛ مجبور میشود وضع موجود را تحمّل کند، بپذیرد، تسلیم بشود و خود را با آن تطبیق بدهد. اما آن ملّتی که میدانند که علی‌رغم ظواهرِ قدرت‌آمیزِ قدرتهای جهانی و سلطه‌های جهانی، و علی‌رغم عظمت ظاهری باطل در همه‌ی جلوه‌هایش، میدانند که این عظمت ماندنی نیست؛ این قدرت و سلطه دارای مغز و دارای ریشه نیست؛ میدانند که پشت سر این تظاهرات سلطه‌آمیزِ ظالمانه و جَوَلان باطل، حاکمیّت حق است، این چنین ملّتی در دلش جوانه‌های امید سبز میشود؛ امیدوار میماند و همین امید است که به او جرئت میبخشد؛ به او اقدام را تعلیم میدهد؛ حرکت کردن را و قدرت حرکت را به او میبخشد. این را باید قدر دانست. و این نکته‌ی بسیار مهمّی است. شیعه یاد گرفته است که بافضیلت‌ترین اعمال انتظار

۱. در دیدار اقبال مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۱/۷/۳۰

فرج است. معنای این جمله آن است که در هر شرایطی - ولو سخت‌ترین شرایط باشد - شیعه حق ندارد مأیوس بشود و ناامید بشود؛ [شیعه] منتظر است، منتظر فرج، منتظر گشایش، منتظر باز شدن افق و نفس این انتظار به او نیرو می‌دهد و او را قدرتمند می‌کند و به او نشاط می‌دهد؛ و نیرو و نشاط و امید هر جا بود، زندگی به طرف سامان پیش می‌رود؛ به طرف اصلاح حرکت می‌کند. این یک ابزار عمده‌ای است در دست شیعه که از متن اعتقادات تشیع سرچشمه می‌گیرد و این بسیار چیز باارزشی است.^۱

انتظار به معنای آن است که وجود ظلم و ستم در عالم، چشمه‌ی امید را از دل‌های منتظران نمیزداید و خاموش نمی‌کند. اگر این نقطه‌ی امید در زندگی جمعیتی نباشد، چاره‌ای ندارد جز اینکه به آینده‌ی بشریت بدبین باشد.^۲

یک بُعد انتظار این است که منتظر، با شوق و با امید حرکت بکند. انتظار یعنی امید.^۳

اگر ملتی برای خودش تحرّکی نداشت، ارزشی قائل نبود، آینده‌ای قائل نبود، دشمنان می‌توانند بیایند و برایش نقشه بکشند، به او توصیه کنند، برای او و به جای او تصمیم بگیرند و عمل کنند! بدون هیچ مانعی این کارها را می‌توانند انجام دهند. این ناشی است از عدم تحرّک، و عدم تحرّک ناشی است از عدم امید؛ لذا سعی می‌کنند مردم را ناامید کنند! شما بدانید. امروز هر نفسی و هر حنجره‌ای که برای ناامید کردن مردم بدمد و به صدا درآید

۱. در دیدار میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (ع) در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۲/۱۱/۸

۲. در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

۳. در دیدار اقاشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی شرکت‌کننده در سمینار تبیین حکم

تاریخی حضرت امام خمینی (ره)، در سالروز میلاد امام عصر (عج) ۱۳۶۹/۱۲/۱۱

بدانید که در اختیار دشمن است؛ چه خودش بداند، چه خودش نداند! هر قلمی که کلمه‌ای را در جهت ناامید و مایوس کردن مردم روی کاغذ بیاورد، متعلق به دشمن است. چه صاحب این قلم بداند، چه نداند، دشمن از او استفاده میکند. آن وقت اعتقاد به مهدویت و به وجود مقدس مهدی موعود (ارواح‌نفاذ)، امید را در دلها زنده میکند. هیچ وقت انسانی که معتقد به این اصل است، ناامید نمیشود؛ چرا؟ چون میدانند یک پایان روشن حتمی وجود دارد، بروبرگرد ندارد؛ [لذا] سعی میکند که خودش را به آن برساند.^۱

یک بُعد دیگر از ابعاد انتظار، دلگرمی مؤمنین نسبت به آینده است. انتظار مؤمن، یعنی اینکه تفکر الهی، این اندیشه‌ی روشنی که وحی بر مردم عرضه کرده است، یک روز سراسر زندگی بشر را فرا خواهد گرفت.^۲

حکومت الهی حضرت بقیة الله (ارواح‌نفاذ) حکومتی است که در آن مقررات حاکم بر مردم، خواست آمریکا و دیگر قدرتهای زورگوی شرق و غرب نیست بلکه حکومت عدالت، مواسات و مساوات، حکومت معنویت و فضیلت است و امروز هرکسی که برای عدالت، در راه دین و خدمت به محرومان حرکت میکند، باید خوشحال و امیدوار باشد زیرا آینده متعلق به او است.^۳

یک جهت دیگر و وجهه‌ی دیگر در اینجا هست و آن عبارت است از میدان زندگی اجتماعی و عمومی و آنچه مربوط به سرنوشت بشر و سرنوشت ملتها است. در این زمینه اعتقاد به قضیه‌ی مهدی و موضوع ظهور و فرج

۱. در دیدار اқشار مختلف مردم ۱۳۷۶/۹/۲۵

۲. در دیدار اқشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی شرکت‌کننده در سمینار تبیین حکم تاریخی حضرت امام خمینی (ره)، در سالروز میلاد امام عصر (عج) ۱۳۶۹/۱۲/۱۱

۳. در دیدار اқشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۳/۱۰/۲۷

و انتظار، یک گنجینه‌ی عظیمی است که از آن بهره‌های فراوانی را ملتها میتوانند ببرند. شما فرض کنید یک کشتی‌ای را در یک دریای طوفانی؛ انسان در وسط یک دریای طوفانی قرار گرفته است؛ آب و نان اندکی دارد، وسایل حرکت اندکی دارد، تا هزار فرسخ هم از هیچ طرف خشکی و ساحلی وجود ندارد. این کسانی که در این کشتی هستند، چه کار میکنند؟ اگر کسانی که در این کشتی هستند عقیده داشته باشند که اطراف آنها تا هزار فرسنگ، دو هزار فرسنگ، هیچ ساحلی وجود ندارد - فرض کنید چنین عقیده‌ای داشته باشند - آیا هیچ تصوّر میشود که اینها تلاش کنند برای اینکه کشتی را حرکت بدهند و پیش ببرند؟ نه، چون مرگ اینها به نظر خودشان حتمی است. وقتی مرگ انسان حتمی است، دیگر چه تلاشی؟ چه حرکتی؟ امیدی وجود ندارد، افقی وجود ندارد. بهترین کار برای اینها این است که هرکدام در همین مجموعه‌ی کوچکشان به کار خودشان سرگرم بشوند. آن که اهل آرام مردن است، بخوابد تا بمیرد؛ آن که اهل تجاوز به دیگران است، حق دیگران را بگیرد تا اینکه خودش یک چند ساعتی بیشتر زنده بماند و از این قبیل. هرکسی اهل هرکاری است، سرگرم به آن کار خواهد شد؛ حرکتی، پیشرفتی دیگر نیست. این یک جور، یک جور هم اینکه کسانی که در همین کشتی هستند، یقین داشته باشند و بدانند که در نزدیکی آنها یک ساحلی هست؛ حالا دور است یا نزدیک، چقدر کار داریم تا به آن برسیم، معلوم نیست اما قطعاً یک ساحلی که در دسترس ما است وجود دارد؛ اینها چه کار میکنند؟ اینها تلاش میکنند که خود را به آن ساحل برسانند. اگر یک ساعت هم به آنها وقت داده بشود، از آن یک ساعت استفاده خواهند کرد برای حرکت و تلاش صحیح و جهت دار؛ فکرشان را روی هم میریزند، تلاششان را یکی میکنند، شاید بتوانند خود را به آن ساحل برسانند. امید، یک چنین نقشی دارد. همین قدر که یک امیدی در دل انسان به وجود آمد، مرگ بالهای خود را جمع میکند و کنار میرود. امید موجب میشود انسان

تلاش کند، حرکت کند، پیش برود، مبارزه کند، زنده بماند؛ این نقش امید است. فرض بفرمایید در زیر سلطه‌ی ظالمانه‌ی یک قدرت مسلطی، یک ملّتی قرار دارد، هیچ امیدی هم ندارد. این ملّت مجبور است تسلیم بشود؛ اگر تسلیم نشد، کارهای کور و بی‌جهتی انجام بدهد؛ اما اگر این ملّت، این جماعت، یک امیدی در دلشان باشد، بدانند که یک عاقبت خوبی حتماً وجود دارد، خب اینها چه میکنند؟ مبارزه خواهند کرد، مبارزه را نظم خواهند داد؛ اگر مانعی در راه مبارزه هست، آن را برطرف خواهند کرد. این یک قلم نقش امید است. بشریت در طول تاریخ مثل همان سرنشینان یک کشتی طوفان‌زده همیشه گرفتار مشکلاتی از سوی قدرتمندان و ستمگران و مسلطین بر امور انسانهای مظلوم و قوی‌دستان در حیات اجتماعی بوده است. امید موجب میشود که انسان مبارزه کند، راه باز کند، پیش برود. وقتی به شما میگویند انتظار بکشید، یعنی این وضعیتی که امروز شما را رنج میدهد و دل شما را به درد می‌آورد، ابدی نیست، تمام شدنی است. ببینید چقدر انسان حیات و نشاط پیدا میکند. این نقش اعتقاد به امام زمان (صلوات‌الله‌علیه‌وآرواحنا فداه) است؛ این نقش اعتقاد به مهدی موعود است. این است که شیعه را تا امروز از آن همه پیچ‌وخم‌های عجیب و غریبی که در سر راه او قرار داده بودند، عبور داده است و امروز بحمدالله عزّت اسلام و پرچم سربلندی اسلام و قرآن در دست شما ملّت مسلمان و شیعه‌ی ایران است؛ علّت این است. هر جایی که یک چنین اعتقادی وجود داشته باشد، همین امید وجود دارد، همین مبارزه وجود دارد.^۱

اعیاد موالید ائمه و موالید نبی اکرم و عید مبعث پیغمبر و بقیّه‌ی اعیادی که ما داریم، یک فرق اساسی و جوهری با این عید دارد؛ در آن اعیاد، همه‌ی نگاه به گذشته است؛ در این عید، همه‌ی نگاه به آینده است. در اعیاد

۱. در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج) ۱۳۷۴/۱۰/۱۷

موالید ائمه یا عید بعثت، از حادثه‌ای که در گذشته اتفاق افتاده است و البته اثرات آن مثل رودخانه‌ی فیاضی جریان در تاریخ دارد، تجلیل میکنیم؛ از گذشته تجلیل میکنیم؛ به گذشته متوجه میشویم، اگرچه آن گذشته در زندگی کنونی ما و در آینده‌ی ما هم اثر دارد؛ اما در این عید، همه‌ی نگاه به آینده است؛ یعنی چه نگاه به آینده است؟ یعنی دو چیز را این نگاه با خود دارد: یکی امید، یکی تلاش. وقتی نگاه [متوجه] به آینده شد، اولین چیزی که محصول این نگاه است، امید است. دل‌های افسرده در نهایت گرفتاری و تنگنا، یک روزنه‌ی روشن و درخشانی به یک دنیای نورانی و بهشت‌آسا در مقابل چشمشان می‌بینند و به آینده امید دارند؛ میدانند قضیه این جوری نخواهد ماند؛ اوضاع این جوری نخواهد ماند. حتی آن وقتی که همه‌ی دنیا از ظلم و جور پر شده باشد، یعنی همه جا را ظلم و جور فراگرفته باشد، این روزنه‌ی امید نه فقط بسته نمیشود بلکه حتی گشاده‌تر میشود؛ چون وعده کردند. حالا در یک دعا «بعد ما ملئت ظلماً و جوراً»^۱ است، در بقیه‌ی آثار و ادعیه و روایت و غیره «کما ملئت ظلماً و جوراً»^۲ است؛ فرق چندانی باهم ندارد. هرچه ظلم بیشتر بشود، این امید زنده‌تر میشود؛ لذا معتقد به این امید، معتقد به عقیده‌ی مهدویت هرگز مایوس و سرخورده و مانند اینها نمیشود. میگویند ممکن است من درک نکنم اما خواهد شد؛ ممکن است من خزی^۳ و خذلان^۴ ظالمان را نبینم، اما خزی و خذلان ظالمان حتمی است. این، امید است؛ این اولین چیزی است که از این اعتقاد منشأ میگیرد و در دل انسان ریشه میدواند، و طبعاً تأثیرش را در زندگی میگذارد.

۱. دعای عدیله‌ی کبیر، مفتاح الجنان

۲. تفسیر القمی، ج ۲، ص: ۴۵، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص: ۶۶، الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۱، ص: ۳۴۱، الغیبة للنعمانی، ص: ۶۱، الخصال، ج ۲، ص: ۳۹۶، کمال الدین و تمام النعمة،

ج ۱، ص: ۲۸۷، معانی الأخبار، ص: ۱۲۴

۳. خواری

۴. درماندگی

دومی، تلاش [است]؛ تلاش. هر آینده‌ی قطعی متوقف به تلاش است. شما پای یک کوهی که قابل عبور است ایستادی، آیا رسیدن به آنجا ممکن است؟ بله. آیا رسیدن به آنجا قطعی است؟ بله؛ حتماً کسانی به آنجا خواهند رسید؛ اما رسیدن به آنجا متوقف بر یک شرط است و آن، تلاش [است]؛ راه بیفتی. [اگر] بنشیننی اینجا، نگاه کنی، تحسین کنی، خوشحالی کنی، کف بزنی برای کسانی که میروند، نخواهی رسید؛ تلاش لازم است. این دومی شرط است. البته در همه‌ی کارهای بزرگ تلاش لازم است. چشم که به آینده بود، لازمی قطعی این نگاه به آینده، ایجاد تکلیف تلاش و فعالیت و مجاهدت است. ما که معتقدیم به آن روز، باید تلاش کنیم تا آن روز تحقق پیدا کند، و تلاش ما میتواند ان شاء الله آن را نزدیک بکند. این هم نکته‌ی دوم در این حادثه‌ی بزرگ است.^۱

۵) تکلیف به عمل و آمادگی

این انتظار، تکلیف بردوش انسان میگذارد. وقتی انسان یقین دارد که یک چنین آینده‌ای هست؛ همچنانی که در آیات قرآن هست: «ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون. ان فی هذا لبلاغاً لقوم عابدين»^۲ - مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، میفهمند - باید خود را آماده کنند، باید منتظر و مترصد باشند. انتظار لازمه‌اش آماده‌سازی خود هست. بدانیم که یک حادثه‌ی بزرگ واقع خواهد شد و همیشه منتظر باشید. هیچ وقت نمیشود گفت که حالا سالها یا مدتها مانده است که این اتفاق بیفتد؛ هیچ وقت هم نمیشود گفت که این حادثه نزدیک است و در همین نزدیکی اتفاق خواهد افتاد. همیشه باید مترصد بود، همیشه باید منتظر بود.^۳

۱. در دیدار کارکنان دفتر مقام معظم رهبری و خانواده‌های آنان ۱۳۹۴/۳/۱۲

۲. انبیاء: ۱۰۵ - ۱۰۶

۳. در دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت ۱۳۹۰/۴/۱۸

انتظار فرج را افضل اعمال دانسته‌اند؛ معلوم می‌شود انتظار، یک عمل است، بی عملی نیست. نباید اشتباه کرد، خیال کرد که انتظار یعنی اینکه دست روی دست بگذاریم و منتظر بمانیم تا یک کاری بشود.^۱

انتظار، حرکت است؛ انتظار، سکون نیست؛ انتظارها کردن و نشستن برای اینکه کار به خودی خود صورت بگیرد، نیست. انتظار حرکت است. انتظار آمادگی است. این آمادگی را باید در وجود خودمان، در محیط پیرامون خودمان حفظ کنیم. و خدای متعال نعمت داده است به مردم عزیز ما، به ملت ایران، که توانسته‌اند این قدم بزرگ را بردارند و فضای انتظار را آماده کنند. این معنای انتظار فرج است. انتظار فرج یعنی کم‌ریسته بودن، آماده بودن، خود را از همه جهت برای آن هدفی که امام زمان (علیه الصلاة والسلام) برای آن هدف قیام خواهد کرد، آماده کردن.^۲

اعتقاد به حضرت مهدی (ارواحنا فداه) البته یک آرمان والا است - در این هیچ شکی نیست - اما مسئله را به جنبه‌ی آرمانی آن فقط نبایستی ختم کرد؛ به عنوان یک آرزو، همین طور در دل یا حداکثر در زبان یا به صورت جشن؛ نه، این آرمانی است که باید به دنبال آن، عمل بیاید. انتظاری که گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ این انتظار به معنای این است که ما باید خودمان را آماده کنیم برای سربازی امام زمان - سربازی امام زمان کار آسانی نیست - سربازی آن منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی دارد، احتیاج به آگاهی دارد، احتیاج به روشن بینی دارد. عده‌ای این اعتقاد را یک وسیله‌ای قرار میدهند برای تخدیر خودشان یا تخدیر دیگران؛ این غلط است. نباید ما فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پراز عدل و داد خواهد کرد،

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۴/۶/۲۹

۲. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۵/۲۷

ما امروز وظیفه‌ای نداریم؛ نه، به عکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا آماده بشویم برای ظهور آن بزرگوار. شنیده‌اید در گذشته کسانی که منتظر بودند، سلاح خود را همیشه همراه داشتند؛ این یک عمل نمادین است و معنایش این است که انسان از لحاظ علمی، از لحاظ فکری، از لحاظ عملی باید خود را بسازد، در میدانهای فعالیت و مبارزه آماده به کار باشد.^۱

«ما منتظریم»، یعنی این امید را داریم که با تلاش و مجاهدت و پیگیری، این دنیایی که به وسیله‌ی دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور و طغیان و ضعیف‌کشی و نکبت حاکمیت ستمگران و قلدران و زورگویان پر شده است، در سایه‌ی تلاش و فعالیت بی‌وقفه‌ی ما، یک روز به جهانی تبدیل خواهد شد که در آن، انسانیت و ارزشهای انسانی محترم است و ستمگر و زورگو و ظالم و قلدر و متجاوز به حقوق انسانها، فرصت و جایی برای اقدام و انجام خواسته و هوا و هوس خود، پیدا نخواهد کرد.^۲

بسیج به معنی حضور و آمادگی در همان نقطه‌ای است که اسلام و قرآن و امام زمان (ارواح‌نفاذ) و این انقلاب مقدّس به آن نیازمند است؛ لذا پیوند میان بسیجیان عزیز و میان حضرت ولیّ عصر (ارواح‌نفاذ) مهدی موعود عزیز، یک پیوند ناگسستنی و همیشگی است.^۳

این انتظار، مستلزم صلاح و عمل است؛ باید خودمان را اصلاح کنیم، باید اهل عمل به آن چیزی باشیم که دل آن بزرگوار را شاد میکند. اگر بخواهیم این جور عمل بکنیم و این صلاح و اصلاح را برای خودمان فراهم

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نهمه‌ی شعبان ۱۳۸۱/۷/۳

۲. در دیدار اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی شرکت‌کننده در سمینار تبیین حکم تاریخی حضرت امام خمینی (ره)، در سالروز میلاد امام عصر (عج) ۱۳۶۹/۱۲/۱۱

۳. در دیدار جمعی از بسیجیان به مناسبت میلاد امام زمان (عج) ۱۳۷۸/۹/۳

بکنیم، طبعاً نمیتوانیم به عمل فردی اکتفا کنیم. در محیط جامعه، در محیط کشور، در محیط جهانی هم وظایفی هست که باید انجام بدهیم؛ این وظایف چه هستند؟ این همان چیزی است که نیاز دارد به بصیرت، نیاز دارد به معرفت، نیاز دارد به نگرش جهانی، نیاز دارد به روشن بینی؛ این آن چیزی است که شما جوان عزیز فعال امروز به آن موظفید.^۱

۶) قدرت سیاسی

درس دیگری که اعتقاد به مهدویت و جشنهای نیمه‌ی شعبان باید به ما بدهد، این است: عدالتی که ما در انتظار آن هستیم - عدالت حضرت مهدی (علیه السلام) که مربوط به سطح جهان است - با موعظه و نصیحت به دست نمی‌آید؛ یعنی مهدی موعود ملتها نمی‌آید ستمگران عالم را نصیحت کند که ظلم و زیاده‌طلبی و سلطه‌گری و استثمار نکنند. با زبان نصیحت، عدالت در هیچ نقطه‌ی عالم مستقر نمیشود. استقرار عدالت، چه در سطح جهانی - آن‌طور که آن وارث انبیا انجام خواهد داد - و چه در همه‌ی بخشهای دنیا، احتیاج به این دارد که مردمان عادل و انسانهای صالح و عدالت‌طلب، قدرت را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند. با کسانی که سرمست قدرت ظالمانه هستند، نمیشود با زبان نصیحت حرف زد؛ با آنها باید با زبان اقتدار صحبت کرد. آغاز دعوت پیغمبران الهی با زبان نصیحت است؛ اما بعد از آنکه توانستند طرف داران خود را گرد آورند و تجهیز کنند، آنگاه با دشمنان توحید و دشمنان بشریت، با زبان قدرت حرف می‌زدند.

شما ببینید در همین آیه‌ی کریمه‌ی قرآن که راجع به قسط صحبت میکند و میگوید خدای متعال همه‌ی پیغمبران را فرستاد، «لِقَوْمِ النَّاسِ بِالْقِسْطِ»^۲؛

۱. در مراسم دانش‌آموختگی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) ۱۳۹۶/۲/۲۰

۲. حدید: ۲۵

برای اینکه قسط و عدالت را در جامعه مستقر کنند، بلافاصله میفرماید: «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ»^۱؛ یعنی پیغمبران علاوه بر اینکه با زبان دعوت سخن میگویند، با بازان و سرپنجهگان قدرتی که مجهز به سلاح هستند و با زورگویان و قدرت طلبان فاسد، معارضه و مبارزه میکنند. پیغمبر اکرم وقتی به مدینه آمد و نظام اسلامی را تشکیل داد، آیات قرآن را بر مردم میخواند، به گوش دشمنان هم میرسانید؛ اما به این اکتفا نمیکرد. کسانی که طرف دار عدالت هستند، در مقابل زورگویان و زیاده طلبان و متجاوزان به حقوق انسانها باید خود را به قدرت مجهز کنند. لذا شما می بینید از روزی که نظام اسلامی به وجود آمد - یعنی اسلام مجهز به قدرت یک ملت بزرگ و امکانات یک کشور و دولت بزرگ شد - دشمنان اسلام حرکت اسلام را جدی گرفتند و علاقه مندان و طرف داران اسلام هم در اطراف و اکناف عالم امیدوار شدند. بسیاری از پیغمبران در میدان مبارزه و جهاد مقدس و قتال قدم می گذاشتند: «وَكُلَّيْنِ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رَيْبُونَ كَثِيرٌ»^۲. کسانی که خیال میکنند اسلام باید برود و درگوشه ای بنشیند و مردان اسلام و دین فقط زبان نصیحت را به کارگیرند، اینها دانسته یا ندانسته همان چیزی را میگویند که مراکز قدرت جهانی آن را میخواهند و آرزو میکنند. مراکز قدرت استکباری از این که رهبران اسلامی درگوشه ای از دنیا بنشینند و گاهی پیامی بدهند و یک کلمه حرفی بزنند - همچنان که رهبران مسیحی در هر قضیه ای پیامی میدهند، نصیحتی میکنند و جمله ای میگویند - هیچ ترسی ندارند؛ میدانند این خطری برای آنها نیست. از این که ملتهای مسلمان بیدار شوند و تشکیل حکومت دهند؛ از این که ایمان اسلامی آحاد مردم در قالب یک نظام و یک دولت و یک حکومت تجسم پیدا کند، واهمه دارند و میترسند. نظام اسلامی و ملت مسلمان ایران و دولت جمهوری اسلامی بزرگ ترین قدم

۱. سوره ی حدید، بخشی از آیه شریفه ۲۵

۲. سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی ۱۴۶، ترجمه: «و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده های انبوه

کارزار کردند.»

را در این راه برداشت و به برکت مجاهدت جوانان و مردان و زنان مؤمن و فداکار این ملت، اسلام در دنیا به عنوان یک قدرت ظاهر شد. هرچه این قدرت بتواند خود را مستقرتر و پایدارتر کند، نظم ظالمانه و شیطانی دنیا بیشتر تهدید میشود. بعضی‌ها بی‌توجه، از جدایی دین و سیاست حرف میزنند؛ یعنی دین را به گوشه‌های خلوت برانند و انسان دین‌دار، فقط به نصیحت اکتفا کند! در اینجا نصیحت نمیتواند کاری بکند. آنچه میتواند قدرتها را مهار و تهدید کند و در برابر ظلم و فساد مقاومت نماید و ریشه‌ی آن را برکند یا آن را متزلزل سازد، قدرت الهی و اسلامی است؛ قدرت سیاسی‌ای است که در اختیار احکام اسلامی باشد. امام زمان (ارواح‌فداه) با اقتدار و قدرت و تکیه بر توانایی‌ای که ایمان والای خود او و ایمان پیروان و دوستانش، او را مجهز به آن قدرت کرده است، گریبان ستمگران عالم را میگیرد و کاخهای ستم را ویران میکند.^۱

عینیت‌یابی مسئله‌ی انتظار در مکتب تشیع

این امید مبهم ملت‌های مسلمان و ملت‌های غیر مسلمانی که متدین به ادیان الهی هستند، در اعتقاد ما ابهام ندارد؛ مشخص است، اسمش را میدانیم، زمان ولادتش را میدانیم، پدر و مادرش را می‌شناسیم، خصوصیاتش را از او اطلاع داریم و دل‌های ما به یک نقطه‌ی متمرکز روشنی متعلق است؛ این خصوصیت اعتقاد ما است.^۲

ادیان الهی و آسمانی - که اغلب این ادیان ریشه‌های الهی و آسمانی دارند - نخواستند امید واهی به مردم بدهند؛ آنها واقعیتی را بیان کردند. در خلقت بشر و تاریخ طولانی بشریت حقیقتی وجود دارد و آن حقیقت این

۱. در دیدار افشارمختلف مردم در نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۱/۷/۳۰

۲. در اجتماع مردم قم؛ ۱۳۶۳/۲/۲۷

است که این ستیزه‌ی میان حق و باطل، یک روز به سود حق و به زیان باطل پایان خواهد گرفت و از آن روز به بعد دنیای حقیقی بشر، زندگی مطلوب انسان، آغاز خواهد شد که در آنجا ستیزه‌گری مفهوم مبارزه نیست، مبارزه برای تسابق در خیرات است. این یک حقیقتی است که بین همه‌ی ادیان مشترک است. خصوصیت اعتقاد ما شیعیان این است که این حقیقت را در مذهب تشیع از شکل یک آرزو، از شکل یک امر ذهنی محض، به صورت یک واقعیت موجود تبدیل کرده است. حقیقت این است که شیعیان وقتی منتظر مهدی موعودند، منتظر آن دست نجات‌بخش هستند و در عالم ذهنیات غوطه نمی‌خورند؛ یک واقعیتی را جستجو می‌کنند که این واقعیت وجود دارد. حجّت خدا در بین مردم زنده است؛ موجود است؛ با مردم زندگی میکند؛ مردم را میبیند؛ با آنها است؛ دردهای آنها، آلام آنها را حس میکند. انسانها هم، آنهايي که سعادت‌مند باشند، ظرفیت داشته باشند، در مواقعی به‌طور ناشناس او را زیارت می‌کنند. وجود دارد؛ یک انسان واقعی، مشخص، با نام معین، با پدر و مادر مشخص و در میان مردم است و با آنها زندگی می‌کند. این، خصوصیت عقیده‌ی ما شیعیان است.^۱

ارتباط قلبی یکایک آحاد مردم مؤمن با مقام ولایت عظمی و با ولی‌الله اعظم، یکی از برکاتی است که از مشخص بودن مهدی موعود (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) در عقیده‌ی ما مردم ناشی میشود. ما علاوه بر اعتقاد به اصل وجود مهدی و اینکه کسی خواهد آمد که دنیا را از عدل و داد پر خواهد کرد - که همه‌ی مسلمین به این معنا قائل هستند - شخص مهدی را هم می‌شناسیم؛ نام او را، کنیه‌ی او را، پدر او را، مادر او را، تاریخ ولادت او را، کیفیات غیبت او را، اصحاب نزدیک او را، حتی بعضی از کیفیات هنگام ظهور او را میدانیم. اگرچه آن شخصیت درخشان را و آن خورشید

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۵/۲۷

تابان را، در بیرون و در محیط زندگی خود نمی بینیم و او را تطبیق نمیکنیم، اما به حال او معرفت داریم. رابطه‌ی بین شیعیان - که این اعتقاد را دارند - با مقام ولایت و مهدی موعود، یک رابطه‌ی دائمی است؛ و چقدر خوب است، بلکه لازم است که یکایک ما قلباً هم این رابطه را حفظ کنیم؛ با توجه، با توسل، با حرف زدن با مولا؛ با حرف زدن با آن حضرت. طی همین زیاراتی که وارد شده است - که بعضی مأثور است و به احتمال زیاد به خود معصوم (علیه السلام) مستند است - این رابطه‌ی قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان، یک امر مستحسن، بلکه لازم و دارای آثاری است؛ امید را و انتظار را به طور دائم در دل انسان زنده نگه میدارد.^۱

اهمیت انتظار موجودی و حاضر در ایجاد امید

تفاوت شیعه با غیر شیعه در این است که دیگران میدانند که از خاندان پیغمبر کسی خواهد آمد، ولی او را نمی شناسند؛ شیعه او را می شناسد؛ او را به نامش، به نام پدرش، به نام مادرش، به تاریخ دقیق ولادتش، به اوامرو دستوراتش و به نشانه‌های حضورش در میان جوامع بشری می شناسد؛ و این امتیاز بزرگی است. دل‌های شیعه با آن مرکز ملکوتی و الهی در حال ارتباط و پیوند است. محبت آن وجود مقدس در دل‌های شیعیان موج میزند، با او سخن میگویند، از او میخواهند، به او اظهار ارادت و توسل میکنند؛ اینها چیز کمی نیست. این امیدی که در دل یک انسان به وجود می آید، به برکت ایمان و اعتقاد و یقین به وجود منجی و به حضور منجی، این امید خیلی دارای ارزش و قیمت است. یقیناً مایه‌ی حرکت‌های بزرگ در جوامع اسلامی و در جوامع شیعی و مایه‌ی اصلی حرکت عظیم انقلاب اسلامی، همین عقیده و همین انتظار فرج است.^۲

۱. در دیدار افشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۶۸/۱۲/۲۲

۲. در دیدار میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (ع) در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۲/۱۱/۸

عقیده‌ی به امام زمان نمیگذارد مردم تسلیم بشوند؛ اگر یک ملت این عقیده را درست بفهمد. حضور امام غایب در میان مردم حس میشود، وقتی که این عقیده به‌طور حقیقی در دلها جا دارد. امام بزرگوار و عزیز و معصوم و قطب عالم امکان و ملجأ همه‌ی خلائق اگرچه غایب است و ظهور نکرده است اما حضور دارد. مگر میشود حضور نداشته باشد؟ این حضور را مؤمن در دل خود حس میکند، با وجود خود حس میکند، با حواس خود حس میکند. آن مردمی که می‌نشینند رازونیا می‌کنند، دعای ندبه را با توجه می‌خوانند، زیارت آل یاسین را زمزمه می‌کنند، مینالند و می‌فهمند چه می‌گویند، حضور این بزرگوار را حس می‌کنند؛ ولو ظهور نکرده است، ظاهر نشده است، غایب است. غیبت او ضرری نمی‌زند به احساس حضور او. ظهور نکرده است اما حضور دارد؛ هم در دلها، هم در متن زندگی ملت. مگر میشود حضور نداشته باشد؟ و شیعه‌ی خوب این است که این حضور را حس کند و خود را در حضور او احساس کند. این به انسان امید می‌بخشد، نشاط می‌بخشد. این ملت بزرگی که در راه خدا دارد مبارزه می‌کند، برای عظمت اسلام دارد مجاهدت می‌کند، افتخار طول تاریخ بشر شد، افتخار همه‌ی تاریخ اسلام شد، به خاطر اینکه پرچم اسلام را به اهتزاز درآورد در زمان ما، یک چنین ملتی از همه چیز بیشتر به همین امید درخشان احتیاج دارد. این امید را این اعتقاد به او می‌بخشد.^۱

خصوصیت اعتقاد شیعه در این مسئله این است که یک موضوع کلی را با همه‌ی مشخصاتش، با همه‌ی خصوصیاتش، با معرفتی شخصش - پدر، مادر، عمر و بقیه‌ی خصوصیات - می‌شناسد و در ابهام نیست. ما ولی خود را، سید خود را، سرور و سالار عالمیان را که امام ما است می‌شناسیم؛ پدر او را، مادر او را، تاریخ تولد او را، قضایای ولادت مبارک او را، کسانی این

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۴/۱۰/۱۷

قضایا را با خبرهای صادق و موثق نقل کرده‌اند؛ همه‌ی اینها برای ما روشن است؛ لذا ما میدانیم که عشق ما، دل ما، ایمان ما متوجه و متعلق به کیست.^۱

انتظار یعنی این آینده حتمی و قطعی است؛ بخصوص انتظارِ یک موجود حیّ و حاضر؛ این خیلی مسئله‌ی مهمّی است. این جور نیست که بگویند کسی متولد خواهد شد، کسی به وجود خواهد آمد؛ نه، کسی است که هست، وجود دارد، حضور دارد، در بین مردم است. در روایت دارد که مردم او را می‌بینند، همچنانی که او مردم را می‌بینند، منتها نمی‌شناسند. در بعضی از روایات تشبیه شده است به حضرت یوسف که برادران او را میدیدند، بین آنها بود، در کنار آنها بود، روی فرش آنها راه میرفت، ولی نمی‌شناختند. یک چنین حقیقت بارز، واضح و برانگیزاننده‌ای؛ این کمک میکند به معنای انتظار.^۲

مهدوئیت در همه‌ی مذاهب اسلامی و در همه یا بیشتر ادیان الهی مطرح است، منتها تفاوتی که هست، این است که در ادیان گوناگون و همچنین در مذاهب دیگر اسلامی، این به صورت یک امر ذهنی محض است؛ در گوشه‌ای از ذهن، این هم هست که بله، این دنیا یک آخری دارد، عاقبتی دارد، این عاقبت هم عاقبت ممدوح و مستحسن و مطلوبی است و به وسیله‌ی یک بنده‌ی برگزیده‌ی خدا این عاقبت تحقق پیدا خواهد کرد. در شیعه، این امر ذهنی تجسم پیدا کرده؛ آدمش را می‌شناسیم، خصوصیاتش را میدانیم، پدرش را می‌شناسیم، مادرش را می‌شناسیم، سال ولادتش را میدانیم؛ کلماتی از او به شیعیانش رسیده، این کلمات را

۱. در دیدار اقبال مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۷/۹/۱۴

۲. در دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدوئیت ۱۳۹۰/۴/۱۸

شنیده‌ایم، خواننده‌ایم، میدانیم؛ تنها چیزی که هست، این است که ما او را به عین و به شخص نمی‌شناسیم - یعنی او را به چشم ندیده‌ایم - اما با همه‌ی خصوصیات، شیعه آن موعود منتظر را می‌شناسد؛ یعنی جنبه‌ی تشخص پیدا کرده است، عینی شده است، از حالت یک امر ذهنی خارج شده است.

نتیجه چیست؟ نتیجه این است که حالت انتظار در شیعه جدی است. آن که عقیده ندارد، یا دل به معنویات ندارد، او محلّ بحث نیست؛ شیعه‌ی معتقد جداً منتظر است. نتیجه این است که ارتباطات معنوی و روحی برقرار است: دعای ندبه میخوانید، توسّل می‌کنید، زیارت می‌کنید، سلام عرض می‌کنید، برای این بزرگوار دعا می‌کنید، از خدا چیزی می‌خواهید. همین دعای «اللّٰهُمَّ كُنْ لُوَيْكُ» که می‌خوانید، یکی از بهترین دعاها است؛ برای بنده‌ی برگزیده‌ی ممتاز خدای متعال از خدای متعال این خصوصیات را می‌خواهید. ببینید ارتباط برقرار است، دلها به هم متصل است. یعنی یک امر ذهنی محض نیست؛ امری است که یک تشخصی پیدا کرده، یک عینیتی پیدا کرده. این نکته‌ی مهمی است در باب مهدویت، که ما باید این را حفظ کنیم. اینکه علمای ما، بزرگان ما، عناصر مؤمن ما، انقلابیون ما به مسئله‌ی تبریک میلاد این بزرگوار اهمّیت میدادند، آحاد مردم ما به صورت خودجوش اظهار ارادت می‌کنند، اظهار علاقه می‌کنند، این چیز خیلی مغتنمی است؛ این را باید حفظ کرد، این را باید تقویت کرد. دعای برای این بزرگوار را همیشه باید در نظر داشت؛ واقعاً یکی از وظایف خودمان را باید این دعا بدانیم.^۱

منجی آخر الزّمان مورد اتفاق همه‌ی ادیان ابراهیمی است؛ اینکه کسی خواهد آمد و جهان را از منجلاب ظلم و جور نجات خواهد داد، در میان ادیان ابراهیمی مورد قبول همگان است. در اسلام، نام این منجی هم

۱. در دیدار کارکنان دفتر رهبری ۱۳۹۲/۴/۲

مشخص شده است؛ این موجود الهی را، این انسان بزرگ فوق العاده را در همه‌ی مذاهب اسلامی به نام مهدی می‌شناسند. شاید در بین فرق اسلامی هیچ فرقه‌ای را نتوان سراغ داد که معتقد نباشد که مهدی (علیه السلام) ظهور خواهد کرد و او از ذریه‌ی پیغمبر است؛ حتی نام و کنیه‌ی آن حضرت را هم مشخص میکنند. خصوصیتی که در اعتقاد شیعه وجود دارد این است که این شخصیت را به صورت مشخص و معین معرفی میکند؛ او را فرزند امام یازدهم از ائمه‌ی اهل بیت - حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) - میدانند؛ تاریخ ولادت او به طور مشخص از نظر مورخان شیعه و متکلمان شیعه روشن و واضح است؛ دیگر فرق اسلامی، غالباً این نظر را متذکر نشده یا نپذیرفته‌اند ولی شیعه با ادله‌ی مسلم و قطعی، حضور و وجود و ولادت آن بزرگوار را اثبات میکند. بعضی استبعاد کرده‌اند که چگونه ممکن است انسانی متولد بشود و در این زمان طولانی زنده بماند. این تنها استبعادی است که در مورد قضیه‌ی حضرت مهدی، مخالفان مطرح کرده‌اند و تکرار کرده‌اند؛ لکن قرآن کریم با نص صریح خود، این استبعاد را برطرف میکند. درباره‌ی حضرت نوح پیغمبر (علیه السلام) میفرماید: «فَلَيْتَ فِيهِمْ أَلَفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا»؛^۱ یعنی نوح در میان قوم خود ۹۵۰ سال زندگی کرده است. نه اینکه عمر او این مقدار بود، ظاهر مطلب این است که دوران دعوت آن بزرگوار ۹۵۰ سال است؛ بنابراین، این استبعاد جایی ندارد. بزرگ‌ترین خاصیت این اعتقاد در میان شیعیان، امیدآفرینی است. جامعه‌ی تشیع فقط به برجستگی‌های تاریخ خود در گذشته متکی نیست، چشم به آینده دارد. یک نفر معتقد به مسئله‌ی مهدویت طبق اعتقاد تشیع، در سخت‌ترین شرایط، دل [را] خالی از امید نمیداند و شعله‌ی امید همواره وجود دارد؛ میدانند که این دوران تاریکی، این دوران ظلم، این دوران تسلط ناحق و باطل قطعاً سپری خواهد

شد؛ این یکی از مهم‌ترین آثار و دستاوردهای این اعتقاد است. البته اعتقاد تشیع نسبت به مسئله‌ی مهدویت به همین جا محدود نمی‌شود؛ «بینه رزق الوری و بوجوده ثبتت الأرض والسماء»^۱؛ مسئله‌ی اعتقاد به مهدویت یک چنین اعتقادی است. این شعله‌ی فروزان، این فروغ تابان، در جوامع شیعی در طول قرنهای گذشته وجود داشته است و همچنان وجود خواهد داشت و ان شاء الله دوران انتظار منتظران سر خواهد آمد.^۲

اهمیت تبیین مسئله‌ی معین بودن شخص مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

قضیه‌ی طول عمر و مانند اینها، قضایای خیلی آسانی است؛ اینها واقعاً درخور اهمیت نیست. بیشتر توجه ما به این منعطف شده است که اشکالات را برطرف کنیم که طول عمر چطور میشود؟ خب آن خدایی که میتواند ۱۴۰ سال عمر بدهد، میتواند ۱۴۰۰ سال عمر بدهد؛ اینکه دیگر خیلی مشکلی ندارد؛ یعنی اینها چیزی نیست که محققین بخواهند دنبالش بروند و خودشان را معطل این قضیه بکنند. آن چیزی که به نظر من بایستی رویش تنقیب^۳ و تحقیق و مانند اینها انجام بگیرد، عمده این بخش دومی است که عرض شد؛ یعنی تشخیص، مشخص کردن اینکه این بزرگوار، فرزند حضرت عسکری است؛ با این خصوصاتی که ما می‌شناسیم.^۴

نسبت عاشورا و فرج نهایی

امام حسین (علیه السلام) تک‌وتنها بود. البته چند ده نفری دوروبر آن حضرت ماندند؛ اما اگر نیمانند هم، آن حضرت می‌ایستاد. مگر غیر از

۱. زادالمعاد؛ مفتاح الجنان، ص ۴۲۳

۲. در بیست و ششمین سالروز رحلت امام خمینی (ره) ۱۴/۳/۱۳۹۴

۳. تحلیل و کاوش

۴. در دیدار دست‌اندرکاران برگزار می‌شود ۳/۱۰/۱۳۷۵

این است؟! فرض کنیم شب عاشورا، وقتی حضرت فرمود که «من بیعتم را برداشتم؛ بروید.» همه میرفتند؛ ابوالفضل و علی اکبر هم میرفتند و حضرت تنها میماند؛ روز عاشورا چه میشد؟ حضرت برمیگشت یا می ایستاد و میجنگید؟ در زمان ما، یک نفر پیدا شد که گفت «اگر من تنها بمانم و همه‌ی دنیا در مقابل من باشند، از راهم برنمیگردم.»^۱ آن شخص، امام ما بود که عمل کرد و راست گفت؛ «صدقوا ما عاهدوا الله علیه»^۱. لقلقه‌ی زبان را که خب همه داریم. دیدید، یک انسان حسینی و عاشورایی چه کرد؟ خب، اگر همه‌ی ما عاشورایی باشیم، حرکت دنیا به سمت صلاح، سریع، و زمینه‌ی ظهور ولیّ مطلق حق، فراهم خواهد شد.^۲

نسبت حرکت بشر در دوران انتظار و دوران فرج

دنیایی که در آن علم همراه باشد با معنویت، تمدن همراه باشد با معنویت، ثروت همراه باشد با معنویت، این دنیا دنیای انسانی خواهد بود. البته نمونه‌ی کامل این دنیا در دوران ظهور حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) اتفاق خواهد افتاد و از آنجا... دنیا شروع خواهد شد. ما امروز در زمینه‌های مقدماتی عالم انسانی داریم حرکت میکنیم. ما مثل کسانی هستیم که در پیچ و خم‌های کوه‌ها و تپه‌ها و راه‌های دشوار داریم حرکت میکنیم تا به بزرگراه برسیم؛ وقتی به بزرگراه رسیدیم، تازه هنگام حرکت به سمت اهداف والا است. بشریت در طول این چند هزار سال عمر خود، دارد از این کوره‌راه‌ها حرکت میکند تا به بزرگراه برسد؛ وقتی به بزرگراه رسید - که آن، دوران ظهور حضرت بقیة الله است - آنجا حرکت اصلی انسان آغاز خواهد شد؛ حرکت سریع انسان آغاز خواهد شد؛ حرکت موفق و بی‌زحمت انسان آغاز خواهد شد. زحمت فقط عبارت است از همین‌که انسان در این راه حرکت کند و

۱. سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۲۳، ترجمه: «به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند.»

۲. در دیدار روحانیون و وعظ در آستانه‌ی ماه محرم ۱۳۷۴/۳/۳



۱. برود؛ دیگر حیرتی در آنجا وجود نخواهد داشت.^۱

۱. در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۸۹/۹/۱۰؛ این مضمون در سخنان دیگر معظّم‌له نیز تکرار شده است. (ر.ک: بیانات ایشان در دیدار مسئولان و پژوهشگران مؤسسه‌ی دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث ۱۳۹۳/۳/۲۱؛ بیانات ایشان در دیدار کارکنان دفتر مقام معظّم رهبری و خانواده‌های آنان ۱۳۹۶/۲/۲۱ و بیانات ایشان در دیدار خانواده‌های کارکنان دفتر مقام معظّم رهبری به مناسبت نیمه‌ی شعبان ۱۳۹۸/۱/۳۱). درباره‌ی اینکه چرا دوره‌ی امام زمان دوران پایان بشریّت نیست بلکه آغاز حرکت اصلی بشریّت است، میتوان این‌گونه استدلال کرد که بر اساس روایات، هدف اصلی قیام امام زمان (عج)، استقرار عدالت است، و همان‌طور که در بیانات معظّم‌له نیز وجود دارد، در سایه‌ی عدالت است که دیگر اهداف مقدّس یعنی اقامه‌ی دین و ساخت جامعه‌ی توحیدی محقّق خواهد شد (ر.ک: فصل اول، مصادیق فرج، تشکیل جامعه‌ی توحیدی)؛ بنابراین با قیام امام زمان (عج)، عدالت استقرار می‌یابد و با استقرار عدالت، حرکت بشر به سوی توحید و دین کامل آغاز میشود.

فصل دوّم
مبانی و ادلّه‌ی انتظار فرج





ما البتّه برای مسئله‌ی مهدویّت، مبانی فکری بسیار عمیق و استواری را می‌شناسیم. مبادا کسی خیال کند که مسئله‌ی مهدویّت، یک مسئله‌ی صرفاً عاطفی است؛ نخیر، مبانی فکری مهدویّت یک مبانی بسیار مستحکم و استواری است. همه‌ی شبهاتی که مخالفین و معاندین این فکر در اذهان منتشر کرده‌اند، دارای جوابهای مستحکمی است.^۱

وعده‌ی الهی

شب میلاد امید تاریخ، شب میلاد مهدی موعود، شب ولادت آن کسی [است] که مصداق وعده‌ی لایتخلف الهی است.^۲

وجود مقدّس امام زمان، مصداق وعده‌ی الهی است. همین قدر میدانیم که این بازمانده‌ی خاندان وحی و رسالت، علّم سرافراز خدا در زمین است؛ «السّلام علیک ایّها العلم المنصوب و العِلْم المصوب و الغوث و الرّحمة الواسعة و عدلاً غیر مکذوب»^۳؛ وعده‌ی الهی است؛ مصداق لطف خدا بر انسانیت و بشریت

۱. در دیدار میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (ع) در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۲/۱۱/۸

۲. در دیدار کارکنان دفتر مقام معظم رهبری و خانواده‌های آنان ۱۳۹۴/۳/۱۲

۳. زیارت آل یاسین، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۹۳

است؛ مستوره^۱ و نمونه‌ای از اولیا و اصفیا و انبیا و برجسته‌ترین بندگان خدا است. او نمایشگر مبلغ فضل الهی بر بنی آدم است.^۲

نام این بزرگوار و یاد این بزرگوار، دائماً به ما یادآوری میکند که طلوع خورشید حق و عدل در پایان این شب ظلمانی، قطعی است. انسانها گاهی که امواج مترام ظلمت و ظلم را مشاهده میکنند، مأیوس میشوند. یاد امام زمان نشان‌دهنده‌ی این است که خورشید طلوع خواهد کرد، روز خواهد آمد؛ بله، ظلمات هست، ظالمان و تاریکی‌آفرینان هستند در دنیا، و قرنهاي متمادی بوده‌اند اما پایان این شب سیاه و ظلمانی، قطعاً طلوع خورشید است. این آن چیزی است که اعتقاد به امام زمان به ما می‌آموزد؛ این وعده‌ی تضمین‌شده‌ی پروردگار است: «السَّلامُ عَلَیکَ اَیُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَ الْغُوثُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعَدْلًا غَیْرَ مَکذُوبٍ»؛ وعده‌ی تخلف‌ناپذیر الهی است. در اوّل زیارت [هم دارد]: «السَّلامُ عَلَیکَ یا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِی ضَمَنَهُ»؛ وعده‌ای که تضمین‌شده است از طرف پروردگار، ظهور این بزرگوار است... معتقدین به ظهور ولیّ عصر و وجود ولیّ عصر (ارواح‌نفاذ) هیچگاه دچار ناامیدی و یأس نمیشوند، و میدانند که قطعاً این خورشید طلوع خواهد کرد و این تاریکی‌ها و این سیاهی‌ها را برطرف خواهد کرد.^۳

تحقق وعده‌های الهی از جمله تشکیل جمهوری اسلامی

توفیقاتی که بشر در اثنای راه پیدا کرده است، مؤید این معنا برای ذهن انسان شگاک است که آنچه وعده داده شده، تحقق پیدا خواهد کرد. این آیاتی که تلاوت کردند، به نظر من آیات جالب و مهمی است. یک نکته‌ای

۱. نمونه

۲. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نهمی شعبان ۱۳۶۹/۱۲/۱۱

۳. در مراسم دانش‌آموزی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، ۲۰/۲/۱۳۹۶

در این آیات - آنجا که حضرت موسی را در آغاز ولادت، مادرش در آب می اندازد - وجود دارد؛ «واوحینا الی امّ موسی ان ارضیه فاذا خفت علیه فالتیه فی الیم... انا را ذره الیک و جاعلوه من المرسلین»^۱؛ [اینجا] دو وعده است: یک وعده وعده‌ی برگرداندن موسی به مادرش است؛ یک وعده وعده‌ی «جاعلوه من المرسلین» است؛ یعنی آن وعده‌ی عمومی‌ای که به بنی اسرائیل داده شده بود که بنی اسرائیل منتظر بودند که منجی بیاید؛ و این منجی از طرف خدا است و خواهد آمد و بنی اسرائیل را از دست فرعون نجات خواهد داد. خدای متعال در وحی به مادر موسی این وعده‌ی دوم را هم داد - «جاعلوه من المرسلین» - یعنی این را ما از طرف خودمان میفرستیم، و او را همان مرسلی قرار میدهم که بنا است آن وعده‌ی بزرگ را و آن آرزوی بزرگ را انجام بدهد؛ این دو وعده را خدای متعال داد. یک وعده، وعده‌ی نقد و نزدیک بود و آن، «انا را ذره الیک» بود. در آیات بعدی - که حالا آن آیات را آقای سبزعلی متأسفانه نخواند - میفرماید: «فرددناه الی امه کی تقرّ عینها ولا تحزن ولتعلم انّ وعد الله حق»^۲؛ اینکه ما بچه را به مادر برگردانیم، خب بله، «تقرّ عینها» دارد، «ولا تحزن» دارد - دلش خوش شد، دلش آرام گرفت، چشمش روشن شد - اما اثر دیگر این برگرداندن، این بود که «ولتعلم انّ وعد الله حق»؛ بداند که این وعده‌ای که ما دادیم - و گفتیم منجی را میفرستیم و کسی را خواهیم فرستاد که بنا است جامعه‌ی بنی اسرائیل را در مصر از استضعاف خارج کند - وعده‌ی درستی است؛ دلش مطمئن بشود، و خاطر جمع بشود. یعنی یک وعده‌ی کوچک از سوی پروردگار تحقّق می‌یابد، برای اینکه هر انسان اهل تدبّری از تحقّق این وعده‌ی کوچک، اطمینان پیدا کند که آن وعده‌ی

۱. سوره‌ی قصص، بخشی از آیه‌ی ۷، ترجمه: «وبه مادر موسی وحی کردیم که او را شیرده و چون براو بیمناک شدی او را در نیل بینداز... ما او را به تو باز میگردانیم و از [زمه‌ی] پیمبران‌ش قرار میدهم.»

۲. سوره‌ی قصص، بخشی از آیه‌ی ۱۳، ترجمه: «پس او را به مادرش بازگردانیدیم تا چشمش [بدو] روشن شود و غم نخورد و بداند که وعده‌ی خدا درست است.»

بزرگ تحقیق پیدا خواهد کرد. آنچه از موفقیتها در طول تاریخ برای بشریت از طریق دین حاصل شده، همان وعده‌های کوچک است؛ از جمله جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی هم یکی از همین وعده‌ها است؛ خدای متعال وعده داده بود که اگر مبارزه کنید، اگر صبر کنید، اگر به خدای متعال توکل کنید، در جایی که گمان آن را نمیبیرید و امید آن را ندارید، به شما قدرت خواهیم داد؛ همین اتفاق افتاد؛ ملت ایران مبارزه کرد، صبر کرد، ایستاد، فداکاری کرد، از دادن جان دریغ نکرد و اتفاقی افتاد که هیچ‌کس تصوّر آن را نمیکرد! چه کسی خیال میکرد در این منطقه‌ی بسیار حسّاس، در این کشور بسیار مهم، در مقابله‌ی با آن رژیم بشدت حمایت‌شونده‌ی از سوی قدرتهای بین‌المللی، یک حکومتی به وجود بیاید و یک انقلابی به پیروزی برسد، آن هم بر اساس دین، بر اساس فقه، بر اساس شریعت؟ چه کسی چنین تصویری میکرد؟ هیچ‌کس. اگر کسی بگوید من میدانستم این جور می‌شود، مگر از طرق غیبی فهمیده باشد؛ محاسبات، مطلقاً این را نشان نمیداد، اما این اتفاق افتاد. بدانیم آن وعده‌ی اصلی، آن کار بزرگ هم اتفاق خواهد افتاد. این یک نمونه‌ای از آن چیزی بود که اتفاق خواهد افتاد.^۱

ما با اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (علیه‌السلام) و روی کار آمدن حکومت حق و عدل مطلق، در حقیقت معتقد هستیم که آینده‌ی دنیا یک آینده‌ی امیدبخش و مسرت‌بخشی است برای انسان... با این اعتقاد، با این امید، آینده برای ما روشن است. این آینده اگرچه به نظر کسانی که با عاداتهای معمولی مادی خود قضایا را تحلیل میکنند بعید است اما با توجه به اینکه جریان زندگی انسان به طرف عدل و کمال زندگی انسانی پیش میرود، همچنین با توجه به اینکه این معجزه در دوران تاریخ به صورت ناقص بارها

۱. در دیدار مسئولان و پژوهشگران مؤسسه‌ی دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث ۳/۲۱/۱۳۹۳

به وقوع پیوست، این استبعاد هم برطرف میشود. از جمله‌ی این دفعاتی که این معجزه به وقوع پیوست، همین انقلاب اسلامی مردم ایران بود.^۱

اصل عدالت

مطلبی که در پیرامون ظهور ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خیلی قابل توجه است، این است که آن نقطه‌ای که امام زمان با آن نقطه شناخته میشود، آن چیست؟ فلسفه‌ای که آمدن ولی عصر را حتمی میکند، آن چیست؟ آیاتی که در قرآن کریم اشاره به این حادثه‌ی تاریخی میکند، بر روی چه مسائلی بیشتر انگشت میگذارد؟ خیلی خوب است که فضلا و محققین روی این نکات مطالعه کنند، تحقیق کنند و کارکنند. من در یک جمله عرض میکنم که محور اصلی اعتقاد به دنیایی که امام زمان در آن دنیا حضور دارد، مسئله‌ی عدل و قسط و اقامه‌ی حدود الهی و قدرت دادن به محرومان و مستضعفان و مظلومان عالم است. «بِإِذْنِ اللَّهِ بِه الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا»؛^۲ این دنیای زشت شده با کارهای قدرت‌مداران و گردن کلفت‌های دنیا، با آمدن امام زمان زشتی خود را از دست خواهد داد. این چهره‌ی عبوس بشریت که با قدرت‌طلبی سلطه‌گران بزرگ جهانی لبخند مهر و عطوفت و شادکامی از یادش رفته، باز خواهد شد و انسانیت به شکفتگی خواهد افتاد. این چند میلیارد انسانی که در دنیا در زیر شلاق فشار تبعیض نان ندارند که بخورند، لباس ندارند که تنشان را بپوشانند، امنیت ندارند که از حقوق خودشان در مقابل قدرتهای بزرگ جهانی دفاع کنند، حق و اجازه ندارند که به بی‌عدالتی‌ها و ستمهای فراگیر عالم اعتراض کنند، با ظهور دولت حق مهدی (علیه السلام) دوباره به حقوق خودشان خواهند رسید؛ عدالت در دنیا شکفته خواهد شد؛ یعنی چیزی که در طول تاریخ تا امروز

۱. در مکتب جمعه، ج ۳، ص ۲۵۰

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۳۸، ص: ۱۲۶

به صورت همه‌گیر در دنیا وجود نداشته.^۱

هدف بزرگ پیامبران و هدف قیام ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تأمین عدالت اجتماعی است.^۲

پیام اسلام، اقامه‌ی عدل است. قیام اسلامی در ایران، برای اقامه‌ی عدل بود. پیغمبران که آمدند، برای اقامه‌ی عدل و قسط آمدند. بشریت که با عطش تمام منتظر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و می‌خواهد مهدی موعود بیاید و چشم‌انتظار آن حضرت است، برای این است که او بیاید تا دنیا را از عدل و داد پر کند.^۳

در قرآن وقتی که می‌فرماید ما پیامبران را فرستادیم، متعاقبش می‌گوید: «لِيقوم الناس بالقسط»^۴؛ هدف، قسط است؛ قسط یعنی زندگی عادلانه. فرستادن پیامبر، مبدأ کار است؛ خدا قضیه را این‌گونه شروع کرده است: «لِيقوم الناس بالقسط»؛ ولی منتها هم این‌گونه است که خدا امام زمان را می‌فرستد تا «يملأ الله الارض به قسطاً وعدلاً بعد ما ملئت ظلماً وجوراً»^۵. بنابراین منتها هم قسط و عدل است.^۶

۱. در اجتماع مردم قم ۱۳۶۳/۲/۲۷

۲. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام در آستانه‌ی یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۶۸/۱۱/۹

۳. در دیدار کارگزاران و قشرهای مختلف مردم، در روز ولادت حضرت امیرالمؤمنین (ع) ۱۳۷۱/۱۰/۱۷

۴. سوره‌ی حدید، بخشی از آیه‌ی ۲۵، ترجمه: «تا مردم به انصاف برخیزند.»

۵. مفتاح الجنان، دعای عدلیه‌ی کبیر

۶. در دیدار وزیر تعاون و مسئولان بخشهای تعاون ۱۳۷۷/۲/۲۱

فطرت و طبیعت انسانی

معنای انتظار فرج این است که انسان در هر وضعی که هست، به آن وضع قانع نباشد، بخواهد به وضع بهتر و برتری دست پیدا بکند؛ این معنای انتظار فرج است. بالاترین اوضاع هم همین ظهور حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) و ان شاء الله تشکیل محیط عدل واقعی و عدل کامل الهی و اسلامی است در سرتاسر عالم، به برکت وجود آن بزرگوار. و این آن چیزی است که اتفاق خواهد افتاد؛ این واقع خواهد شد؛ این وعده‌ی الهی است. این امید آن چیزی است که خدای متعال بذران را از قرن‌ها پیش، از اوّل عالم به وسیله‌ی پیغمبران در دلها پاشیده است. دل بنی آدم به طور جبلی^۱ متمایل به این آینده و منتظر یک چنین آینده‌ای است. این حالت انتظار، یک چنین چیزی است. اگر مسخ نشود فطرت انسانی و زیر فشارها لگد مال نشود، همین است. دلها به طور طبیعی و فطری منتظر آن چنان آینده‌ای هستند و آن آینده پیش خواهد آمد. آن حکومت الهی به وجود خواهد آمد. آن قدرت مٔکی بر عدل مطلق الهی، پرچم خواهد افراشت؛ و بشریت این را خواهد دید.^۲

امروز ما انتظار فرج داریم. یعنی منتظریم که دست قدرتمند عدالت‌گستری بیاید و این غلبه‌ی ظلم و جور را که همه‌ی بشریت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشکنند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند و نسیم عدل را بر زندگی انسانها بوزاند، تا انسانها احساس عدالت کنند. این نیاز همیشه‌ی یک انسان زنده و یک انسان آگاه است؛ انسانی که سر در پیله‌ی خود نکرده باشد، به زندگی خود دل خوش نکرده باشد. انسانی که به زندگی عمومی بشر با نگاه کلان نگاه میکند، به طور طبیعی حالت انتظار دارد.^۳

۱. ذاتی، فطری

۲. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۵/۱۰/۶

۳. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۵/۲۷

انتظارا بشریت نیاز دارد، امت اسلامی به طریق اولی نیاز دارد.^۱

این حقیقت عظیم، متعلق به یک ملت و یک زمان خاص نیست؛ بلکه متعلق به بشریت است. این «میثاق الله الّذی أخذ وکل»، میثاق خدا با انسان است. «وعد الله الّذی ضمنه»^۲؛ این، وعده‌ی خدا است که تحقّق آن را ضمانت کرده است. همه‌ی انسانهای طول تاریخ، نسبت به این پدیده‌ی عظیم و شگفت آور، احساس نیاز معنوی و قلبی کرده‌اند؛ چون تاریخ، از اوّل تا امروز و از امروز تا لحظه‌ی طلوع آن خورشید جهان تاب، با ظلم و بدی و پلیدی آمیخته بوده است. همه‌ی کسانی که از ظلمی رنج برده‌اند - چه آنهایی که به خودشان ظلم شده است و رنج برده‌اند و چه آنهایی که به ستم‌کشی دیگران نگاه کرده‌اند و رنج برده‌اند - با یاد ولادت این منجی عظیم تاریخ و بشر، در دلشان امیدی به وجود می‌آید. به همین خاطر، شما می‌بینید که این حقیقت، مخصوص شیعه هم نیست؛ بلکه همه‌ی ادیان و مذاهب، عقیده دارند که یک منجی و یک دست مقتدر الهی، در مقطعی از تاریخ خواهد آمد و در نجات بشر از ظلم و جور معجزه‌گری خواهد کرد.^۳

تا آنجایی که ادیان الهی و ادیانی را که رونویسی از ادیان الهی‌اند، می‌شناسیم - ولو خودشان هم الهی نباشند، اما پیدا است اصول و قواعد کار را از ادیان الهی گرفته‌اند - همه معتقدند که این کاروان در پایان، در آخر راه، به یک منزلگاه مطلوب و دلگشا و دل‌نشین خواهد رسید. خصوصیت عمده‌ی این مقصد هم «عدالت» است؛ عدالت، خواسته‌ی عمومی بشریت از اوّل تا امروز و تا آخر است. اینهایی که سعی میکنند در مبانی و تفکرات اصولی، معتقد به تنوّع و تغییر و تحوّل و مانند اینها بشوند، این را

۱. در دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت ۱۳۹۰/۴/۱۸

۲. زیارت آل یاسین، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۲، ص: ۴۹۳

۳. در دیدار اقسام مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۴/۱۰/۱۷

نمی‌توانند انکار کنند که خواسته‌ی بشریت از روز اول تا امروز چند خواسته است، که از جمله‌ی اساسی‌ترین آنها عدالت است؛ بشر دنبال عدالت [است]؛ هیچ وقت از این خواسته منصرف نشده است و در نهایت، این خواسته برآورده می‌شود، که در آثار ما [آمده]: «یلا الله به الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً» - در اغلب متون «کما ملئت» است، در بعضی هم «بعد ما ملئت» - این پاسخ همه‌ی ادیان است. در واقع هر فردی از آحاد بشر می‌داند که این سیر عمومی بشر به کجا منتهی خواهد شد.^۲

استمرار نبوت

وجود مقدّس حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) استمرار حرکت نبوتها و دعوت‌های الهی است از اول تاریخ تا امروز؛ یعنی همان طور که در دعای ندبه می‌خوانید، از «بعض اسکنته جنتک» - که حضرت آدم است - تا «الی ان اندهی الامر» - که رسیدن به خاتم الانبیا (صلی الله علیه و آله) است - و بعد مسئله‌ی وصایت و اهل بیت آن بزرگوار، تا میرسد به امام زمان، همه، یک سلسله‌ی متصل و مرتبط به هم در تاریخ بشر است. این، بدین معنا است که آن حرکت عظیم نبوتها، آن دعوت الهی به وسیله‌ی پیامبران، در هیچ نقطه‌ای متوقف نشده است. بشر به پیامبر و به دعوت الهی و به داعیان الهی احتیاج داشته است و این احتیاج تا امروز باقی است و هرچه زمان گذشته، بشر به تعالیم انبیا نزدیک‌تر شده است. امروز جامعه‌ی بشری با پیشرفت فکر و مدنیت و معرفت، بسیاری از تعالیم انبیا را - که ده‌ها قرن پیش از این، برای بشر قابل درک نبود - درک کرده است. همین مسئله‌ی عدالت، مسئله‌ی آزادی، مسئله‌ی کرامت انسان - این حرفهائی که امروز در دنیا رایج است - حرفهائی انبیا است. آن روز عامه‌ی مردم و افکار عمومی مردم این مفاهیم

۱. بحار الانوار (ط - بیروت) ج ۳۸، ص ۱۲۶

۲. در دیدار مسئولان و پژوهشگران مؤسسه‌ی دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث ۱۳۹۳/۳/۲۱

را درک نمی‌کردند. پی‌درپی آمدن پیغمبران و انتشار دعوت پیغمبران، این افکار را در ذهن مردم، در فطرت مردم، در دل مردم، نسل به نسل نهادینه کرده است. آن داعیان الهی، امروز سلسله‌شان قطع نشده است و وجود مقدس بقیة الله الاعظم (ارواح‌نفاذ) ادامه‌ی سلسله‌ی داعیان الهی است، که در زیارت آل‌یاسین می‌خوانید: «السلام علیک یا داعی الله ورتانی آیاته»؛ یعنی شما امروز همان دعوت ابراهیم، همان دعوت موسی، همان دعوت عیسی، همان دعوت همه‌ی پیغمبران و مصلحان الهی و دعوت پیامبر خاتم را در وجود حضرت بقیة الله مجسم می‌بینید؛ این بزرگوار، وارث همه‌ی آنها است و دعوت و پرچم همه‌ی آنها را در دست دارد و دنیا را به همان معارفی که انبیا در طول زمان آورده‌اند و به بشر عرضه کرده‌اند، فرامی‌خواند. این، نکته‌ی مهمی است.^۱

امروز ذهنیت بشر، آماده‌ی آن است که بفهمد و بداند و یقین کند که انسان والا‌یی خواهد آمد و بشریت را از زیر بارهای ظلم و ستم نجات خواهد داد؛ همان چیزی که همه‌ی پیغمبران برای آن تلاش کرده‌اند؛ همان چیزی که پیغمبر اسلام در آیه‌ی قرآن وعده‌ی آن را به مردم داده است؛ «ویضع عنهم اصرهم والاعلال الّتی کانت علیهم»^۲؛ دست قدرت الهی به وسیله یک انسان عرشی، یک انسان خدایی، یک انسان متّصل به عالمهای غیبی، معنوی و عوالمی که برای انسانهای کوتاه‌نگری مثل ما قابل درک و تشخیص نیست، میتواند این آرزو را برای بشریت برآورده کند؛ لذا دلها، شوقها، عشقها، به سمت آن نقطه متوجّه و روزه‌روز متوجّه تراست.^۳

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۴/۶/۲۹
 ۲. سوره‌ی اعراف، بخشی از آیه‌ی ۱۵۷، ترجمه: «وازدوش [آنان قیدوبندهایی را که برایشان بوده است برمی‌دارد].»
 ۳. در دیدار جمعی از اعضای نیروی مقاومت بسیج به مناسبت میلاد امام زمان (عج) ۱۳۷۸/۹/۳

آن چیزی که مهدویت مبشّر آن است همان چیزی است که همه‌ی انبیا، همه‌ی بعثتها برای خاطر آن آمدند... اگر مهدویت نباشد، معنایش این است که همه‌ی تلاش انبیا، همه‌ی این دعوتها، این بعثتها، این زحمات طاقت فرسا، اینها همه‌اش بی‌فایده باشد، بی‌اثر بماند؛ بنابراین مسئله‌ی مهدویت یک مسئله‌ی اصلی است؛ جزو اصلی‌ترین معارف الهی است. لذاست که در همه‌ی ادیان الهی هم تقریباً - حالا تا آنجایی که ما اطلاع داریم - یک چیزی که لب و معنای حقیقی آن همان مهدویت است، وجود دارد، منتها به شکلهای تحریف شده، به شکلهای مبهم، بدون اینکه درست روشن باشد که چه میخواهند بگویند.^۱

انبیا آمدند تا مردم را بتدریج و در طول تاریخ با چند خصوصیت آمیخته کنند. اولاً آمدند به مردم اندیشیدن و فکر کردن یاد بدهند... دوم، [ایجاد] تعالی روحی... سوم، انبیا آمدند تا در مردم خواش و طلب یک جامعه‌ی آرمانی را زنده کنند؛ انبیا آمدند تا در مردم روح انتظار بدمند. وقتی خواش یک زندگی کامل، یک زندگی سعادت‌مندانانه و رستگارانانه در دل و جان انسانها زنده میشود، انسان به آنچه در پیرامون او است دیگر قناعت نمیکند؛ دائماً انتظار میبرد، امیدوار است که بتواند آینده‌ی بهتری را تأمین کند... نه برای خود، نه برای خانواده‌ی خود، حتی نه برای نسل خود، بلکه برای آینده، برای تاریخ، برای بشریت؛ انبیا آمدند این روح را در مردم زنده کردند و لذا این را شنیدید و درست هم شنیدید و درست گفته‌اند که مسئله‌ی مهدویت و جامعه‌ی ایده‌آل تاریخی انسان در زبان همه‌ی پیامبران بوده است و همه‌ی ادیان آن را وعده داده‌اند؛ «و مبشراً برسول یأتی من بعدی اسمہ احمد»^۲. بنابراین انبیا آمده بودند تا این خصوصیات را در انسانها زنده کنند.

۱. در دیدار اساتید و دانش‌آموختگان تخصصی مهدویت ۱۳۹۰/۴/۱۸

۲. سوره‌ی صف، بخشی از آیه‌ی ۶، ترجمه: «و به پیامبری که بعد از من می‌آید و نامش احمد است، مژده میدهم».

اینکه ما میگوییم ای طرفداران مکاتب مادی والحادی! ای کسانی که تاریخ را و تحولات تاریخی را و پیدایش انقلابها را با دید مادی تفسیر کردید و تحلیل کردید و گفتید آن طبقه ای حرکت میکند که مورد ظلم و ستم است و برای گرفتن حق خود حرکت میکند و بس، و میخواهد مادیات خود را تأمین بکند! ای همه ی گویندگان این سخنها و بافندگان این فلسفه ها! انقلاب اسلامی ایران با حضور خودش و با وجود خودش همه ی این فلسفه ها را باطل کرد؛ اینکه ما به گویندگان این فلسفه ها این حرف را میزنیم و بعد روی اسلامی بودن این انقلاب این قدر تأکید میکنیم و معتقدیم که عینک مادی آمریکا و اروپا نمیتواند این انقلاب را درست تقدیر و برآورد کند. لذا دست به این گونه عملیات احمقانه میزنند. این به خاطر همین است که ما دیدیم مردم خودمان را و لمس کردیم و فهمیدیم غلظت مایه های اخلاقی را در این زن و مرد مسلمان؛ پس اخلاق امروز از آن روزگار جلوتر آمده و مایه های اخلاقی غلیظ تر و پر قوام تر شده؛ یک محرک لازم است، یک استفاده کننده و استخراج کننده لازم است که وقتی رهبری مثل امام در میان جامعه ای بروز میکند آن وقت این مایه های اخلاقی زیر شعارهای انقلابی و اسلامی خودش را نشان میدهند.

پس می بینید که هم دانش بشریت جلو رفته، هم اخلاق بشریت پیش آمده، هم آن شوق به جامعه ی آرمانی بشر روز به روز و مرحله به مرحله در تاریخ جلوتر آمده، پس انبیا موفّق شدند، اما هنوز این همه به طور کامل انجام نگرفته؛ این حرکت به سوی آن سرنوشت نهایی شروع شده اما به آن نتیجه هنوز نرسیده. چه نتیجه ی میگیریم؟ نتیجه میگیریم که باید دورانی باشد که در آن دوران بشریت به حدّ نهایی تکامل علمی و اخلاقی خود برسد؛ آن دوران چه وقت است؟ آن دوران، دوران مهدی موعود، محبوب و معشوق و منتظر همه ی موّحدان عالم حجّت بن الحسن عسکری (علیه السلام) است.^۱

۱. بیانات به مناسبت نیمه ی شعبان ۱۳۶۰/۳/۲۷

سنت الهی حرکت عالم به سمت غلبه‌ی حق و عدل

از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است؛ این برو برگرد هم ندارد... همه‌ی انبیا و اولیا آمده‌اند تا انسان را به آن بزرگراه اصلی‌ای سوق بدهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ‌گونه مانعی تمام استعدادهایش میتواند بروز کند. انبیا و اولیا این مردم گمگشته را مرتب از این کوه و کمر و دشته‌ها و کویرها و جنگلها به سمت این راه اصلی سوق دادند و هدایت کردند. هنوز بشریت به نقطه‌ی شروع آن صراط مستقیم نرسیده است؛ آن در زمان ولی عصر (ارواحناfade) محقق خواهد شد؛ لیکن همه‌ی این تلاشها اصلاً بر اساس این بینش است که نهایت این عالم، نهایت غلبه‌ی صلاح است؛ ممکن است زودتر بشود، ممکن است دیرتر بشود، اما برو برگرد ندارد؛ قطعاً این طوری است که در نهایت صلاح بر فساد غلبه خواهد کرد؛ قوای خیر بر قوای شر غلبه میکنند. این هم یک نقطه از نقاط جهان بینی اسلامی است که در آن هیچ‌گونه تردیدی نیست.^۱

قدرتمندان، دنیا را پر از ظلم می‌خواهند؛ گرچه به زبان نمی‌آورند، اما عملشان گواه آن است؛ ظلم میکنند، برای اینکه منافع خودشان را تأمین کنند. ما با ظلم و قلدری مخالفیم. ما برای استقرار قسط و عدل قیام و تلاش کرده‌ایم و باز هم این ملت در همین راه تلاش خواهد کرد. حرکتی که برای قسط و عدل است بر حرکتی که در مقابل قسط و عدل ایستاده است، پیروز خواهد شد؛ در این، شکی نیست؛ دنیا به سمت عدل و قسط حرکت میکند و معنای امام زمان و انتظار فرج همین است. انتظار فرج یعنی اینکه در سرنوشت بشریت، یک فرج بزرگ هست و ما به سمت آن فرج پیش می‌رویم.^۲

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۹/۱۲
 ۲. در دیدار مهمانان خارجی دهه‌ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان

ادیان الهی و آسمانی - که اغلب این ادیان ریشه‌های الهی و آسمانی دارند - نخواستند امید واهی به مردم بدهند؛ آنها واقعیتی را بیان کردند. در خلقت بشر و تاریخ طولانی بشریت حقیقتی وجود دارد و آن حقیقت این است که این ستیزه‌ی میان حق و باطل، یک روز به سود حق و به زیان باطل پایان خواهد گرفت و از آن روز به بعد دنیای حقیقی بشر، زندگی مطلوب انسان، آغاز خواهد شد که در آنجا ستیزه‌گری مفهوم مبارزه نیست، [بلکه] مبارزه برای تسابق در خیرات است. این یک حقیقتی است که بین همه‌ی ادیان مشترک است.^۱

این آیه میگوید: «الَّذِينَ ان مَكْتَاهُمْ فِي الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَآتَوُا الزَّكٰوةَ وَامَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوُا عَنِ الْمُنْكَرِ» بعد میفرماید: «وَلِلّٰهِ عَاقِبَةُ الْاُمُورِ»^۲؛ متعلق به خدا است پایان و فرجام کارها؛ یعنی سرنوشت زندگی بشر آن چنان سرنوشتی است که در جهت اراده‌ی الهی و در سمت کمالی است که خدای متعال حدّ اعلاّی آن کمال است؛ یعنی تاریخ بشر و زندگی انسان به طور قطعی و ناگزیر به سمت یک چنین فرجامی دارد حرکت میکند و هیچ تلاشی نمیتواند مانع بشود از آمدن آن روز.^۳

آیه‌ی کریمه‌ی قرآن میفرماید: «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ. اَتْمَمْنَا لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ. وَانْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْعَالِبُونَ»^۴؛ این آیه اولاً ثابت میکند که در نهایت

۱. در دیدار اقسام مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۵/۲۷

۲. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۱، ترجمه: «همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز بر پا میدارند و زکات میدهند و به کارهای پسندیده و امیدارند و از کارهای ناپسند باز میدارند و فرجام همه‌ی کارها از آن خدا است.»

۳. در دیدار اقسام مختلف مردم قم به مناسبت نیمه‌ی شعبان ۱۳۶۶/۱/۲۴

۴. سوره‌ی صافات، آیات ۱۷۱ تا ۱۷۳، ترجمه: «و قطعاً فرمان ما درباره‌ی بندگان فرستاده‌ی ما از پیش [چنین] رفته است. که آنان [بر دشمنان خودشان] حتماً پیروز خواهند شد. و سپاه ما هرآینه غالب آیندگانند.»

تاریخ بشریت، دورانی وجود خواهد داشت که در آن دوران، آرمان پیامبران و رسولان الهی محقق خواهد شد... ما را به یک جامعه‌ی آرمانی نوید می‌دهد: «ولقد سبقت کلماتنا لعبادنا المرسلین»؛ کلمه‌ی ما، سنت و قانون ما، حکم بی‌تخلف ما، از پیش برای بندگان مرسلان صادر شده است؛ یعنی این یک قانون الهی است؛ و در قرآن آمده است که «لا مبدل لکلمات الله»؛ کلمات خدا تغییر نمی‌پذیرد. کلمه در قرآن به هر معنایی که گرفته بشود، از جمله‌ی مصداقها و نمونه‌هایش قوانین و سنن لایتخلف تاریخ است. این یک سنت است، یک قانون است، یک روال طبیعی برای جریان تاریخ انسان است که دنیای آمیخته‌ی به ظلم و نامردمی و دنیایی که در آن بدی و زشتی و نابسامانی و ناهنجاری و کجی و کمی و کاستی هست، همین دنیا دارد به طرف یک مقصد و یک عاقبتی می‌رود که در آن عاقبت، نه کمی و کاستی هست، نه ناهنجاری و ناصافی هست، نه ظلم و ستم هست، نه فقر هست، نه جهل هست؛ دنیایی که در آن انسان میتواند به راستی انسان زندگی کند و نه [مانند] حیوانی درنده و وحشی و گزنده. «سبقت کلماتنا لعبادنا المرسلین»؛ این یک قانونی است که در آفرینش مسجل شده است و تغییرپذیر نیست. دنباله‌ی آیه بیان میکند که این عاقبت چگونه عاقبتی است: «اتم لهم المنصورون. وانّ جندنا لهم الغالبون»؛ آن قانون این است که در نهایت، پیامبران پیروز خواهند شد؛ این سلسله‌ای که در تاریخ، همه‌ی ما به نام سلسله‌ی نبوتها می‌شناسیم - و آدمهای کوتاه‌فکر خیال میکنند که نبی، رسولان و انبیای الهی در دنیا ناکام شده‌اند - پیوسته و قدم به قدم رو به تکامل بوده است و همین سلسله است که بالاخره به پیروزی کامل خواهد رسید. «وانّ جندنا لهم الغالبون»؛ سپاهیان ما، جنود ما، جنود الله هستند که غلبه خواهند کرد بر نیروهای مخالف و مخاصم با خودشان.^۲

۱. سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۳۴

۲. بیانات به مناسبت نیمه‌ی شعبان ۱۳۶۰/۳/۲۷

«بقیة الله» عنوان بسیار مهم و خوبی است؛ یعنی آن چیزی که خدا برای شما نگه داشته. اصل این کلمه در قرآن در مورد اصحاب شعیب است و مسئله‌ی خرید و فروش و اینکه شما از مردم زیادی نگیرید، زیاد نخواهید، ظلم نکنید؛ «بقیة الله خیر لکم ان کتم مؤمنین»؛ همان که خدا برای شما قرار داده، برای شما بهتر است از آنچه شما خیال میکنید با زرنگی خودتان، با تلاش خودتان بخواهید آن را به دست بیاورید؛ این کلمه آنجا به کار رفته است؛ لکن «بقیة الله» یک کلمه‌ی عام است؛ «بقیة الله» یعنی آن چیزی که خدای متعال برای شما حفظ کرده، نگه داشته، ذخیره کرده؛ این ذخیره‌ای برای بشریت و ذخیره‌ای برای تاریخ است. اگر این ذخیره وجود نداشت، همه‌ی زحماتی که از اوّل تولّد بشر در این عالم کشیده شده بود، بر باد میرفت، به هدر میرفت. انبیا، اولیا، مجاهدتها، شهیدان، خونهای بناحق ریخته شده، همه‌ی آنچه تا زمان ظهور آن بزرگوار اتفاق افتاده است، مقدّمه است.^۲

کتاب
تفسیر
سوره
توبه

سنت الهی فرج بعد از سختی

اساساً حرکت انسان در این دنیا به معنای عبور کردن از دشواری‌ها و سختی‌ها و مبارزه کردن با مانعها است؛ اما مهم این نیست که انسان سختی دارد یا ندارد، مهم این است که آیا بعد از این سختی چیست؟ تحمّل سختی را که انسان کرد بعدش چیست؟ بعدش آسایش و گشایش است. بعد از مبارزه پیروزی است؛ بعد از تحمّل سختی‌های انتخاب شده، فرج و گشایش است؛ این است و یکی از اصول اصلی تفکر اسلامی انتظار فرج است؛ یعنی مردم همیشه موظّفند منتظر فرج باشند؛ یعنی بدانند که یک پایان خوبی برای سختی‌ها وجود دارد.^۳

۱. سوره‌ی هود، بخشی از آیه‌ی ۸۶

۲. در دیدار کارکنان دفتر مقام معظم رهبری و خانواده‌های آنان ۱۳۹۶/۲/۲۱

۳. تفسیر سوره‌ی طلاق، ۱۳۶۳/۱۲/۱۷

تواتر

همه‌ی مسلمین مسئله‌ی مهدی (علیه‌الصلاة والسلام) را نقل کرده‌اند و به آن معتقدند. اینکه بشریت را از ظلم و جوری که بر آن حاکم است، دست با اقتدار بازمانده‌ی خاندان نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و بقیه‌ی اولیاءالله در زمین، باید نجات بدهد، مورد اتفاق است.^۱

همه‌ی مسلمانان، حقیقت مهدی موعود را از طریق روایات خدشه‌ناپذیری که از نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اولیای دین رسیده است، قبول دارند؛ اما این حقیقت در هیچ جای جهان اسلام، مثل محیط زندگی ملت عزیز ما و شیعیان، این برجستگی و این چهره‌ی درخشان و این روح پرتپش و پرامید را ندارد؛ این به خاطر آن است که ما به برکت روایات متواتره‌ی خودمان، شخص مهدی موعود را با خصوصیاتش می‌شناسیم.^۲

درباره‌ی حضرت مهدی (علیه‌الصلاة والسلام) و ارواحنا فداه) اگرچه که خیلی کار شده است و کتابهایی نوشته شده است اما به نظر بنده هنوز خیلی کارهای خوب و بزرگی میشود انجام داد. شما میدانید که مسئله‌ی مهدویت در اسلام، جزو واضحات است؛ یعنی کمتر کسی را بنده، یعنی من نمی‌شناسم، الان یادم نمی‌آید کسی از بزرگان و محققین و علمای اسلام، از شیعه و سنی، مسئله‌ی مهدی را منکر شده باشد؛ اصلاً - جز اینکه در بعضی از کتابها چون طعن میکنند به مخالفین، آدم میفهمد که این مخالف هم دارد - یعنی جزو واضحات اسلام است. این قدر از پیغمبر اکرم احادیث مسلم و قطعی وجود دارد که جای بحث نیست. حتی من اخیراً یک کتابی دیدم که در عربستان منتشر شده است - بعضی از همین علمای سلفی، وهابی

۱. در دیدار میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت (ع) در روز نهمه‌ی شعبان ۱۳۷۲/۱۱/۸

۲. در دیدار اقامت‌مختلف مردم قم در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج) ۷۰/۱۱/۳۰

نوشته‌اند - که طعن شدیدی کرده‌اند بر کسانی که منکر مهدی هستند؛ و روایات مهدی را نقل کرده‌اند از پیغمبر و از بزرگان صحابه و مانند اینها و طعن کرده‌اند بر مخالفین این قضیه. بنابراین قضیه‌ی مهدویت فی‌نفسه یک امر خیلی واضح و روشن و بی‌اشکالی است. آنچه مهم است - که اگر آن هم دنبال بشود و به زبان روشنی نوشته بشود، وضوحش به همان اندازه است - تعیین شخص مهدی است که این هم همین جور است؛ یعنی واقعاً اگر کسی روایات را نگاه بکند - بخصوص روایاتی که از طریق شیعه آمده است و همچنین بعضی از روایاتی که از طریق غیر شیعه رسیده است - جای شک باقی نمی‌ماند که شخص مهدی، همان شخصی است که ما می‌شناسیم. توجه کردید؟ یعنی اینکه در بعضی از زیارات حضرت هم گفته است که «شهادت میدهم که تویی امام مهدی»، این اشاره به همین است که اصل قضیه‌ی مهدویت معلوم است.^۱

اعتقاد به مهدی موعود، یعنی اینکه در آخرالزمان از خاندان پیغمبر، شخصی ظهور میکند که دنیا را پر میکند از عدل، از دادگستری، از نیکی، تبعیضها را از بین میبرد، ظلمها را از بین میبرد، سوءاستفاده‌ها را از بین میبرد، فاصله‌های طبقاتی را از بین میبرد، این عقیده مخصوص شیعه نیست و همه‌ی مسلمانها هم به آن معتقدند. در خصوصیات و جزئیاتش البته بعضی فرق حرفهای دیگری دارند، اما اصل اینکه چنین دورانی پیش خواهد آمد و یک نفر از خاندان پیغمبر چنین حرکت عظیم الهی را انجام خواهد داد و «یلا الله به الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً»^۲، متواتر است بین مسلمانها، همه این را قبول دارند.^۳

۱. در دیدار دست‌اندرکاران برگزار می‌شود سمینار مهدویت ۳/۱۰/۱۳۷۵

۲. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۱۶

۳. در دیدار افشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۲۵/۹/۱۳۷۶

این مسئله‌ی بزرگ - مسئله‌ی مهدویت - جزو مسائل اساسی است در اسلام، مخصوص شیعه نیست. همه‌ی فرق اسلامی معتقدند که مهدی (علیه‌السلام) از نسل طیب و طاهر پیغمبر، عالم را مملوّ از عدل و داد خواهد کرد و برای اقامه‌ی دین خدا و حقّ الهی قیام خواهد کرد. غیر مسلمانها هم به نحوی معتقد به یک آینده‌ی مطلوب و درخشانی برای بشریت هستند که با همین مسئله‌ی مهدویت تطبیق میکنند.^۱

البته اعتقاد به ظهور مهدی در دورانی از تاریخ، مخصوص شیعه نیست؛ همه‌ی مسلمانان، اعمّ از شیعه و سنی به این معنا معتقدند؛ بلکه غیر مسلمانان هم به یک صورت معتقدند؛ منتها امتیاز شیعه در این است که این شخصیت نجات‌بخش بشریت را با نام و نشان و خصوصیات می‌شناسد و معتقد است او همواره برای دریافت دستور الهی، حاضر و آماده است. هروقت پروردگار عالم به او دستور دهد، او آماده‌ی شروع آن کار عظیمی است که بنا است بشریت و تاریخ را متحوّل کند.^۲

فقط مردم شیعه نیستند که منتظر مهدی موعود (سلام‌الله‌علیه) هستند، بلکه انتظار منجی و مهدی، متعلّق به همه‌ی مسلمانها است. فرق شیعه با دیگران این است که شیعیان آن منجی را با نام و نشان، با خصوصیات گوناگون می‌شناسند؛ اما دیگر مسلمانان که به منجی هم معتقدند، منجی را نمی‌شناسند؛ تفاوت، اینجا است؛ وّالاّ اصل مهدویت مورد اتفاق همه‌ی مسلمانها است. ادیان دیگر هم در اعتقادات خودشان، انتظار منجی را در نهایت زمانه دارند؛ آنها هم در یک بخش از قضیه، مطلب را درست فهمیده‌اند؛ اما در بخش اصلی قضیه که معرفت به شخص منجی است،

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۷/۹/۱۴

۲. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان در مصالّی تهران ۱۳۸۱/۷/۳۰

دچار نقص معرفتند. شیعه با خبر مسلم و قطعی خود، منجی را با نام، با نشان، با خصوصیات، با تاریخ تولد، می شناسد.^۱

اصل امید به یک آینده‌ی روشن برای بشریت و ظهور یک موعود، یک منجی، یک دست عدالت گستر در سرتاسر جهان، تقریباً مورد اتفاق همه‌ی ادیانی است که در عالم سراغ داریم. غیر از حالا دین اسلام و مسیحیت و یهودیت، حتی ادیان هند، بودایی و ادیانی که نامی از آنها هم در ذهن اکثر مردم دنیا نیست، در تعلیمات خود یک چنین آینده‌ای را بشارت داده‌اند. این در واقع امید بخشیدن به همه‌ی انسانها در طول تاریخ است و پاسخگویی به نیاز انسانها به این امید که حقیقتی هم با آن بیان شده است.^۲

در همه‌ی ادیان الهی هم تقریباً - حالا تا آنجایی که ما اطلاع داریم - یک چیزی که لب و معنای حقیقی آن همان مهدویت است، وجود دارد. منتها به شکلهای تحریف شده، به شکلهای مبهم، بدون اینکه درست روشن باشد که چه میخواهند بگویند.^۳

اگر مهدویت نباشد، معنایش این است که همه‌ی تلاش انبیا، همه‌ی این دعوتها، این بعثتها، این زحمات طاقت فرسا، اینها همه‌اش بی فایده باشد، بی اثر بماند.^۴

مهدویت در اسلام هم جزو مسلمات است؛ یعنی مخصوص شیعه

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نهمه‌ی شعبان ۱۳۸۴/۶/۲۹

۲. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نهمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۵/۲۷

۳. در دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰/۴/۱۸

۴. همان

نیست. همه‌ی مذاهب اسلامی غایت جهان را که اقامه‌ی حکومت حق و عدل به وسیله‌ی مهدی (علیه‌الصلاة والسلام و عجل‌الله فرجه) است، قبول دارند. روایات معتبر از طرق مختلف، در مذاهب گوناگون، از پیغمبر اکرم و از بزرگان نقل شده است. بنابراین، هیچ تردیدی در آن نیست. امتیاز شیعه در این است که مسئله‌ی مهدویت در آن یک مسئله‌ی مبهم نیست؛ یک مسئله‌ی پیچیده‌ای که برای بشر قابل فهم نباشد نیست؛ یک مسئله‌ی روشن است، مصداق واضحی دارد، این مصداق را می‌شناسیم؛ خصوصیت‌های او را میدانیم، پدران او را می‌شناسیم، خانواده‌ی او را می‌شناسیم، ولادت او را می‌شناسیم، جزئیات آن را خبر داریم. در این معرّفی هم باز روایات شیعه، تنهایی در صحنه نیستند؛ حتی روایاتی از غیر طریق شیعه هم وجود دارد که همین معرّفی را برای ما روشن میکند. کسانی که مال مذاهب دیگر هستند باید توجه کنند، دقت کنند تا این حقیقت روشن را دریابند.^۱

آنهایی هم که از مذاهب دیگر این عقیده را قبول ندارند، هیچ وقت نتوانستند دلیلی که عقل‌پسند باشد بر ردّ این فکر و این واقعیت، اقامه کنند. همه‌ی ادله‌ی روشن و راسخ که بسیاری از اهل سنت هم آن را تصدیق کرده‌اند، به طور قطع و یقین از وجود این انسان والا، این حجت خدا، این حقیقت روشن و تابناک - با همین خصوصیت‌هایی که من و شما می‌شناسیم - حکایت میکند و شما در بسیاری از منابع غیر شیعه هم این را مشاهده میکنید.^۲

آن کسانی از اهل سنت یا حتی از علمای غیر مسلمان که به عقاید شیعه در باب مهدویت توجه کردند و از آن اطلاع پیدا کردند، تصدیق کردند که

۱. در دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت ۱۳۹۰/۴/۱۸

۲. در دیدار اقسامر مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۵/۲۷

بشارتهایی که در تورات و انجیل و ادیان دیگر هست، همه منطبق با همین مهدویت است که در شیعه وجود دارد. این را اعتراف میکنند.^۱

فرق شیعه با دیگران این است که شیعیان آن منجی را با نام و نشان، با خصوصیات گوناگون می‌شناسند؛ اما دیگر مسلمانان که به منجی هم معتقدند، منجی را نمی‌شناسند؛ تفاوت، اینجاست؛ و الا اصل مهدویت مورد اتفاق همه‌ی مسلمانها است. ادیان دیگر هم در اعتقادات خودشان، انتظار منجی را در نهایت زمانه دارند؛ آن‌ها هم در یک بخش از قضیه، مطلب را درست فهمیده‌اند؛ اما در بخش اصلی قضیه که معرفت به شخص منجی است، دچار نقص معرفتند.^۲

امام زمان (سلام الله علیه)، رمز عدالت و مظهر قسط الهی در روی زمین است. به همین جهت است که همه‌ی بشریت، به شکلی انتظار ظهور آن حضرت را میکشند. البته مسلمانان به صورت مشخص، این انتظار بزرگ را معلوم و تحدید کردند و شیعیان نسبت به شخصی که این لباس بر قامت او دوخته شده است، آگاهی‌های روشن و مشخص‌کننده‌ای هم دارند.^۳

مسئله‌ی مهدی موعود مخصوص ما نیست؛ این اعتقاد همه‌ی مسلمانها است. تمام فرقه‌های اسلامی اعتقاد دارند که در آینده‌ی تاریخ اسلام، یک منجی، یک فرشته‌ی نجات، یک دست و پنجه‌ی نیرومند انتقام‌گیری خواهد آمد و اولاً کآخهای ستم را در سطح جهان، نه در یک نقطه، ویران خواهد کرد و بعد برای انسانیت مظلوم تشنه‌ی عدالت، آن

۱. در دیدار اقبال مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۵/۲۷

۲. در دیدار اقبال مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۴/۰۶/۲۹

۳. در دیدار مهمانان خارجی دهه‌ی فجر و قشربهای مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان

دنیایی را که قرنهای متمادی بشر منتظر آن بوده و این همه رنج و زحمت را برای آن کشیده بنا خواهد کرد. این را همه ی مسلمانها معتقدند؛ بلکه اگر با یک دید نگاه کنیم، مخصوص مسلمانها هم نیست؛ همه ی صاحبان ادیان الهی اعتقاد دارند که یک نجات بخشی خواهد آمد. همان عنصری که مسلمانها به او مهدی موعود میگویند، در اصطلاح مسیحیان، در اصطلاح یهودیان، در اصطلاح بوداییها، در اصطلاح ادیان قدیمی هند، در اصطلاح زرتشتیان، و در اصطلاح ادیان شناخته شده ی دیگر، یک نام دیگر و عنوان دیگری دارد. همه قبول دارند که پایان جهان یک پایان عدالت آمیز است؛ منتها یک خصوصیتی در اعتقاد شیعیان وجود دارد؛ آن خصوصیت این است که ما آن منجی را با نام، با نشان، با خصوصیات پدر و مادر و اجداد و دیگر خصوصیات می شناسیم؛ علاوه بر این معتقد هستیم که این شخصیت الهی و این برگزیده ی خدا فرنها پیش متولد شده و هم اکنون حی و حاضر در همین دنیایی که ما در آن زندگی میکنیم، زندگی میکند. این اعتقاد ما است.^۱

نه فقط شیعه در همه ی عالم، بلکه همه ی مسلمانان در انتظار مهدی موعودند.^۲

مهدویت در همه ی مذاهب اسلامی و در همه ی بیشتر ادیان الهی مطرح است؛ مخصوص ما نیست؛ یهود هم منتظرند، نصاری هم منتظرند، بسیاری از ادیان معروف دنیا هم منتظرند؛ منتظر یک موعود. روایات فراوان و متعددی در باب مهدی و انتظار مهدی وجود دارد.^۳

۱. در اجتماع مردم قم ۱۳۶۳/۲/۲۷

۲. در دیدار جمعی از بسیجیان به مناسبت میلاد امام زمان (عج) ۱۳۷۸/۹/۳

۳. در دیدار کارکنان دفتر مقام معظم رهبری و خانواده های آنان ۱۳۹۲/۴/۲

آنچه مهم است این است که اعتقاد به امام زمان یک بخشی از جهان بینی ادیان است؛ یعنی ادیان الهی همچنان که در جهان بینی عمومی خودشان نسبت به عالم، آدم، منشأ آفرینش و منتهای سیر حیات بشر - یعنی درباره‌ی مبدأ و معاد - نظر میدهند، یکی از بخشهای این جهان بینی، این مجموعه‌ی عظیمی که زیربنای همه‌ی افکار و تأملات و احکام و قوانین و مقررات ادیان است، عبارت است از مسئله‌ی نهایت سیر کاروان بشر در این دنیا. مسئله‌ی آن دنیا و آن نشئه، مسئله‌ی دیگری است؛ مسئله‌ی آخرت است. یک مسئله این است که بشریت دارد به کجا میرود. اگر ما جامعه‌ی بشری را در طول تاریخ به کاروانی تشبیه کنیم که دارد یک مسیری را میرود، این سؤال مطرح است که این کاروان به کجا میرود؟ مقصد این کاروان کجا است؟ منتهالیه این سیر کجا است؟ این یک سؤال جدی است؛ این باید در هر جهان بینی‌ای پاسخ داده بشود. ادیان به این پاسخ داده‌اند. پاسخهای نحله‌های فکری غیر دینی در این زمینه یکسان نیست، لکن پاسخ ادیان به این سؤال، تقریباً یکسان است؛ پاسخ مشخصی است.^۱

منجی آخر الزمان مورد اتفاق همه‌ی ادیان ابراهیمی است؛ اینکه کسی خواهد آمد و جهان را از منجلاب ظلم و جور نجات خواهد داد، در میان ادیان ابراهیمی مورد قبول همگان است. در اسلام، نام این منجی هم مشخص شده است؛ این موجود الهی را، این انسان بزرگ فوق العاده را در همه‌ی مذاهب اسلامی به نام مهدی می‌شناسند. شاید در بین فرق اسلامی هیچ فرقه‌ای را نتوان سراغ داد که معتقد نباشد که مهدی (علیه السلام) ظهور خواهد کرد و او از ذرّته‌ی پیغمبر است؛ حتی نام و کنیه‌ی آن حضرت را هم مشخص میکنند.^۲

۱. در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه‌ی دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث ۱۳۹۳/۳/۲۱

۲. در بیست و ششمین سالروز رحلت امام خمینی (ره) ۱۳۹۶/۳/۱۴

همه‌ی امیدهایی که ما به چیزی پیدا میکنیم، ممکن است بشود، ممکن است نشود؛ اما امید به اصلاح نهایی به وسیله‌ی ولیّ مطلق حضرت حق، حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه و ارواحنا فداه) امید غیر قابل تخلف است. «السّلام علیک یا وعد الله الذی ضمنه»؛ وعده‌ی تضمین شده‌ی خدا است؛ «السّلام علیک ایّها العلم المنصوب و العلم المصبوب و الغوث و الرّحمة الواسعة و عدلاً غیر مکذوب»^۱؛ این وعده‌ی تخلف ناپذیر الهی است. فقط هم ما - شیعه - نمیگوییم، فقط هم ما مسلمانها نمیگوییم، [بلکه] همه‌ی ادیان عالم منتظر یک روز آن چنانی هستند. امتیاز کار ما این است که ما طرف را می‌شناسیم، وجودش را حس میکنیم، حضورش را قبول داریم، با او حرف می‌زنیم، با او مخاطبه میکنیم، از او می‌خواهیم و او هم پاسخ میدهد به ما؛ تفاوتش این است.^۲

۱. الاحتجاج علی اهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۲، ص ۴۹۳، زیارت آل یاسین

۲. دردیدار کارگران ۱۳۹۷/۲/۱۰

فصل سوّم
شرايط فرج





کثرت ظلم و جور و آمادگی انسانهای صالح

امروز شما به اوضاع دنیا نگاه کنید، همان چیزی که در روایات مربوط به ظهور ولی عصر (ارواحنافداه) وجود دارد، امروز در دنیا حاکم است؛ پر شدن دنیا از ظلم و جور؛ امروز دنیا از ظلم و جور پر است. در روایت و ادعیه‌ی گوناگون و زیارات مختلف مربوط به ولی عصر (ارواحنافداه) دارد که «یَمْلَأُ اللَّهُ بِه الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا کَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجورًا»؛ همچنان که یک روزی همه‌ی عالم از ظلم و جور پر بوده است - در روزگاری ظلم و جور، وضع حاکم بر بشر بوده است - همان طور خدای متعال در زمان او عدل و داد را وضع حاکم بر بشریت قرار خواهد داد. امروز همین است؛ امروز ظلم و جور حاکم بر بشریت است. زندگی بشر امروز زندگی مغلوب و مقهور دست ظلم و استبداد در همه‌ی دنیا است. در همه جا این جور است. بشریت، امروز بر اثر غلبه‌ی ظلم، غلبه‌ی اغراض و هواهای نفسانی دچار مشکلات فراوانند. دو میلیارد گرسنه در دنیای امروز، وجود میلیون‌ها انسانی که در نظامهای طاغوتی مغلوب هوای نفس قدرتمندان طاغوتی هستند، حتی فشار بر مؤمنین و مجاهدین فی سبیل الله و مبارزان راه حق و ملت‌ی مثل ملت ایران که توانسته است در یک مجموعه‌ی

محدودی، در یک فضای معینی، پرچم عدل و داد را بلند بکند و فشار بر مجاهدان فی سبیل الله، همه نشانه‌ی سیطره‌ی ظلم و جور بر دنیا است.^۱

مبنای کار قدرتهای طاغوتی این است که این فروغ امید را در دلها بمیرانند... میخواهند ملتها را ناامید و مأیوس نگه دارند از آینده. اما ملتها باید امیدوار باشند. این اراده‌ی الهی است که فرمود: «ونريد ان نمنّ على الذين استضعفوا في الارض»^۲؛ این اراده‌ی تکوینی الهی است. البته باید تلاش کنند تا این آینده زود تحقّق پیدا کند. این آینده دو طرف دارد؛ یک طرفش کثرت ظلم و جور است که خب این در دنیا هست. شاید بشود ادعا کرد این حرف را؛ بنده گمان میکنم بشود این حرف را گفت که در هیچ دوره‌ای از دوره‌های تاریخ، ظلم و طغیان و فساد از طرف مراکز قدرت استکباری در سطح جهان به شدت و خشونت و فراگیری امروز نبوده است. استبدادها بوده‌اند، دستگاه‌های فاسد بوده‌اند [اما] قدرتشان محدود بوده است. ظلمی که این قدرت جهنمی با پول و تبلیغات و انواع و اقسام راه‌های کشاندن به فساد و با دورویی و تزویر و ریاکاری و نفاق، تحت شعارهای ظاهر فریب، مثل حقوق بشر، مثل حقوق زن، مثل حقوق اساسی ملتها و از این قبیل امروز بر ملتها تحمیل میکند، شاید در طول تاریخ یک چنین چیزی وجود نداشته است. اما یک طرف دیگر قضیه این است که فقط وجود ظلم و جور، شرط کافی نیست برای اینکه آن آینده‌ی حتمی تحقّق پیدا کند. وجود انسانهای صالح، وجود انگیزه‌های قوی، ایمانهای راسخ، گامهای استوار و دل‌های روشن هم لازم است. تا قبل از پیروزی انقلاب احتمال [و امید به ظهور ولی عصر (ارواحنا فداه)] خیلی کم بود، چون این [تعداد انسان صالح] کم بود [اما]

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نهمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۵/۲۷

۲. سوره‌ی قصص، بخشی از آیه‌ی ۵، ترجمه: «و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منت نهیم.»

بحمدالله پیروزی انقلاب این امید را هم در دلها زنده کرده است. امروز این مقدار جوان مؤمن، صالح، خوش‌روحیه، فداکار، چشم‌بسته‌ی از لذایذ حیوانی، چشم‌گشوده‌ی به لذایذ معنوی، دل‌بسته‌ی به معنویات و عروج روحی، دل‌کنده‌ی از لذت‌های پست مادی و جسمانی، با این خصوصیات که امروز در کشور صاحب‌الزمان و کشور اسلام بحمدالله وجود دارد، در هیچ دوره‌ای این اندازه وجود نداشته است.

در خطاب به آن بزرگوار گاهی دل بی‌اختیار می‌گوید: ای سید و سرور ما، ای مولای ما! این همه جوان مؤمن، این همه دل‌های متوسل و متضرع که در این دوران به شما متوجه‌اند، در طول این ۱۱۰۰ سال، ۱۲۰۰ سال، این تعداد دل‌های مؤمن و پاک و خالص، متوجه به شما نبوده‌اند؛ در هیچ دوره‌ای، در هیچ عصری. اینها شایسته‌ی تلطف از جانب شما هستند، اینها شایسته‌ی عنایتند، شایسته‌ی فیضند؛ و بلاشک مشمول این فیض هم خواهند بود.^۱

امروز، هم بشریت بیش از بسیاری از دورانهای تاریخ، دچار ظلم و جور است، هم پیشرفتی که امروز بشریت کرده است، معرفت پیشرفته‌تر است. ما به زمان ظهور امام زمان (ارواح‌نفاذ)، این محبوب حقیقی انسانها نزدیک شده‌ایم؛ زیرا معرفتها پیشرفت کرده است. امروز ذهنیت بشر، آماده‌ی آن است که بفهمد، بداند و یقین کند که انسان والایی خواهد آمد و بشریت را از زیر بارهای ظلم و ستم نجات خواهد داد.^۲

یک روزی شعار توحید، شعار معنویت، شعار دین‌داری، در دنیا منسوخ شده بود؛ سعی کرده بودند آن را به‌طور کلی به دست فراموشی سپارند؛ امروز در این منطقه‌ی عالم، این شعارها، شعارهای رسمی حکومت است؛

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۵/۱۰/۶

۲. در دیدار جمعی از بسیجیان به مناسبت میلاد امام زمان (عج) ۱۳۷۸/۹/۳

شعارهای رسمی اداره‌ی کشور و آحاد ملت است؛ علاوه‌ی بر این، این شعارها آرزوی ملتهای مسلمان در بسیاری از کشورهای دنیا است و این شعارها یک روز تحقق پیدا خواهد کرد. این زمینه‌ها وقتی آماده شد، آن وقتی که معلوم شد در مقابل قدرتهای مادی مستکبران عالم، زمین‌هی این وجود دارد که انسان، آحاد بشر بتوانند بر روی حرف حق خود بایستند، آن روز، روز ظهور امام زمان است؛ آن روز، روزی است که منجی عالم بشریت به فضل پروردگار ظهور کند و پیام او همه‌ی دل‌های مستعد را که در همه‌ی جای جهان هستند، به خود جذب کند و آن وقت دیگر قدرتهای ستمگر، قدرتهای زورگو، قدرتهای مٓکی به زر و زور نتوانند حقیقت را - آن‌چنان‌که قبل از او همیشه کرده‌اند - با فشار زر و زور خود به عقب بنشانند یا مکتوم نگه دارند. شما مردم عزیز، بخصوص شما جوانها، هرچه در صلاح خود، در معرفت و اخلاق و رفتار و کسب صلاحیتها در وجود خودتان بیشتر تلاش کنید، این آینده را نزدیک‌تر خواهید کرد؛ اینها دست خود ما است؛ اگر ما خودمان را به صلاح نزدیک کنیم، آن روز نزدیک خواهد شد؛ همچنان‌که شهدای ما با فدا کردن جان خودشان آن روز را نزدیک کردند؛ آن نسلی که برای انقلاب آن فداکاری‌ها را کردند، با فداکاری‌های خودشان آن آینده را نزدیک‌تر کردند. هرچه ما کار خیر و تلاش برای اصلاح درونی خود و اصلاح جامعه انجام بدهیم، آن عاقبت را مدام نزدیک‌تر می‌کنیم.^۱

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۹/۸/۲۲

فصل چهارم
کارکرد انتظار فرج



عقیده‌ی به امام زمان و اعتقاد به اینکه یک روزی دست قدرتمند الهی این دنیای فرورفته در منجلاب ظلم و فساد را به اوج اعتلاء انسانی خواهد رساند و بشر را از ظلم و استضعاف نجات خواهد داد و بساط استکبار و ظلم را در دنیا برخواهد چید و حاکمیت بر بشر به ملاک زور و زور نخواهد بود، اعتقاد به این مسئله در زندگی انسان معتقد دارای آثار ارزنده‌ای است.^۱

انتظار فرج کلیدواژه‌ی فهم دین

مسئله‌ی انتظار هم که جزء لاینفک مسئله‌ی مهدویت است، از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است.^۲

امیدبخشی و نیروبخشی برای موفقیت‌های مادی و معنوی

آیا دنیا بنا است همیشه همین جور بماند؟ اگر جواب به این سؤال «آری» باشد، یا لاقلاً تردید در جواب به این سؤال وجود داشته باشد، پس ملت‌های

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم قم به مناسبت نیمه‌ی شعبان ۱۳۶۶/۱/۲۴

۲. در دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت ۱۳۹۰/۴/۱۸

محروم و مظلوم، دیگر به چه امیدی قیام کنند؟ به چه امیدی مبارزه کنند؟ به چه امیدی زندگی کنند و نفس بکشند؟ وقتی که روزه روز قدرتمندان عالم بنا است قوی تر بشوند و ملتها ضعیف تر بشوند، چه امیدی برای ملتهای جنوب آفریقا یا سرتاسر آن قاره‌ی محروم یا بقیه‌ی نقاط عالم است؟ اگر ما مسئله‌ی پایان خوش فرجام عادلانه‌ی تاریخ را از زندگی بشر حذف کنیم، دنیا در یک ظلمات یأس فرو خواهد رفت. بشر با امید حرکت میکند و مبارزه میکند. ما به یک آینده‌ی روشن مشخصی برای این دنیا اعتقاد داریم و این اعتقاد، یک فرض و یک خیال نیست، قطعی است، یقینی است و آن چنان چیزی در پیش است و ممکن است و ما نمونه‌های آن آینده‌ی بزرگ را و اثرات معجزآسای حرکت الهی ولی معصوم خدا را در زندگی خودمان هم مشاهده میکنیم. پس مسئله‌ی جامعه‌ی آینده‌ی بشریت، یا جامعه‌ی ایدئال اسلامی در مسئله‌ی انتظار و مهدویت و موضوع اعتقاد به امام زمان، یک عنصر اصلی است که امید انسانها را زنده نگه میدارد.^۱

انتظار، یکی از پربرکت‌ترین حالات انسان است؛ آن هم در انتظار دنیایی روشن از نور عدل و داد. «یلا الله به الارض قسطاً و عدلاً»^۲. خدای متعال به دست او، سرزمین بشری و همه‌ی روی زمین را از عدالت و دادگستری پر خواهد کرد. انتظار چنین روزی را باید داشت. نباید اجازه داد که تصرف شیطانها و ظلم و عدوان طواغیت عالم، شعله‌ی امید را در دل خاموش کند. باید انتظار کشید.^۳

برادران عزیز! مسئله‌ی مهدویت هم مسئله‌ی مهمی است، مسئله‌ی اساسی‌ای است... اگر این کار با موفقیت انجام بگیرد و این عشق و محبت

۱. در دیدار اقاشار مختلف مردم قم به مناسبت نیمه‌ی شعبان ۱۳۶۶/۱/۲۴

۲. بحار الانوار (ط بیروت)، ج ۳۸، ص ۱۲۶

۳. در دیدار مسئولان و اقاشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۱۲/۲۲

و سوزوگدازی را که به طور طبیعی مردم ما نسبت به حضرت دارند، با یک نگاه عالمانه و آگاهانه بتوانید در سطح عموم مردم، بخصوص جوانها ان شاء الله همراه کنید، برکات این کار لاتعدّ و لاتحصی است. نفّس وجود این پشتوانه‌ی عظیم، هر انسانی را آن چنان مستحکم میکند که در همه‌ی میدانهای دشوار میتواند وارد بشود. اساس قضایای دنیا هم همین است؛ هر جایی که شما می‌بینید یک ملّتی، یک جمعیتی، یک جبهه‌ای پیروز شدند، اساسش همان استحکام درونی است. ظواهر، جسم، سلاح، همه ابزار و وسیله‌اند [ولی] آن کسی که باید این ابزار را به کاربرد، کیست؟ یک انسان با اراده، مصمّم، آگاه، باروحيّه. هر جا هم که ملّتها شکست خوردند به خاطر ضعف همین بخش از قضیه است. لذا قدرتمندان دنیا از قدیم رسمشان بوده - الان هم می‌بینید این عربده‌کشی‌های آمریکا را - که جوری قضایا را تصویر میکنند که این ملّتهای منطقه‌ی خاورمیانه تصوّر کنند که دیگر هیچ چاره‌ای نیست:

غیر تسلیم و رضا کو چاره‌ای در کف شیر نر خون خواره‌ای^۱

یعنی او دلش میخواهد این جوری تصوّر بشود که بالاخره این یک شیر نری است، غافل از اینکه قضیه این جوری نیست، مسئله این نیست. اینها اگر چنانچه دندانشان و پنجه‌شان و یال و کوپالشان حقیقی بود و واقعی بود، این همه لازم نبود خرج کنند، این همه لازم نبود سیاست‌کاری به خرج بدهند، دغل بازی کنند، فریب بدهند؛ پیدا است که نمیتوانند آن اهدافی را که خودشان میخواهند دنبال کنند؛ [پس] یا باید به خیانت طرف متّکی بشوند، مثل اینکه در عراق بالاخره معلوم شد که سران رژیم عراق خیانت کردند یا باید به عدم همراهی و همکاری مردم و صاحبان ایمان متّکی بشوند که در عراق هم همین جور اتفاق افتاد، در افغانستان هم همین جور بود. اینکه آمریکایی‌ها آمدند و نه چندان دشوار توانستند یک فتح نظامی

۱. مولوی. مثنوی معنوی، دفتر ششم، بخش ۱۶

بکنند، برای خاطر این بود که از این ایمانها و از این دل‌های محکم و از این روحیه‌های پولادین در مقابلشان نبود؛ و الا آنجایی که در مقابلشان باشد، این خبرها نیست. این اعتقاد، درون انسان را این جور میسازد، فرد فرد را این جور مسلح و مجهز میکند در این بخش از قضیه؛ [یعنی] در بخش درونی که بخش اهم است.

آن وقت در هدف‌گیری و نشانه گرفتن برای دورخیزهای تاریخی، باز این مسئله‌ی مهدویت نقش دارد. فرق است بین آن ملّتی که برای خودش آینده‌ای نمی‌بیند و فکر میکند بالاخره یک موج فساد دنیا را روزه‌روز بیشتر دارد می‌گیرد و ما هم چهار صباح محض تکلیف یک مقاومتی هم می‌کنیم اما آخرش چه، با آن ملّتی که میداند که این مقاومت ایجاد یک گام بلند به سمت آن آینده‌ای است که خدای متعال وعده کرده که برای بشریت پیش می‌آید، آن هم نه یک وعده‌ی مبهم [بلکه] یک وعده‌ی روشن؛ رهبران ماجرا هم مشخص است کیست و او حی و حاضر و زنده است و او متصل به ملاً اعلی است و دل او متصل به غیب است. این ملّتی که به یک چنین چیزی اعتقاد دارد، ببینید برای چه اهدافی این ملت دورخیز میکند، چطور هم‌تش بالا می‌رود. این عقیده، یک چنین عقیده‌ای است؛ این شوخی نیست! این عقیده عقیده‌ی بسیار مهمی است کما اینکه خدای متعال هم که این واقعیت را ایجاد کرده، که با همین تدبیر انسانها بتوانند با همت و اراده‌ی خودشان و با این پشت‌گرمی محکم، راه‌ها را طی کنند تا اینکه ان شاء الله آن بزرگوار بیایند و دنیا شروع بشود.^۱

نفس انتظار و امید، به انسان جرئت اقدام و حرکت و نیرو میبخشد.^۲

باید منتظر بود؛ این نگاه ادیان به پایان راه کاروان بشری، نگاه بسیار

۱. در دیدار اعضای بنیاد فرهنگی امام زمان (عج) ۱۳۸۲/۲/۲۰

۲. در دیدار اعضای مجمع عمومی کنفرانس جهانی اهل بیت (ع) ۱۳۷۲/۱۱/۸

امیدبخشی است؛ حقیقتاً روحیه‌ی انتظار و روحیه‌ی ارتباط با ولی عصر (ارواح‌فداه) و منتظر ظهور بودن و منتظر آن روز بودن، یکی از بزرگ‌ترین دریاچه‌های فرج برای جامعه‌ی اسلامی است. منتظر فرج هستیم؛ خود این انتظار، فرج است؛ خود این انتظار، دریاچه‌ی فرج است، امیدبخش است، نیروبخش است؛ از احساس بیهودگی، از احساس ضایع شدن، از نومی‌دی، از گنج و گمی نسبت به آینده جلوگیری میکند؛ امید میدهد، خط میدهد. مسئله‌ی امام زمان (سلام‌الله‌علیه) این است.^۱

انتظار یک عمل است، یک آماده‌سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه‌ی زمینه‌ها. این، در واقع تفسیر این آیات کریمه‌ی قرآنی است که «و نريد أن نمُنَّ على الدّين استضعفوا في الأرض ونجعلهم أئمةً ونجعلهم الوارثين»^۲ یا «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۳؛ یعنی هیچ‌وقت ملت‌ها و امت‌ها نباید از گشایش مایوس شوند. آن روزی که ملت ایران قیام کرد، امید پیدا کرد که قیام کرد. امروز که آن امید برآورده شده است، از آن قیام، آن نتیجه‌ی بزرگ را گرفته است و امروز هم به آینده امیدوار است و با امید و با نشاط حرکت میکند. این نور امید است که جوانان را به انگیزه و حرکت و نشاط وادار میکند و از دل مردگی و افسردگی آنها جلوگیری میکند و روح پویایی را در جامعه زنده میکند. این، نتیجه‌ی انتظار فرج است. بنابراین، هم باید منتظر فرج نهایی بود، هم باید منتظر فرج در همه‌ی مراحل زندگی فردی و اجتماعی بود.^۴

۱. در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه‌ی دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث ۱۳۹۳/۳/۲۱
۲. سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۵، ترجمه: «وخواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند مَتَّ نهم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم.»
۳. سوره‌ی اعراف، بخشی از آیه‌ی ۱۲۸، ترجمه: «زمین از آن خدا است آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد میدهد و فرجام [نیک] برای پرهیزکاران است.»
۴. در دیدار اقسام مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۴/۶/۲۹

هرچه دلها با مقوله‌ی مهدویت آشنا شود و انس پیدا کند و حضور آن بزرگوار برای ما، ما مردمی که در دوران غیبت هستیم، محسوس‌تر شود و بیشتر حس کنیم و رابطه بیشتر داشته باشیم، این برای دنیای ما و برای پیشرفت ما به سمت آن اهداف بهتر خواهد بود.^۱

رهایی از پوچی

این ظلم عظیم مسلط بر عالم، این سلطه‌های ناحق، این زورگویی به ملت‌ها در سطح جهان، این ریختن خونهای بناحق، این پایمال کردن شریف‌ترین و عزیزترین ارزشهای انسانی، این دروغها و تزویرهایی که سردمداران استکبار جهانی هر روز تحویل بشریت میدهند، این همه بدی، این همه استثمار و ظلم، انسانی را که چشمه‌ی امیدی در دل نداشته باشد، به طور طبیعی مأیوس میکند؛ لذا است که شما می‌بینید نسل جوان در کشورهای غربی، به سوی پوچی کشانده میشوند. نسل جوانی که به سنت‌ها خو نگرفته است و خود را پایبند سنت‌ها نکرده است، وقتی که این نابسامانی محیط زندگی بشریت را می‌بیند، ناامید میشود؛ لذا به سمت پوچی کشیده میشود. بسیاری از دختران و پسران در کشورهای غربی، به سمت بیهودگی و بی‌اعتنایی به مظاهر زندگی و پوچی و غرقه شدن در شهواتِ آنی کشیده میشوند؛ این بر اثر یأس است؛ بسیاری از دانشمندان و نویسندگان و سخنگویان بشریت به این حالت دچار میشوند؛ اما آن ملتی که به آینده امید دارد، میداند که روزگار ظلم و ستم و زورگویی و تجاوز و طغیان و استکبار، با همه‌ی حجم عظیمی که امروز در جهان به وجود آورده است، یک روزگار تمام‌شدنی است و دورانی خواهد رسید که قدرت قاهره‌ی حق، همه‌ی قلّه‌های فساد و ظلم را از بین خواهد برد و چشم‌انداز زندگی بشر را با نور عدالت منور خواهد کرد؛ معنای انتظار دوران امام زمان این است.^۲

۱. در دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت ۱۳۹۰/۴/۱۸

۲. در اجتماع مردم قم در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

ساخت سرنوشت بشر

[در] میدان زندگی اجتماعی و عمومی آنچه مربوط به سرنوشت بشر و ملّتها است، در این زمینه، اعتقاد به قضیّه‌ی مهدی و موضوع ظهور و فرج و انتظار، گنجینه‌ی عظیمی است که ملّتها میتوانند از آن بهره‌های فراوانی ببرند.^۱

ایستادگی و مبارزه در برابر ظلم و استکبار

انتظار، چیز عجیبی است و دارای ابعاد گوناگونی میباشد. یکی از ابعاد انتظار، اعتماد و امیدواری به آینده و مایوس نبودن است. همین روح انتظار است که به انسان تعلیم میدهد تا در راه خیر و صلاح مبارزه کند.^۲

امام زمان (سلام الله علیه)، رمز عدالت و مظهر قسط الهی در روی زمین است. به همین جهت است که همه‌ی بشریت، به شکلی انتظار ظهور آن حضرت را می‌کشند. البتّه مسلمانان به صورت مشخص، این انتظار بزرگ را معلوم و تحدید کردند و شیعیان نسبت به شخصی که این لباس بر قامت او دوخته شده است، آگاهی‌های روشن و مشخص‌کننده‌ای هم دارند. لذاست که موضوع امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با این دید، نه مخصوص شیعه و نه حتی مخصوص مسلمین است؛ بلکه انتظاری در دل همه‌ی قشرهای بشر و ملّتهای عالم است. امیدی است در دل بنی آدم؛ که تاریخ بشریت به سمت صلاح حرکت میکند. این امید، به بازوان قوّت میبخشد، به دلها نور میدهد و معلوم میکند که هر حرکت عدالت خواهانه‌ای، در جهت قانون و گردش طبیعی این عالم و تاریخ بشر است.^۳

۱. در دیدار اقصاشار مختلف مردم ۱۳۷۴/۱۰/۱۷

۲. در دیدار اقصاشار مختلف مردم در سالروز ولادت حضرت ولی عصر (عج) ۱۳۶۸/۱۲/۲۲

۳. در دیدار مهمانان خارجی دهه‌ی فجر و اقصاشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۱/۱۱/۱۸

اگر چنانچه درست توجّه کنیم، جوامع هم با حالت انتظار از آن رکودی که قدرتها و دشمنها بر اینها تحمیل میکنند، خارج میشوند.^۱

احساس ضعف برای یک ملت، خیلی احساس خطرناک و سمّ مهلکی است. یکی از برکات اعتقاد به مهدویت این است که انسان احساس اطمینان میکند؛ احساس قوّت قلب میکند؛ احساس قدرت میکند. و ملت ما بحمدالله این‌گونه است.^۲

ملّتی که دردل [او] خورشید امید به آینده، به زندگی، به لطف الهی، به مدد الهی میدرخشد، یک چنین ملّتی که تسلیم نمیشود، مرعوب نمیشود، با این حرفها از میدان خارج نمیشود. این خصوصیت اعتقاد به آن معنویت مهدوی (علیه آلاف التّحیة والثناء) است. عقیده‌ی به امام زمان، هم در باطن فرد، هم در حرکت اجتماع، هم در آینده، هم در حال، یک چنین تأثیر عظیمی دارد.^۳

گاهی اوقات دستهای قلدر و قدرتمند، ملّتهای ضعیف را به جایی میرسانند که امیدشان را از دست میدهند؛ وقتی امید را از دست دادند دیگر هیچ اقدامی نمیکند؛ میگویند چه فایده‌ای دارد؟ ما که دیگر کار از کارمان گذشته است، با چه کسی دریفتیم؟ چه اقدامی بکنیم؟ برای چه تلاش بکنیم؟ ما که دیگر نمیتوانیم!^۴

این عید^۵ مایه‌ی امید و درست نقطه‌ی مقابل آن فضای یأس‌آلودی است که استکبار میخواهد در مقابل چشم مستضعفان عالم به وجود بیاورد.

۱. دردیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۵/۱۰/۶

۲. دردیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۴/۶/۲۹

۳. دردیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۷۴/۱۰/۱۷

۴. دردیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۷۶/۹/۲۵

۵. سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)

اگر امروز شما، سیاست‌گذاران و طراحان برنامه‌های استکباری را مشاهده کنید، خواهید دید که از مهم‌ترین کارها و هدفهای آنها یکی این است که در مقابل چشم مردم، فضای یأس‌آلودی نسبت به اصلاحاتی که باید انجام بگیرد، ایجاد کنند. ملت‌ها باید از صلاح مأیوس بشوند، تا حربه‌ی استکبار کارگر بیفتد؛ و الا اگر ملت‌ها امیدوار باشند و امیدوار بمانند، حربه‌ی استکبار چندان کارگر نیست. سعی میکنند فضای تیره‌ای را در مقابل چشم‌ها ترسیم کنند؛ فضای تیره به این معنا که به ملت‌ها تفهیم کنند که نیروی ذاتی شما، فرهنگ شما، اعتقادات شما، شخصیت و هویت ملی شما، نمیتواند برای شما کاری انجام بدهد و باید قدرتهای بزرگ به شما کمک کنند تا بتوانید حرکت کنید. درست ۱۸۰ درجه مقابل این فکر، فکراتظاری است که بر محیط ما و بر محیط‌های طرف‌داران مذهب اهل‌بیت (علیهم‌السلام) حاکم است. انتظار، یعنی دل سرشار از امید بودن نسبت به پایان راه زندگی بشر. ممکن است کسانی آن دوران را نبینند و نتوانند درک کنند - فاصله هست - اما بلاشک آن دوران وجود دارد؛ لذا تبریک این عید - که عید امید و عید انتظار فرج و گشایش است - درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که دشمن میخواهد به وجود بیاورد... اگر همین اتحاد را، همین ایمان را، همین ایستادگی در میدانهای انقلاب را، همین وفاداری به خط امام عظیم‌الشأن را، همین نرسیدن از استکبار مسلط جهان خوار را ادامه بدهید، به فضل پروردگار همه‌ی هدفهای دیگر شما هم برآورده خواهد شد؛ که یکی از این هدفها نابود شدن و از هم پاشیدن پیکره‌ی استکبار جهانی است. این وعده‌ی الهی است و وعده‌ی الهی بلاشک عمل خواهد کرد؛ اگرچه بسیاری در دنیا آن را نپسندند و نخواهند. این همان چشم‌اندازی است که امید به ما میدهد و این همان امیدی است که در ماجرای انتظار فرج، آموزشهای اسلامی به ما یاد داده است.^۱

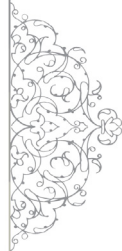
۱. در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج) ۳۰/۱۱/۱۳۷۰

ما ملت ایران باید به این معنای انتظار، بیش از گذشته تکیه کنیم؛ چون دنیای بشری، به انتظاری که ما داریم، محتاج است. این امیدی که در دل ملت ایران وجود داشت و در سایه‌ی آن توانست این کارهای بزرگ را انجام بدهد، ملتهای ضعیف و مظلوم دنیا، امروزه این امید احتیاج دارند؛ آنها هم باید این امید را پیدا کنند؛ اگر پیدا کردند و نور امید در دل ملتها تابید، کارهای دنیا اصلاح خواهد شد و مشکل ملتهای مظلوم، اگر نگوییم به صورت کامل، به صورت معتنا بهی - ولو در طول چند سال - حل خواهد شد. اما اگر این امید، در دلها نتابد و همان طوری که شیطانها خواستند مردم مأیوس باشند، ملتها مأیوس بمانند، روزبه روز وضع بدتر خواهد شد.^۱

روح امید را در خودتان زنده نگه دارید. نام مبارک حضرت مهدی (ارواحنافداه) در خطابه‌ی دانشجویان و در سخن همه‌ی کسانی که از دلِ روشنی برخوردارند، اشاره به ذخیره‌ی امید بشریت و تاریخ است. امام مهدی (علیه الصلاة والسلام و ارواحنافداه) ذخیره‌ی امید بشریت است. اگر این امید در دل انسان وجود داشته باشد، به نظر او قدرت‌نمایی صوری قدرتمندان، پوچ و حضور قدرت‌مندانه‌ی آنها در عرصه‌های بازیگری جهانی درخور استهزا خواهد آمد.^۲

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی شرکت‌کننده در سمینار تبیین حکم تاریخی حضرت امام خمینی (ره)، در سالروز میلاد امام عصر (عج) ۱۳۶۹/۱۲/۱۱
۲. در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی در دانشگاه افسری امام علی (ع) ۱۳۸۳/۱۰/۲

فصل پنجم
وظایف جامعه‌ی منتظر



تلاش برای حاکمیت اسلام

ما آن وقتی میتوانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود (ارواحنافداه) زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است. همان طور که عرض کردم، فرموده‌اند: «والله لَتَمَّحَّصَنَّ» و «والله لَتُغْرِبَنَّ»؛^۱ این تمحیص و این امتحان بزرگ که مریدان و شیعیان ولیّ عصر (ارواحنافداه) با آن مواجه هستند، همان امتحان تلاش برای حاکمیت اسلام است. برای حاکمیت اسلام باید کوشش کنید؛ ملت بزرگ ما این یک قدم را برداشتند.^۲

باید تمام قوانین ما، مقررات مملکتی، ادارات دولتی، نهادهای اجرائی، همه و همه از لحاظ ظاهر و از لحاظ محتوا اسلامی بشود و به اسلامی شدن روزه نزدیک تر بشود. این جهتی است که انتظار ولیّ عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به ما و به حرکت ما میدهد.

در دعای ندبه میخوانید که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مقابل فسوق، عدوان، طغیان، نفاق مقابله میکند و نفاق، طغیان، عصیان،

۱. الغیبة للنعمانی، ص: ۲۰۵

۲. در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج) ۳۰/۱۱/۱۳۷۰

شفاق و دودستگی را ریشه کن میکند و ازاله میکند؛ ما هم باید در جامعه مان امروز در آن جهت حرکت کنیم و پیش برویم.^۱

برقراری عدالت و مبارزه با فساد در نظام اسلامی

ما که منتظر امام زمان هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان (علیه آلاء التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ وَعَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ) تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البته، ما کوچک تر از آن هستیم که بتوانیم آن گونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت، بنا کنیم؛ اما باید در آن جهت تلاش و کار کنیم. مظهر عدل پروردگار، امام زمان (عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ الشَّرِيف) است و میدانیم که بزرگ ترین خصوصیت امام زمان (علیه الصَّلَاةِ وَالسَّلَام) - که در دعاها و زیارات و روایات آمده است - عدالت میباشد: «يَلَا اللَّهُ بِه الْاَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا». ما باید امروز جامعه را جامعه‌ی عدالت بکنیم. در بنای یک جامعه، عدالت از همه چیز مهم تر است.^۲

در نظام اسلامی که مظهر کامل آن، حکومت حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) است، فریب و حيله گری برای جلب آراء مردم، خودش جرم است؛ استفاده از قدرت برای به دست آوردن پول، یکی از بزرگ ترین جرائم است. آنجا یاران حضرت مهدی موظفند در سطوح پایین زندگی کنند. نظام اسلامی ما پرتوی کوچکی از آن حقیقت درخشان است. ما هرگز این ادعا را نکردیم و نمیکنیم؛ اما باید نشانه‌ای از او داشته باشیم.

در نظام اسلامی، مراکز قدرت و کسانی که دستگاه‌های مختلف و مدیریتهای و امضاها را در اختیار دارند، باید به جمع ثروت شخصی برای خود، به عنوان یک گناه نگاه کنند. اگر این طور شد، آنگاه دستها و دامنها

۱. در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۲۰۳

۲. در دیدار مسئولان و افشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۱۲/۲۲

پاک خواهد ماند؛ و الا اگر مسئولی که فلان تجارت خارجی و فلان مناقصه‌ی بزرگ در اختیار او است، فلان پروژه‌ی مهم و پرخرج زیرامضای او است و فلان صندوق پول زیرکلید او است، به خودش اجازه دهد برای منافع شخصی و جمع‌آوری ثروت برای خود یا نزدیکانش، از این امکان - که متعلق به کشور و مردم است - استفاده کند، همان چیزی اتفاق خواهد افتاد که در کشورهای دچار سیستمهای ظالمانه در گذشته و امروز در دنیا اتفاق افتاده است؛ یعنی ثروت در یک نقطه متمرکز خواهد شد و جمع‌کثیری دچار محرومیت و فقر خواهند گردید. این تبعیض است؛ این چیزی است که اسلام برای مبارزه با آن آمده است. ما هم که مدعی اسلام هستیم، باید با آن مبارزه کنیم.

اینکه امیرالمؤمنین (علیه السلام) میفرماید «ما رأیت نعمةً موفورةً الا و فی جانبها حقٌ مضیع»^۱ - یعنی هر جایی که شما دیدید یک ثروت انباشته‌ای به وجود آمده، بدانید در کنارش حقوق ضایع‌شده‌ی فراوانی وجود دارد - مظهر اصلی و مصداق عمده‌ی آن همین است که کارگزاران حکومت، مسئولان حکومت، با استفاده از نفوذ، با استفاده از قدرت، بتوانند راحت از امکانات عمومی استفاده کنند؛ بانکها راحت وام بدهند، مراکز گوناگون امکان استفاده‌ی از زمین، از آب، از هوا، از تجارت، از وارد کردن و صادر کردن را در اختیار آنها بگذارند، ناگهان ببینید کسانی که دستشان از مال دنیا تا اندکی پیش خالی بود، حالا ثروتهای گزاف پیدا کرده‌اند، ظاهرکار هم شکل قانونی [دارد].

من یک وقت گفتم قانون‌دان‌های قانون‌شکن، خطرناک‌تر از همه‌اند؛ کسانی که قانون را خوب بلدند، پیچ‌وخم‌ها و دالانهای تودرتوی قانون را خوب می‌شناسند اما خودشان قانون‌شکنند، بدون اینکه معلوم شود

۱. شمس‌الدین، محمدمهدی، دراسات فی نهج‌البلاغه، ص ۴۰؛ جورج جورداق، روائع نهج‌البلاغه، ص ۲۳۳. البته این سخن به‌طور مشهور به امیرالمؤمنین (ع) نسبت داده می‌شود لکن در روایات یافت نشده است؛ آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز در یکی از بیانات خود اظهار می‌دارند که سند این روایت را نیافته‌اند. (خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۶۶/۷/۲۴)

کارشان قانون شکنی است؛ اگر خدای نکرده چنین چیزی برای ملت ما رواج پیدا کند، یک فاجعه است. این آن چیزی است که برای ملت ما - اگر خدای نکرده رواج پیدا کند - یک فاجعه است؛ این آن چیزی است که با نظام اسلامی و با مسئله‌ی انتظار مهدی موعود کاملاً منافات دارد. این آن حدّی است که من از مسئولین خواسته‌ام، به مسئولین هم بارها گفته‌ام، تأکید هم کرده‌ام، باز هم می‌گویم و پای این مطلب ایستاده‌ام؛ باید با فساد در دستگاه‌های دولتی و دیگر دستگاه‌های حکومتی مبارزه بشود. متعهد این مبارزه خود مسئولینند؛ خود مسئولان قوای مختلف. برای جلوگیری از فساد در دولت، در درجه‌ی اول خود مسئولین دولتی، خود وزرا و خود مدیران ارشد مسئولند؛ باید خودشان مبارزه کنند، نگذارند در مجموعه‌های آنها فساد به وجود بیاید. آنها اگر بخواهند مبارزه کنند و اگر جدّی بگیرند این مبارزه را، بهتر از همه کس خواهند توانست مبارزه کنند. البته باید حواسشان جمع باشد، دامنهای خودشان را پاکیزه نگه دارند.^۱

کسب آمادگی‌های لازم

آمادگی معنوی - پیوند با مؤمنین - آمادگی برای مبارزه

مبانی فکری مهدویت یک مبانی بسیار مستحکم و استواری است. همه‌ی شبهاتی که مخالفین و معاندین این فکر در اذهان منتشر کرده‌اند، دارای جوابهای مستحکمی است. منتها آن چیزی که من می‌خواهم حالا عرض بکنم، این است که با وجود اینکه بعد منطقی و فکری و استدلالی این فکر، بعد بسیار بارزی است، در عین حال جنبه‌ی عاطفی و معنوی و ایمانی این عقیده‌ی شیعی هم بسیار جنبه‌ی مهمّی است. یک جنبه‌ی فردی دارد مسئله‌ی اعتقاد به مهدی و آن جنبه‌ی فردی این است که هرکسی باید سعی کند یک رابطه‌ی شخصی میان خود و میان ولی‌الله‌العظم (ارواحنا فداه)

۱. در دیدار اقبال مختلف مردم در روز نیمه شعبان، ۳۰/۷/۱۳۸۱

به وجود بیاورد. همه باید میان قلب خود و روح خود و آن وجود مقدّسی که مظهر اسماء و صفات الهی است، مظهر قدرت و علم الهی است، و عاء کامل معرفت الله است، یک ارتباطی به وجود بیاورند؛ با توجه، با توسّل، با سخن گفتن، با اظهار ارادت کردن و خود را آماده نگه دارند؛ همه باید خودشان را آماده نگه دارند. هیچ کس نمیتواند بگوید که ظهور مهدی (علیه الصّلاة والسلام) در آینده‌ی نزدیکی نیست؛ ما نمیدانیم، شاید در آینده‌ی نزدیکی بود؛ شاید در زمان حیات ما بود؛ شاید این توفیق برای مردم این نسل وجود داشت. مگر میشود با آلودگی، با ضعف نفّس، با عدم اصلاح نفّس، با آن بزرگوار رابطه برقرار کرد در دوران دولت حق و حکومت الهی او؟ باید خود را آماده کنیم؛ هرکسی باید احساس کند که وظیفه دارد خود را آماده بکند؛ این آمادگی معنوی است، روحی است، آمادگی ایمانی است. از امید و ایمان و نورانیت، سرمایه‌ی عظیمی هرکسی باید در خود ایجاد بکند تا شایسته‌ی این بشود که از نزدیکان آن حضرت، از خواصّ آن حضرت، از یاران آن بزرگوار، از همکاران او در حرکت عظیم جهانی‌اش قرار بگیرد. اگر از نزدیکان او نشدیم، اگر از پیروان او نشدیم، آن وقت شقاوتی بالاتر از این نیست؛ باید خودمان را آماده بکنیم. اینجا است که بعد تربیتی و سازندگی این فکر هم خود را نشان میدهد. کدام عاملی میتواند انسان را بسازد به این اندازه و با این قدرت؟ بنابراین این فکر، فکر مهمّی است و در محافل شیعی و معتقدین به اهل بیت و در تعالیم تشیّع - در همه جای دنیا و در همه‌ی زمانها - باید یک فصل مهمّی اختصاص پیدا کند به قضیّه‌ی مهدی.^۱

جامعه‌ای میتواند پذیرای مهدی موعود (ارواحناfade) باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و الاّ مثل انبیا و اولیای طول تاریخ میشود. چه علّتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولوالعزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدی‌ها

پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه‌ها آماده نبود. امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه الصلاة والسلام) با آن قدرت الهی، با آن علم متصل به معدن علم الهی، با آن نیروی اراده، با آن زیبایی‌ها و درخشندگی‌هایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت، با آن توصیه‌های پیغمبر اکرم درباره‌ی او، چرا در زمان خودش، در همین مدت کوتاه نتوانست ریشه‌ی بدی را بخشکاند؟ خود آن بزرگوار را از سرراه برداشتند! «قتل فی محراب عبادته لشدة عدله»^۱. تاوان عدالت امیرالمؤمنین، جان امیرالمؤمنین بود که از دست رفت! چرا؟ چون زمینه، زمینه‌ی نامساعد بود؛ زمینه را نامساعد کرده بودند؛ زمینه را زمینه‌ی دنیاطلبی کرده بودند! آن کسانی که در اواخر یا اواسط حکومت علوی مقابل امیرالمؤمنین صف‌آرایی کردند کسانی بودند که زمینه‌های دینی‌شان زمینه‌های مستحکم و ماده غلیظ متناسب دینی نبود. عدم آمادگی، این طور فاجعه به بار می‌آورد. آن وقت اگر امام زمان (علیه الصلاة والسلام) در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد. این آمادگی چگونه است؟ این، همانی است که شما نمونه‌هایی از آن را در جامعه خودتان مشاهده میکنید. امروز در ایران اسلامی چیزهایی از درخشندگی‌های معنوی وجود دارد که در هیچ جای دنیا نیست.^۲

بزرگ‌ترین وظیفه‌ی منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی، از لحاظ اخلاقی، از لحاظ عملی، از لحاظ پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین، از لحاظ آمادگی برای پنجه درافکندن با زورگویان، از این جهات، خودشان را آماده کنند. آن کسانی که در دوران دفاع مقدس، در صفوف دفاع مقدس، سرازیر نشناخته شرکت میکردند، آنها منتظران حقیقی بودند. آن کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است

۱. تعبیری از جرج جرداق در کتاب «الامام علی صوت العدالة الانسانیة»

۲. در دیدار اقاشارمختلف مردم ۱۳۷۶/۹/۲۵

آماده‌ی دفاع از ارزشها است، آماده‌ی دفاع از میهن اسلامی است، آماده‌ی دفاع از پرچم برافراشته‌ی اسلام است، او میتواند ادعا کند که اگر امام زمان هم بیاید، پشت سر امام زمان در میدانهای خطر قدم خواهد گذاشت؛ اما آن کسانی که در مقابل خطر، در مقابل انحراف، در مقابل چرب و شیرین دنیا خودشان را میبازند، زانویشان سست میشود، آن کسانی که برای مطامع شخصی خودشان حاضر نیستند هیچ حرکتی را که مطامع آنها را به خطر می‌اندازد انجام بدهند، چطور میتوانند منتظر امام زمان به حساب بیایند؟ آن کسی که در انتظار آن مصلح بزرگ است، باید در خود زمینه‌های صلاح را آماده کند، کاری کند که بتواند برای صلاح بایستد.^۱

باید خود را به عنوان یک سرباز، به عنوان انسانی که حاضر است برای آن چنان شرایطی مجاهدت کند، آماده کنیم. انتظار فرج معنایش این نیست که انسان بنشیند، دست به هیچ کاری نزند.^۲

آمادگی روحی و جسمی

آماده بودن ما هم، به معنای آماده بودن دل، آماده بودن جسم، آماده بودن عزم و اراده، آماده بودن آگاهی و بصیرت است؛ باید از همه جهت خودمان را آماده کنیم؛ اینها وظایف ما است که باید انجام بدهیم. اینکه «افضل الاعمال انتظار الفرج»^۳، اگر مراد از فرج، همین فرج ولیّ عصر (ارواحنا فداه) باشد، به این خاطر افضل الاعمال است که همه‌ی خیرات را در خودش جمع میکند. وقتی انسان منتظر و «آماده باش» بود، همه‌ی آنچه باید انجام

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۱/۷/۳۰

۲. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۵/۲۷

۳. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۰۸

بدهد، انجام میدهد. ما خیلی کار داریم، ما خیلی وظیفه داریم، خیلی کارها باید به وسیله‌ی ما انجام بگیرد. بسیاری از این کارهایی که زمین مانده است، کارهایی است که ما باید انجام بدهیم؛ هرکدام مان در جای خود، در سهم خود. از لحاظ معرفت عمومی، از لحاظ صلاح عمومی، از لحاظ رفاه عمومی، از لحاظ امنیت عمومی، از لحاظ معرفت عمومی، از جهاتی که در یک جامعه نیاز است اگر نقصی وجود دارد - که وجود دارد، همه‌ی ما داریم می‌بینیم - ما که نباید همیشه دیگران را موظف بدانیم، هرکدام از ما وظیفه‌ای داریم؛ آن وظیفه را باید بشناسیم، پیدا کنیم، خودمان را برای انجام آن وظیفه آماده کنیم، آن را آماده کنیم؛ اینها شد انتظار فرج؛ انتظار فرج این است که تلاش کنیم، کار کنیم. اگر تلاش خودمان را کردیم، ولو آن مقصودی که مورد نظر ما است، حاصل نشد، ایرادی ندارد؛ مهم این است که راه را ببیماییم، حرکت را بکنیم، [گفت:] به قدر وسع بکوشم؛ این، آن چیزی است که لازم و وظیفه‌ی همه‌ی ما است. خوب به قدر وسع کوشیدن، معرفت هم لازم دارد، آگاهی هم لازم دارد. کار زیادی، کار مضر، هدف‌گیری جایی که هدف نیست، غفلت از جایی که هدف باید باشد، اینها همه آفات راه است، بایست توجه داشته باشیم.^۲

پذیرش حق و عدل

انتظار ايجاب میکند که انسان خود را به آن شکلی، به آن صورتی، به آن هیئت و خلقی نزدیک کند که در دوران مورد انتظار، آن خلق و آن شکل و آن هیئت متوقع است. این لازمه‌ی انتظار است. وقتی بنا است در آن دوران، منتظر، عدل باشد، حق باشد، توحید باشد، اخلاص باشد، عبودیت

۱. سعیدی؛ «به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل / که گر مراد نیایم به قدر وسع بکوشم»

۲. در دیدار کارکنان دفتر مقام معظم رهبری و خانواده‌های آنان به مناسبت نیمه‌ی شعبان

خدا باشد - یک چنین دورانی قرار است باشد - ما که منتظر هستیم، باید خودمان را به این امور نزدیک کنیم، خودمان را با عدل آشنا کنیم، آماده‌ی عدل کنیم، آماده‌ی پذیرش حق کنیم.^۱

مجاهدت و مقاومت

شما جوانان عزیز که در آغاز زندگی و تلاش خود هستید، باید سعی کنید تا زمینه را برای آن چنان دورانی آماده کنید؛ دورانی که در آن، ظلم و ستم به هیچ شکلی وجود ندارد؛ دورانی که در آن، اندیشه و عقول بشر، از همیشه فعال تر و خلاق تر و آفریننده تر است؛ دورانی که ملت‌ها با یکدیگر نمی‌جنگند؛ دست‌های جنگ افروز عالم - همانهایی که جنگ‌های منطقه‌ای و جهانی را در گذشته به راه انداختند و می‌اندازند - دیگر نمیتوانند جنگی به راه بیندازند؛ در مقیاس عالم، صلح و امنیّت کامل هست؛ باید برای آن دوران تلاش کرد. قبل از دوران مهدی موعود، آسایش و راحت طلبی و عافیت نیست. در روایات، «والله لمتحصن» و «والله لثغریلن»^۲ است؛ بشدّت امتحان میشود؛ فشار داده میشود. امتحان در کجا و چه زمانی است؟ آن وقتی که میدان مجاهدتی هست. قبل از ظهور مهدی موعود، در میدانهای مجاهدت، انسانهای پاک امتحان میشوند؛ در کوره‌های آزمایش وارد میشوند و سربلند بیرون می‌آیند و جهان به دوران آرمانی و هدفی مهدی موعود (ارواحنافداه) روزه‌روز نزدیک تر میشود؛ این، آن امید بزرگ است.^۳

آنچه که برای این ملت اصل است، همان ایستادگی و مقاومت و مبارزه‌ی حقیقی است که خدای متعال را خشنود و قلب مقدّس ولیّ عصر (ارواحنافداه)

۱. در دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت ۱۳۹۰/۴/۱۸

۲. کتاب الغیبة (شیخ طوسی)، ص ۳۴۰

۳. در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

را از شما راضی و حالت انتظار آن بزرگوار را در شما تقویت میکند و روح مبارک امام را از شما شاد مینماید و دشمن را ناکام خواهد کرد.^۱

ارتباط قلبی با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

ارتباط قلبی یکایک مردم مؤمن با مقام ولایت عظمی و ولی الله اعظم، یکی از برکاتی است که از مشخص بودن مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عقیده‌ی مردم ما ناشی می‌شود. ما علاوه بر اعتقاد به اصل وجود مهدی و اینکه کسی خواهد آمد و دنیا را از عدل و داد پُر خواهد کرد، شخص مهدی را هم می‌شناسیم و نام و کنیه و پدر و مادر و تاریخ ولادت و کیفیات غیبت و اصحاب نزدیک و حتی بعضی از کیفیات هنگام ظهور او را نیز می‌دانیم. اگرچه آن شخصیت درخشان و خورشید تابان را در بیرون و محیط زندگی خود نمی‌بینیم و او را تطبیق نمی‌کنیم، اما معرفت به حال او داریم. رابطه‌ی بین شیعیانی که این اعتقاد را دارند، با مقام ولایت و مهدی موعود، یک رابطه‌ی دائمی است و چه قدر خوب و بلکه لازم است که یکایک ما، قلباً هم این رابطه را با توجه و توسل و حرف زدن با آن حضرت حفظ کنیم.

طی همین زیاراتی که وارد شده است - که بعضی مأثور^۲ است و به احتمال زیاد به خود معصوم (علیه السلام) مستند است - این رابطه‌ی قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان، یک امر مستحسن^۳، بلکه لازم و دارای آثاری است؛ امید را و انتظار را به طور دائم در دل انسان زنده نگه میدارد.^۴

۱. بیانات به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۷۵/۸/۹

۲. نقل شده از معصوم

۳. ستوده و پسندیده

۴. در دیدار مسئولان و ائمه مختلف مردم ۱۳۶۸/۱۲/۲۲

فصل ششم
آسیب‌شناسی انتظار فرج و جامعه‌ی منتظر



ضرورت پیرایه‌زدایی از مسئله‌ی انتظار فرج و مهدویت

امروز بحمدالله ملت ما توجهشان به مقوله‌ی مهدویت و وجود مقدس حضرت مهدی (سلام الله علیه) از همیشه بیشتر است. روز به روز انسان احساس میکند در دل جوانان، در میان آحاد مردم، شوق و عشق و ارادت و تذکرنسبت به وجود مقدس حضرت حجت (سلام الله علیه) بیشتر میشود. این هم از برکات خود آن بزرگوار است. نگاه آن بزرگوار، نظره‌ی رحیمه‌ی آن بزرگوار به ملت ما، دل‌های آنها را متوجه آن حقیقت تابناک کرده است. خود این، نشانه‌ی توجه آن بزرگوار است. این را باید قدر دانست. البته مثل همه‌ی حقایقی که در برهه‌های مختلفی از زمان، ملعبه‌ی دست سودجویان میشود، این حقیقت هم گاهی ملعبه‌ی دست سودجویان میشود. این کسانی که ادعاهای خلاف واقع میکنند - ادعای رؤیت، ادعای تشرف، حتی به صورت کاملاً خرافی، ادعای اقتدای به آن حضرت در نماز - که حقیقتاً ادعاهای شرم‌آوری است، اینها همان پیرایه‌های باطلی است که این حقیقت روشن را در چشم و دل انسانهای پاک نهاد ممکن است مَشُوب^۱ کند. نباید گذاشت. همه‌ی آحاد مردم توجه داشته باشند این ادعاهای اتصال و ارتباط و تشرف به حضرت و دستور گرفتن از آن بزرگوار، هیچ‌کدام قابل تصدیق نیست. بزرگان ما،

۱. آغشته و آمیخته شده

برجستگان ما، انسانهای باارزشی که یک لحظه‌ی عمر آنها ارزش دارد به روزها و ماه‌ها و سالهای عمر امثال ما، چنین ادعاهایی نکردند. ممکن است یک انسان سعادت‌مندی، چشمش، دلش این ظرفیت را پیدا کند که به نور آن جمال مبارک روشن شود، اما یک چنین کسانی اهل ادعا نیستند؛ اهل گفتن نیستند؛ اهل دگان‌داری نیستند. این کسانی که دگان‌داری میکنند به این وسیله، انسان میتواند به طور قطع و یقین بگوید اینها دروغ‌گوهستند؛ مفتری هستند. این عقیده‌ی روشن و تابناک را بایستی از این آفت اعتقادی دور نگه داشت.^۱

در موضوع مهدویت و قضایای مربوط به امام زمان - مسئله‌ی انتظار، مسئله‌ی طول عمر، مسئله‌ی دوران حکومت، مسئله‌ی وظایفی که منتظرین دارند، و مسائل گوناگونی که وجود دارد - بهترین مرجع عبارت است از حدیث و آنچه از خود ائمه (علیهم‌السلام) نقل شده، که جای تردیدی را باقی نمیگذارد و این مهم‌ترین مطلب است. همین‌طور که آقای ری شهری اشاره کردند، بنده هم به این معنا معتقدم که شواهد عقلی و اعتباری به عنوان مؤید میتوانند به کار بروند، [اما] آنچه تعیین‌کننده و قاطع است، منابع روایی و حدیثی و قرآنی است که به اینها بایستی تکیه کرد، از اینها باید استفاده کرد. البته باید تنقیح بشود؛ به حرفهای سست نباید اعتماد کرد. حرف قرص کم نداریم؛ حرفهای قوی، محکم و بنیادهای فکری مستحکم بحمدالله در این زمینه خیلی زیاد است و میتوان به اینها تکیه کرد و از اینها استفاده کرد.^۲

آسیب‌ها

تلاش برای گسترش ظلم و فساد برای تعجیل فرج!

در روایات دارد «یلا الله به الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً»؛ در

۱. در دیدار اقاشارمختلف مردم در روزنیمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۵/۲۷

۲. در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه‌ی دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث ۱۳۹۳/۳/۲۱

بسیاری از روایات همین بیان هست. یعنی خدای متعال به وسیله‌ی امام زمان دنیا را پراز عدل و داد خواهد کرد، همچنان که این دنیا پراز ظلم و جور بوده است. چه وقت دنیا پراز ظلم و جور بوده؟ در طول تاریخ از این قبیل زیاد داریم که دنیا پراز ظلم و جور بوده: آن روزی که نغمه‌ی حق طلبی در میان ملت‌ها نبوده؛ آن روزی که فرعون بود و موسی ظهور نکرده بود؛ آن روزی که نمرود بود و ابراهیم تیرت شکنی را به دست نگرفته بود؛ آن روزی که آمریکا و قدرتهای بزرگ جهانی هر کار میخواستند میکردند و از انقلاب اسلامی ما هنوز خبری نبود و امام ما قامت برای مبارزه نیاراسته بود؛ این روزها در تاریخ بشریت بسیار وجود دارد که دنیا پراز ظلم و جور بود. این حدیث است. این حدیث را با یک تغییر مختصر که من میدانم این تغییر از چه زمانی به وجود آمده و اول در کجا به وجود آمده؟ و جای تحقیق برای فضلا هست، این جوری کردند که «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجوراً»؛ «کما ملئت ظلماً وجوراً» را تبدیل کردند به «بعد ما ملئت ظلماً وجوراً» که بنده خودم تاکنون با فحص مختصری که کردم، با این تعبیر «بعد ما ملئت» هیچ جا این حدیث را نشنیدم.^۱ هر جا این حدیث را من دیدم «کما ملئت ظلماً وجوراً»

۱. ظاهراً اولین نقل با این عبارت در کتب شیعه، از سید بن طاووس در کتاب الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف (ج ۱، ص ۱۷۷ باب بشارة الرسول (ص) بالمهدی (ع)) است. ایشان این روایت را از ابن مسعود فراء در کتاب المصابیح ذکر کرده است و تصریح دارد که ابن مسعود این روایت را بصورت مرفوعه نقل کرده است. (به روایتی که بخشی از سلسله‌ی سند آن حذف شده است مرفوعه گفته میشود). بعد از ایشان، سید شرف‌الدین علی استرآبادی در کتاب تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة (ص ۳۷۷) روایت دیگری را نقل میکند که عبارت «بعد ما ملئت جوراً» آمده است که سند این روایت نیز مرفوعه است. شیخ حرّ عاملی نیز در کتاب اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات عبارت «بعد ما ملئت فتنة وظلماً» را با چند سند نقل میکند (ج ۲، ص ۱۲۰). البته حدیثی که ایشان نقل میکنند طولانی است و امکان تغییر الفاظ آن وجود دارد بخصوص که یکی از نقلهای ایشان از شیخ صدوق و کتاب اعتقادات ایشان است در حالی که عبارت شیخ صدوق در اعتقادات (ص ۱۲۲) - که همان روایت شیخ حرّ عاملی را نقل میکند - چنین است: «کما ملئت قبله ظلماً وجوراً». در تفسیر برهان نیز به نقل از امالی شیخ طوسی (ص ۵۰۱) عبارت «بعد ما ملئت ظلماً وجوراً» آمده است.

در هر صورت عبارت «کما ملئت ظلماً وجوراً» بسیار فراوان تر و با اسناد بهتر و در کتب دست اول و معتبر روایی نقل شده است از جمله: در کتابهای الأصول الستة عشر (ط - دارالشبستری)،

است اما در زبانها هست و اینجا و آنجا گفته میشود که «بعد ما ملتت ظلماً و جوراً». «بعد ما ملتت» یعنی چه؟ یعنی امام زمان هنگامی ظهور میکند که تمام دنیا پراز ظلم و جور باشد. این حرف خطرناکی است. معنای این حرف این است که اگر یک روزی ما دنیا را دیدیم که پراز ظلم و جور نیست و یک گوشه‌ای از دنیا بارقه‌ای از عدل و داد به‌شمار می‌آید، آن روز باید ما تصوّر کنیم که امام زمان قطعاً ظهور نخواهد کرد و دنبال این همان تحریفی است که مدتها افرادی حتی بعضی از عمّامه به سرها را ما شنیده بودیم که فکر میکردند اگر میخواهید امام زمان زودتر ظهور بکند، هرچه میتوانید به فساد اضافه کنید؛ یا اگر خودتان هم اهل فساد نیستید، از اینکه مفسدین در دنیا هستند ناراحت نباشید، چون این مقدمه‌ی ظهور امام زمان است. با تحریف یک کلمه و تبدیل «کما ملتت» به «بعد ما ملتت»، این راه برای تحریف باز شده بود. کسانانی خیال میکردند که اگر ما یک قسمتی از دنیا را از نور عدل روشن بکنیم، ظهور امام زمان به تأخیر افتاده، و چه فکر خطرناک

تفسیر القمی، تفسیر العیاشی در چند موضع، همچنین کلینی در چهار موضع از کافی (ط - اسلامیة)، علی بن حسین ابن بابویه در مواضع متعدّد از کتاب الامامة و التبصرة، و نعمانی در مواضع متعدّد از کتاب الغیبة، و شیخ صدوق در کتابهای من لایحضر، امالی، خصال، توحید، صفات الشیعه، عیون اخبار الرضا و در مواضع فراوانی از کتاب کمال الدّین و تمام النعمه و در کتاب اعتقادات الامامیّة و علل الشرایع، همچنین شیخ مفید در کتابهای الاختصاص و کتاب المزار و المقنعة و در چند موضع از کتاب ارشاد و در کتاب الفصول المختارة و کتاب الافصاح فی الامامة، و همچنین طبری در مواضع فراوان از کتاب دلائل الامامة و کتاب نوادر المعجزات، و همچنین شیخ طوسی در مواضع فراوانی از کتاب الغیبة و کتاب امالی و حسین بن حمدان خصیبی در مواضع متعدّد از کتاب الهدایة الکبری، و علی بن محمد خزّاز رازی در مواضع متعدّد از کتاب کفایة الأثر، و... روایات متعدّد و مختلفی با لفظ «کما ملتت» در مورد ظهور امام زمان (عج) نقل کرده‌اند و چه بسا بتوان در مورد آن ادعای تواتر لفظی نمود.

۱. در بیانات معظمّه در سالهای اخیر تأکیدی بر دلالت عبارت «بعد ما ملتت ظلماً و جوراً» بر معنای محزّف از مذهب و تمشیه مشاهده نشده است بلکه عبارت مذکور صرفاً به‌عنوان یکی از نقلها مطرح شده است، از جمله در دیدار کارکنان دفتر رهبری، ۱۳۹۲/۴/۲ و بیانات در دیدار مسئولان و پژوهشگران مؤسسه‌ی دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث ۱۳۹۳/۳/۲۱؛ بخصوص در دیدار کارکنان دفتر مقام معظم رهبری و خانواده‌های آنان (۱۳۹۴/۳/۱۲) تصریح دارند که این دو نقل به لحاظ معنی فرق چندانی با هم ندارند.

وزیان باری. نه، چنین چیزی در روایات نیست. در هیچ روایتی بنده تا الان ندیدم که گفته باشند امام زمان هنگامی ظهور میکند که دنیا پر از ظلم و جور باشد. دنیا در گذشته پر از ظلم و جور بوده. امام زمان وقتی ظهور میکنند، دنیا پر از عدل و داد خواهد شد.^۱

بی‌عملی و فرار از مسئولیت در دوران انتظار فرج

اگر امام زمان دنیای پر از عدل و داد درست خواهد کرد، پس ما باید به سهم خودمان در زمینه‌سازی این دنیا کوشش کنیم. اگر خورشید منوری خواهد درخشید و دنیا را روشن و منور خواهد کرد، این بدین معنا نیست که ما در شب تاریک وقتی نمیتوانیم خورشید بیافرینیم، چراغی روشن نکنیم.^۲

یک معنای انحرافی در باب انتظار بود که خوشبختانه امروز از آن فهم و برداشت غلط، اثر چندانی نیست. کسانی که مغرض و یا نادان بودند، این طور به مردم یاد داده بودند که انتظار، یعنی اینکه شما از هر عمل مثبت و از هر اقدام و هر مجاهدت و هر اصلاحی دست بکشید و منتظر بمانید، تا صاحب عصر و زمان، خودش بیاید و اوضاع را اصلاح کند و مفسد را بر طرف کند!^۳

البته وقتی نتوانستند این عقیده را از مردم بگیرند، سعی میکنند این عقیده را در ذهنهای مردم خراب کنند. خراب کردن این عقیده چه جوری است؟ این جوری است که بگویند خب خود آقا می‌آید همه‌ی کارها را درست میکند! این خراب کردن عقیده است؛ یک موتور محرکی را تبدیل

۱. در اجتماع مردم قم ۱۳۶۳/۲/۲۷

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۷/۱/۱۲

۳. در دیدار اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی شرکت‌کننده در سمینار تبیین حکم تاریخی حضرت امام خمینی (ره)، در سالروز میلاد امام عصر (عج) ۱۳۶۹/۱۲/۱۱

کردن به یک چوب لای چرخ است؛ یک داروی مقوی را تبدیل کردن به یک دوی مخدر و دوی خواب آوراست. خود آقا می‌آید انجام می‌دهد یعنی چه؟ تکلیف شما امروز چیست؟ شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی تا آن بزرگوار بتواند بیاید در آن زمینه‌ی آماده اقدام بکند؛ از صفر که نمیشود شروع کرد!

اعتقاد به امام زمان به معنای گوشه‌گیری نیست. جریانهای انحرافی، قبل از انقلاب تبلیغ میکردند، الان هم گوشه‌وکنار تبلیغ میکنند که «خب آقا امام زمان می‌آید درست میکند، ما امروز دیگر چه کار کنیم؟ چه لزومی دارد ما حرکتی بکنیم؟»؛ این مثل این است که در شب تاریکی انسان یک چراغ روشن نکند، چون فردا بنا است خورشید عالم تاب بیاید و روز بشود و همه‌ی دنیا را روشن کند. خورشید فردا ربطی به وضع کنونی من و شما ندارد. امروز اگر ما می‌بینیم در هر نقطه دنیا ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد، اینها همان چیزهایی است که امام زمان برای مبارزه با آنها می‌آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه با اینها آماده کنیم.^۲

بدفهمی نسبت به روایاتِ نافی قیام قبل از ظهور

«[ما که] مبارزه می‌کردیم؛ بعضی‌ها به استناد روایاتی که هر پرچمی که قبل از برافراشته شدن پرچم حضرت مهدی (ارواح‌ناده) برافراشته شود، در آتش است، با مبارزه مخالف بودند. میگفتند آقا شما قبل از مبارزه‌ی حضرت صاحب‌الزمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) میخواهید مبارزه شروع کنید؟ خب، این پرچم مبارزه را که بلند میکنید، در آتش است. معنای حدیث را نمی‌فهمیدند. یک عده‌ای از صدر اسلام، از زمان ائمه (علیهم‌السلام) که شنیده

۱. در دیدار اқشارمختلف مردم ۱۳۷۶/۹/۲۵

۲. در دیدار اқشارمختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۱/۷/۳۰

بودند مهدی ظهور خواهد کرد و دنیا را پراز عدل و داد خواهد کرد، ادّعی مهدی‌گری میکردند؛ بعضی بر خودشان هم امر مشتبه بود. بد نیست بدانید هم در بنی‌امیه ادّعی مهدویّت بود، هم در بنی‌عبّاس بود، هم در افراد دیگری که چه در زمان بنی‌عبّاس و چه در زمانهای بعد تا امروز وجود داشتند، ادّعی مهدویّت وجود داشت. بله، این پرچم مهدویّت را کسی بلند کند، در آتش است. این معنایش این نیست که مردم با ظلم مبارزه نکنند، مردم برای تشکیل جامعه‌ی الهی و جامعه‌ی اسلامی و علوی مبارزه و قیام نکنند. این، بد فهمیدن دین است.^۱

انجام کارهای غیر عالمانه و غیر متّکی به اسناد و مدارک

از کارِ عالمانه و همراه با دقّت در مسئله‌ی انتظار و مسئله‌ی دوران ظهور نباید غفلت کرد. و از کارِ عامیانه و جاهلانه بشدّت باید پرهیز کرد. از جمله‌ی چیزهایی که میتواند در مسئله‌ی مربوط به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) یک خطر بزرگ باشد، کارهای عامیانه و جاهلانه و دور از معرفت و غیر متّکی به سند و مدرک در مسئله‌ی مربوط به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) است، که همین زمینه را برای مدّعیان دروغین فراهم میکند. کارهای غیر عالمانه، غیر مستند، غیر متّکی به منابع و مدارک معتبر، صرف تخیلات و توهمات، این جور کاری مردم را از حالت انتظار حقیقی دور میکند، زمینه را برای مدّعیان دروغ‌گو و دجّال فراهم میکند؛ از این بایستی بشدّت پرهیز کرد... وقتی انحراف و غلطی به وجود آمد، آن وقت حقیقت، مهجور خواهد شد، مشتبه خواهد شد، وسیله‌ی گمراهی اذهان مردم فراهم خواهد شد؛ لذا از کارِ عوامانه، از تسلیم شدن در مقابل شایعات عامیانه بایستی بشدّت پرهیز کرد. کارِ عالمانه، قوی، متّکی به مدرک و سند [انجام شود]؛ که البته کار اهل فنّ این کار است.^۲

۱. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴

۲. در دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویّت ۱۳۹۰/۴/۱۸

مدعیان دروغین مهدویت

کارهای غیر عالمانه، غیر مستند، غیر مکتبی به منابع و مدارک معتبر، صرف تخیلات و توهمات؛ اینجور کاری مردم را از حالت انتظار حقیقی دور میکند، زمینه را برای مدعیان دروغگو و دجال فراهم میکند؛ از این بایستی بشدت پرهیز کرد. در طول تاریخ مدعیانی بودند؛ بعضی از مدعیان هم همین چیزی که حالا اشاره کردند، یک علامتی را بر خودشان یا بر یک کسی تطبیق کردند؛ همه‌ی اینها غلط است. بعضی از این چیزهایی که راجع به علایم ظهور هست، قطعی نیست؛ چیزهایی است که در روایات معتبر قابل استناد هم نیامده است؛ روایات ضعیف است، نمیشود به آنها استناد کرد. آن مواردی هم که قابل استناد است، این جور نیست که بشود راحت تطبیق کرد. همیشه عده‌ای این شعرهای شاه نعمت‌الله ولی را در طول سالهای متمادی و در موارد زیادی بر آدمهای مختلفی در قرون مختلف تطبیق کردند، که بنده دیدم. گفتند بله، اینکه گفته من فلان کس را، فلان جور میبینم، این فلان کس است؛ یک شخصی را گفته‌اند. باز در یک زمان، صد سال بعد مثلاً، یک کس دیگری را پیدا کردند و به او تطبیق کردند! اینها غلط است، اینها کارهای منحرف‌کننده است، کارهای غلط‌انداز است.^۱

آنچه که با یکی از اصول دینی معارضه دارد و مدرک معتبری ندارد، ردّش کنید. این میشود خرافه، و معیار خرافه این است. امروز شما ببینید مدعیان ارتباط با امام زمان و ارتباط با غیب، با شکلهای مختلف در جامعه دارند کار میکنند.^۲

۱. در دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت ۱۸/۴/۱۳۹۰

۲. در دیدار روحانیون ۱۷/۸/۱۳۸۵

فصل هفتم
حکومت اسلامی و انتظار فرج



مردمی بودن حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

حکومت آینده‌ی حضرت مهدی موعود (ارواحنا فداه)، یک حکومت مردمی به تمام معنا است. مردمی یعنی چه؟ یعنی متکی به ایمانها و اراده‌ها و بازوان مردم است. امام زمان، تنها دنیا را پراز عدل و داد نمیکند؛ امام زمان با تکیه‌ی به آحاد مؤمن مردم است که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار میبخشد؛ یک حکومت صد درصد مردمی. اما این حکومت مردمی با حکومت‌های مدّعی مردمی بودن و دموکراسی در دنیای امروز از زمین تا آسمان تفاوت دارد.^۱

لزوم برقراری حکومت اسلامی به عنوان مقدمه‌ی ظهور

اما قبل از آنکه امام زمان ظهور بکنند، چه حالتی وجود دارد؟ خیلی روشن است. قبل از آمدن امام زمان، مقدمات پر شدن دنیا از عدل و داد باید وجود داشته باشد. امام زمان می‌آید، حکومت صد درصد عادلانه را به وجود می‌آورد. قبل از آنکه این حکومت عادلانه‌ی صد درصد به وجود بیاید، ای بسا مردم، بندگان خدا، مؤمنین، مبارزین بتوانند حکومت عدالت پنجاه درصد، شصت درصد، هفتاد درصد، را به وجود بیاورند و من می‌خواهم

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصالای تهران ۳۰/۷/۱۳۸۱

به شما برادران و خواهران بگویم که بدون به وجود آمدن حکومت عادلانه‌ی الهی با درصد بالا، آمدن امام زمان (علیه‌الصلاة والسلام) امکان‌پذیر نیست. اگر انقلاب اسلامی انجام نمی‌گرفت، امکان و احتمال ظهور امام زمان خیلی کمتر بود. تشکیل جامعه‌ی اسلامی، تشکیل حکومتی بر مبنای قرآن، بشریت را به حکومت امام زمان یک قدم نزدیک‌تر کرد. زمینه برای آمدن امام زمان آماده شد و هرچه جمهوری اسلامی به طرف عدالت جلوتر برود، به طرف اسلام پیش‌روی بکند، احکام اسلام را در شئون اجتماعی خودش گسترش بیشتری بدهد، ظهور ولی عصر (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) نزدیک‌تر خواهد شد؛ این را به طور قطع و یقین بدانید. خیال نکنید که امروز اگر شما تلاشی می‌خواهید بکنید در راه تحکیم نظام اسلامی، این تلاش با آمدن امام زمان ربطی ندارد؛ این اشتباه است. و خیال نکنند کسانی که از اصلاحات، از گسترش عدالت، از گسترش احکام الهی مأیوسند که اگر دست روی دست بگذارند و به کنج خانه بخزند، ممکن است امام زمان (علیه‌الصلاة والسلام) ظهور کند؛ چنین چیزی نیست. مقدمات را فراهم می‌کنید، امام زمان می‌آید. پنجاه درصد و شصت درصد و هفتاد درصد را شما آماده می‌کنید، صد درصد به وسیله‌ی امام زمان خواهد شد. شما بشریت را با نغمه‌ی اسلام آشنا می‌کنید، دلها تکان می‌خورد، جان مشتاقان دنیای بشریت به اسلام متوجه می‌شود، آن وقت وقتی فریاد ایتها الناس امام زمان بلند شد، انسانها از اکناف عالم به آن پاسخ مثبت می‌دهند.^۱

تشکیل نظام جمهوری اسلامی یکی از مقدمات این حرکت عظیم تاریخی است. هر اقدامی در جهت استقرار عدالت، یک قدم به سمت آن هدف والا است.^۲

۱. در اجتماع مردم قم ۱۳۶۳/۲/۲۷

۲. در دیدار افشارمختلف مردم در نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۷/۵/۲۷

زمینه‌سازی انقلاب اسلامی برای ظهور

وما به ظهور ولیّ عصر امید زیادی داریم و امیدواریم که خدای متعال آن روز را هرچه زودتر برای بشر برساند و من گمان نمیکنم این ملت نشان داده و در میدان عمل، امتحان پس داده که حاضر است آن بار سنگینی را که آن روز بر دوش مبارزین وجود خواهد داشت، بر دوش بکشد و آن بار را حمل کند. امروز دیگر آن روزی نیست که در دنیا کسانی پیدا نشوند برای حمل بار امانت؛ ملت ما در تجربه‌ی چندساله‌ی انقلاب خود کاملاً نشان داد و مشخص کرد که یک ملت زنده است؛ ملت با استعداد است و قدرتهای الهی در وجود این ملت به مرحله‌ی عمل می‌آید، و انسانها در این جامعه، انسانهایی هستند که حاضرند از تمام ظرفیتهایشان در راه خدا استفاده بشود؛ یعنی چنین انسانهایی در این جامعه وجود دارند و دیگران هم در همین راه و این خط دارند حرکت میکنند.^۱

تا شما ملت ایران، این اتحاد و آمادگی برای انجام کارهای بزرگ را دارید، همه‌ی آرزوهای انبیا و اولیا (علیهم‌السلام) به دست شما قابل عمل است. آما بزرگ آنان، استقرار عدل جهانی و نجات مستضعفان و نابودی ظلم در سطح عالم بود. البتّه وعده‌ی الهی حق است و استقرار عدل جهانی فقط در دوران ظهور حضرت بقیّة‌الله (ارواح‌الغدّاء) انجام خواهد گرفت؛ اما یک ملت مؤمن و مبارز میتواند زمینه را برای تشکیل آن حکومت فراهم کند؛ همچنان که ملت ایران تاکنون توانسته و بر خیلی از مشکلات فائق آمده است.^۲

اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملتهای مسلمان به

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم قم به مناسبت نیمه‌ی شعبان ۱۳۶۶/۱/۲۴

۲. در مراسم بیعت اصناف مشهد و تعاونی‌های شهری خراسان، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و تعدادی از کارکنان و مسئولان وزارت نیرو و سازمانهای تابعه ۱۳۶۸/۴/۸

عهد ظهور مهدی موعود (ارواح‌نفاذ و عجل‌الله فرجه)، به وسیله‌ی ملت ایران برداشته شده است؛ و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است.^۱

اینکه امروز در نظام جمهوری اسلامی، شعارهایی که امام زمان (علیه‌الصلاة والسلام و عجل‌الله تعالی فرجه) بر سر دست خواهد گرفت و عمل خواهد کرد، شعارهای مردم ما است، شعارهای یک کشور است و یک دولت است، این خودش یک گام بسیار بلندی به سوی اهداف امام زمان است. روزی شعار توحید، شعار معنویت و شعار دینداری، در دنیا منسوخ شده بود؛ سعی کرده بودند به طور کلی آن را به دست فراموشی بسپارند؛ اما امروز در این منطقه‌ی عالم، این شعارها، شعارهای رسمی حکومت است؛ شعارهای رسمی اداره کشور و آحاد ملت است؛ علاوه بر این، این شعارها آرزوی ملتهای مسلمان در بسیاری از کشورهای دنیا است؛ و این شعارها یک روز تحقق پیدا خواهد کرد. این زمینه‌ها وقتی آماده شد، آن وقتی که معلوم شد در مقابل قدرتهای مادی مستکبران عالم، زمینه‌ی این وجود دارد که انسان، آحاد بشر بتوانند بر روی حرف حق خود بایستند، آن روز، روز ظهور امام زمان است.^۲

مردم عزیزمان و بخصوص جوانها هم به برکت غدیر، بدانند این راهی که اسلام و قرآن و خط غدیر ترسیم کرده، یک راه روشن است؛ راهی است که با استدلال و فلسفه‌ی مستحکمی ترسیم شده و روندگان بسیار بزرگ و عظیم‌المنزلی پیدا کرده است. امروز هم خوشبختانه این راه در دنیا مطرح است و دیگر ما در تنهایی و عزلت نیستیم. امروز ما در مرکز و محور توجّه مردم جهان بخصوص کشورهای اسلامی هستیم. راه، راه خوش عاقبت و روشنی است؛ با تلاش مسئولان و با امید و پشتیبانی قشرهای مختلف مردم بایستی

۱. در دیدار مردم قم ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

۲. در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد امام زمان (عج) ۱۳۷۹/۸/۲۲

قدم به قدم این راه را طی کنیم و پیش برویم. این راه گرچه کوتاه مدّت نیست، اما همان راهی است که بالاخره به نجات بشریّت منتهی خواهد شد؛ همان راهی است که ان شاء الله زمینه های ظهور مهدی موعود (صلوات الله علیه و عجل الله فرجه) را فراهم خواهد کرد.^۱

ایه ی کریمه ی قرآن میفرماید: «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ. اَتَمُّهُمْ لِمِ الْمَنصُورِينَ. وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ»^۲؛ این آیه اولاً ثابت میکند که در نهایت تاریخ بشریّت دورانی وجود خواهد داشت که در آن دوران آرمان پیامبران و رسولان الهی محقق خواهد شد؛ ثانیاً ثابت میکند که رسیدن به آن دوران به کمک جند الله خواهد بود؛ سپاهیان پروردگار و جنود خدایی، تاریخ را و بشریّت را کمک خواهند کرد که به آن دوران برسد؛ ثالثاً با یک نگاه هوشیارانه نشان خواهد داد که انقلاب ما - انقلاب اسلامی ایران - ما را یک مرحله ی اساسی به ظهور حضرت مهدی (صلوات الله وسلامه علیه و عجل الله تعالی فرجه الشریف) نزدیک کرده است.^۳

در سطح دنیا انسانیت فرج میطلبد اما راه فرج را نمیداند. شما ملت انقلابی مسلمان باید با حرکت منظم خود در تداوم انقلاب اسلامی به فرج جهانی انسانیت نزدیک بشوید و شما باید به سوی ظهور مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و انقلاب نهایی اسلامی بشریّت - که سطح عالم را خواهد گرفت و همه ی این گره ها را باز خواهد کرد - قدم به قدم خودتان نزدیک بشوید و بشریّت را نزدیک کنید. انتظار فرج این است.^۴

۱. بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم ۱۳۷۹/۱۲/۲۴

۲. سوره ی صافات، آیات ۱۷۱ تا ۱۷۳، ترجمه: «و قطعاً فرمان ما درباره ی بندگان فرستاده ی ما از پیش [چنین] رفته است. که آنان [بر دشمنان خودشان] حتماً پیروز خواهند شد. و سپاه ما هر آینه غالب آیندگانند.»

۳. بیانات به مناسبت نیمه ی شعبان ۱۳۶۰/۳/۲۷

۴. در مکتب جمعه، ج ۳، ص ۲۵۱

شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی براساس اندیشه‌ی انتظار

شما میدانید با امید به این گشایش^۱ بوده که ما از اول انقلاب تا حالا توانستیم قدمهای محکم خودمان را یکی پس از دیگری به طرف جلو برداریم. آن روزی که جنگ تازه شروع شده بود، نفسهای مأیوس‌کننده مرتب میدیدند که این جنگ آخرش به ناکامی منتهی خواهد شد؛ سلاح نداریم، مهمات نداریم، به ما نمی‌فروشند، ارز نداریم، وسیله‌ی صادر کردن نفت نداریم، مشتری نداریم، هزار مشکل. وقتی هم که انسان بخواهد مشکلات را بزرگ کند، ذهن انسان خیلی کار میکند برای بزرگ کردن مشکلات؛ اما یک عده‌ای هم قرص و محکم ایستادند و گفتند ما به امید خدا و با کمک مردم، با امکاناتی که داریم، جنگ را اداره خواهیم کرد و دشمن را عقب خواهیم راند و راندند. امروز به فضل الهی ملت ایران در مقابل همه‌ی کسانی که نگاه میکردند ببینند انقلاب ما چه خواهد کرد، روسفید و سربلند است؛ این معنای انتظار فرج است.^۲

آن روزی که ملت ایران قیام کرد، امید پیدا کرد که قیام کرد. امروز که آن امید برآورده شده است، از آن قیام، آن نتیجه‌ی بزرگ را گرفته است، امروز هم به آینده امیدوار است و با امید و با نشاط حرکت میکند. این نور امید است که جوانها را به انگیزه و حرکت و نشاط وادار میکند، از دل مردگی و افسردگی آنها جلوگیری میکند و روح پویایی را در جامعه زنده میکند؛ انتظار فرج این است. بنابراین، هم باید منتظر فرج نهایی بود، هم باید منتظر فرج در همه‌ی مراحل زندگی فردی و اجتماعی بود.^۳

موضوع امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) با این دید، نه مخصوص شیعه

۱. به معنایی که در روایات مطرح است (رک: فصل اول: مصادیق فرج)

۲. در اجتماع مردم قم، در سالروز میلاد امام زمان (عج) ۱۳۶۳/۲/۲۷

۳. در دیدار اقاشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۸۴/۶/۲۹

و نه حتّی مخصوص مسلمین است. بلکه انتظاری در دل همه‌ی قشرهای بشر و ملت‌های عالم است. امیدی است در دل بنی آدم که تاریخ بشریت به سمت صلاح حرکت میکند. این امید به بازوان قوّت میبخشد، به دل‌ها نور میدهد و معلوم میکند که هر حرکت عدالت‌خواهانه‌ای در جهت قانون و گردش طبیعی این عالم و تاریخ بشر است. به همین خاطر است که وقتی ملت ما، قبل از پیروزی انقلاب به مبارزات مشغول بودند، احساسشان این بود که در جهت پیشرفت به سمت آرمان بشریت حرکت میکنند. بعد از پیروزی انقلاب هم احساس ملت ایران این است که هر حرکت و هر اقدامی؛ هر مبارزه‌ای که کردیم و هر رنجی که تحمل نمودیم، در جهت مقصودی است که میان آحاد بشر و همه‌ی اهل معرفت مشترک است. مقصود، استقرار عدالت، و هدف، رسیدن به عدل برای بشر است. و اسلام این عدل را تأمین میکند.^۱

در این راه^۲ لطف پروردگار و دعای مستجاب ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پشتیبان ما است و ما باید خود را با آن حضرت و با یادش هر چه بیشتر آشنا کنیم. امام زمان را فراموش نکنیم. مملکت ما مملکت امام زمان است. انقلاب ما، انقلاب امام زمان است، زیرا انقلاب اسلام است. یاد ولی الله الاعظم را در دل‌های خودتان داشته باشید. دعای «اللهم انا نرغب الیک فی دولة کریمه»^۳ را با همه‌ی دل و با نیاز کامل بخوانید. هم روحتان در انتظار مهدی باشد، هم نیروی جسمی‌تان در این راه حرکت بکند. هر قدمی که در راه استواری این انقلاب اسلامی بر میدارید یک قدم به ظهور مهدی نزدیک‌تر میشوید.^۴

۱. در دیدار قشرهای مختلف مردم و میهمانان خارجی دهه‌ی فجر در روز نیمه‌ی شعبان

۱۳۷۱/۱۱/۱۸

۲. تداوم حرکت انقلاب اسلامی

۳. کافی، ج ۳، ص ۴۳۴

۴. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۶۰/۳/۲۹

روز نیمه‌ی شعبان برای ما همیشه روز امید و روز انتظار بوده است. در همه‌ی دوران اختناق، ملت ما در روز نیمه‌ی شعبان حال و شور دیگری داشت. یقیناً یکی از عواملی که توانسته است ذهن و دید مردم ما را نسبت به انقلاب از دیدگاه اسلامی تحت تأثیر قرار بدهد همین است که در باب مسئله‌ی امام زمان و مسئله‌ی انتظار به یک نتیجه‌گیری اسلامی درستی رسیدند. البته بوده‌اند کسانی در گذشته که از مسئله‌ی امام زمان و مسئله‌ی انتظار به صورت تحقیق‌آمیزی استفاده می‌کرده‌اند، عقیده به امام زمان را ترمز حرکت‌های جامعه قرار میدادند اما بینش درست اسلامی در این قضیه مطلب را ۱۸۰ درجه عوض کرد؛ یعنی مردم از نتیجه‌ی انقلاب استفاده کردند که حرکت جوامع اسلامی و حرکت همه‌ی جوامع بشری به سوی خیر و صلاح است، به سوی حکومت حق و عدالت است، به سوی نابودی کاخ‌های استبداد است، به سوی روی کار آمدن مستضعفان است، که در شکل بارزترینش در دوران ظهور ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) تأمین میشود و تا آن روزگار ملت‌های مسلمان و همه‌ی مستضعفان جهان میتوانند گام‌هایی را در این راه بردارند؛ این را مردم ما فهمیدند و همین تأثیر زیادی در ذهن مردم داشت که عمل آنها را تحت تأثیر قرار داد. امروز بحمدالله بعد از اینکه ملت ما به مبارزه‌ی وسیعی دست زد اولین آثار صدق این اعتقاد را دریافت کرده است.

... اگر ناظران جهانی میخواهند بدانند که حکومت و نظام جمهوری اسلامی به کدام طرف به پیش میرود، از مسئله‌ی امام زمان میتوانند این را درک کنند. روزگاری که در روایات و در آیات قرآن برای ما ترسیم شده است، روزگار حاکمیت علم و تقوا، حاکمیت صالحان، حاکمیت بندگان خدا، حاکمیت کامل قانون الهی، حاکمیت مستضعفان است؛ نه فقط در محدوده‌ی یک کشور بلکه هر جا مستضعفی هست، مشمول لطف و فیض آن آینده است. ما به چه طرف پیش میرویم؟ البته این راه، راه طولانی‌ای

است؛ ما باید برای رسیدن به آن روز خودمان را و جامعه مان را و ابزار کارمان را و پایه‌ی رفتارمان را آماده کنیم و تا ما آماده نشویم، ولی عصر ظهور نخواهد کرد؛ آمادگی زمینه‌ی جامعه به ظهور ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) کمک خواهد کرد.^۱

توسیم معنای انتظار در تشکیل حکومت اسلامی

همه‌ی خصوصیاتِی که در ظهور مهدی (علیه السلام) هست در یک مقیاس کوچک در انقلاب اسلامی ملت ایران هم هست. در آنجا هم مخاطب حضرت بقیة الله همه‌ی مردم عالمند؛ یعنی در آن لحظه‌ای که به خانه‌ی کعبه پشت می‌دهد و تکیه می‌کند و دعوت خود را با صدای بلند فریاد می‌کند، صدا می‌زند «یا اهل العالم!». انقلاب اسلامی ما هم از آغاز اعلام کرد که مخصوص یک ملت و یک قوم و یک کشور نیست. همچنانی که آن بزرگوار با همه‌ی قدرتهای بزرگ جهان ستیزه می‌کند و درمی‌افتد، انقلاب ما هم با دست خالی و فقط با تکیه به نیروی ایمان با همه‌ی قدرتهای عظیم جهانی مقابل شد. همان طوری که ظهور حضرت مهدی همه‌ی حسابهای مادی و معمولی را به هم میریزد، انقلاب ما هم همه‌ی حسابها را به هم ریخت. امروز با انقلاب اسلامی ما که در خط ایجاد عدالت در سطح جهان هست، انقلاب حضرت مهدی (علیه الصلاة والسلام) یک گام بزرگ به هدف خود نزدیک شد. نه فقط به وجود آمدن حکومت اسلامی آن عاقبت موعود را به عقب نمی‌اندازد بلکه آن را تسریع هم می‌کند و این است معنای انتظار.^۲

تشکیل حکومت جمهوری اسلامی و به هم ریختن نظام مستضعف و مستکبریک تحوّل عظیمی بود که در این کشور و میان این ملت پیش آمد

۱. در جمع مردم قم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۶۲/۳/۷

۲. در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۶۰/۳/۲۹

و نمونه‌ی کوچکی از آنچه که در زمان ولیّ عصر پیش خواهد آمد در مقابل چشمها قرار داد. ما میتوانیم جامعه‌ی دوران ولیّ عصر را از بطن کنونی جامعه حدس بزنیم؛ همان طوری که امروز حکومت، حکومت ایدئولوژی اسلامی است، حکومت مکتب است و در رأس تشکیلات نظام انقلابی جمهوری اسلامی رهبری قرار دارد که ملاک گزینش آن علم و تقوا است و احکام و قوانینی که در جامعه به سمت عمل شدن آنها پیش میرویم احکام و قوانین اسلامی [است] و همان طوری که در جامعه‌ی امروزی ما یک طبقه‌ی مستکبر وجود ندارد و تفاوتها و تمایلهای اجتماعی مطلقاً در جامعه به صورت قانونی خودنمایی نمیکنند، همین طور در یک شکل کامل تر با یک اداره‌ی بهتر با یک قضاوت همه جانبه تر در یک دایره‌ی وسیع تر در دوران حکومت مهدی موعود (علیه الصلوٰة والسلام و عجل الله فرجه) جامعه‌ای به وجود خواهد آمد که محور حرکت در آن جامعه، اسلام و احکام اسلامی است؛ «ولقد کتبنا فی الزّبور من بعد الذّکر ان الارض یرثها عبادی الصّالحون»؛^۱ این همان روزگار است؛ روزگاری که بندگان صالح خدا، شایستگان جامعه، آن را به دست گیرند. اگر امروز علم و تجربه‌ی لازم ما و مشکلات و موانع اجتماعی بزرگ که از دوران گذشته به ارث مانده است موجب شده است که نتوانیم حکومت صالحان را به طور همه جانبه پیاده کنیم، [اما] در دوران ولیّ عصر (عجل الله تعالی فرجه) حکومت، حکومت صالحان است به تمام معنی کلمه؛ حکومت قرآن، حکومت امام؛ قوانینی که در انطباق آن با اسلام و قرآن هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد.^۲

تأثیر انقلاب اسلامی بر ذهنیت مردم نسبت به منطق انتظار

کسانی که مغرض و یا نادان بودند، این طور به مردم یاد داده بودند که

۱. سوره‌ی انبیا، آیه‌ی ۱۰۵، ترجمه: «و در حقیقت در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته‌ی ما به ارث خواهند برد.»

۲. بیانات در جمع مردم قم به مناسبت نیمه شعبان، ۱۳۶۲/۳/۷.

انتظار، یعنی اینکه شما از هر عمل مثبت و از هر اقدام و هر مجاهدت و هر اصلاحی دست بکشید و منتظر بمانید، تا صاحب عصر و زمان، خودش بیاید و اوضاع را اصلاح کند و مفاسد را برطرف نماید! انقلاب، این منطق و معنای غلط و برداشت باطل را، یا کم‌رنگ کرد و یا از بین برد. پس بحمدالله این معنا، امروز در ذهن جامعه‌ی ما نیست.^۱

اتصال قطعی انقلاب و نظام اسلامی به ظهور حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)
 این انقلاب، زمینه را آماده خواهد کرد تا آن بزرگوار ظهور کند. ایشان در زمینه‌ی نامساعد ظهور نخواهند کرد؛ در بحثهای مربوط به غیبت ولی عصر (صلوات الله علیه) و ظهور آن بزرگوار برای ما مسلم است که آن بزرگوار در زمینه‌ی آماده ظهور خواهند کرد... بنابراین حضرت آن وقتی می‌آید که زمینه آماده باشد؛ آن وقتی می‌آید که دنیا معنای عدل را فهمیده باشد؛ آن روزی ظهور میکنند که شمشیر آن حضرت بتواند با خودش استدلال و منطق را حمل بکند؛ چون شمشیر انبیا، شمشیر کور نیست، شمشیر نور است. شمشیر کور آن است که یکی را میکشید، نمیداند چرا کشته شد؛ شمشیر نور آن است که وقتی او را میکشید، او هم میفهمد چرا کشته شد، دیگران هم میفهمند چرا او کشته شد؛ شمشیر انبیا این جوری است و اولیا هم دنبال انبیا هستند. آن بزرگوار باید روزی بیاید که [در جریان] آن سیل خونی که شنیده‌اید، حتی خود آنهایی هم که کشته میشوند بفهمند چرا دارند کشته میشوند تا حجت تمام باشد، تا حکومت مهجور انبیا بتواند برای همیشه در عالم بماند. [بنابراین] اگر ما خوب باشیم - من و شما که معممیم و مسئول وصل کردن معارف الهی به نسلهای آینده هستیم و مسئول هدایتیم و ورثه‌ی انبیا به حساب می‌آییم - این جمهوری، این حکومت، این نظام قطعاً به آن

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی شرکت‌کننده در سمینار تبیین حکم تاریخی حضرت امام خمینی (ره)، در سالروز میلاد امام عصر (عج) ۱۳۶۹/۱۲/۱۱

بزرگوار خواهد پیوست؛ این را من به طور یقین میتوانم قول بدهم.^۱

امروز نظام اسلامی مجسم و متبلور در این نظام است. برادران و عزیزان و همه‌ی کسانی که این سخن را می‌شنوند و خواهند شنید! بدانید اگر نظام اسلامی ما به فضل پروردگار بر دشمنانش، براستکبار، بر این خدعه‌ها، بر این توطئه‌ها، بر این دامها، بر این عقبات گوناگونی که بر سر راهش گسترده‌اند بتواند پیروز بشود، اسلام یکریز و یک‌راست به سمت اوج قلّه‌ی تعالی و سلطه‌ی جهانی، و درنهایت ظهور ولیّ عصر (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) پیش خواهد رفت و هیچ توقّعی پیدا نخواهد کرد؛ این در صورتی است که این ملت پیروز بشود.^۲

کتاب
تاریخ
امام
مهدی
عج

۱. در دیدار جمعی از روحانیون نیشابور ۱۳۶۵/۴/۲۹

۲. در دیدار اقشار مختلف مردم قم به مناسبت نیمه‌ی شعبان ۱۳۶۶/۱/۲۴

فصل هشتم
دشمن و انتظار فرج



تلاش دشمن برای محو و تحریف عقیده‌ی انتظار

هرجایی که یک چنین اعتقادی وجود داشته باشد، همین امید وجود دارد، همین مبارزه وجود دارد. برای همین، یکی از اساسی‌ترین کارهای استعمار و استکبار و ایادی آنها این بوده است که این عقیده را در دل مردم از بین ببرند؛ این چراغ را بارها خواستند خاموش کنند و نتوانسته‌اند. ما قضایا میدانیم در تلاشی که در این جهت انجام داده‌اند؛ نه فقط در ایران، در سطح دنیای اسلام. یک گزارش بسیار مهمی که مربوط به سالها قبل [است] - تازه نیست - مربوط میشود به تلاش گروه‌های تبلیغی مسیحیت که از اروپا به سمت شمال آفریقا اعزام میشدند تا جاده‌ی استعمار را در آنجا صاف کنند. یکی از غصه‌های دین‌داران دنیا این است که تبلیغ برای مسیحیت در سطح دنیا را - علی‌الظاهر تبلیغ دین مسیح را - قدرتمندان مسلط بر کشورهای مسیحی وسیله‌ای قرار داده‌اند برای اینکه ماشین استعمار را پیش ببرند. اینها شدند جاده صاف‌کن استعمار! گروه‌های تبلیغی و به اصطلاح تبشیری را به اطراف دنیا میفرستادند به عنوان تبلیغ مسیحیت. ظاهرش تبلیغ مسیحیت بود اما باطن قضیه این بود که از این وسیله استفاده کنند، راه را بازکنند برای اینکه استعمارگران اروپایی آن روز از کشورهای مختلف

اروپا وارد کشورهای اسلامی بشوند و قدرت سیاسی را قبضه کنند و متأسفانه در بسیاری از جاها هم موفق شدند. این گزارش مربوط به گروه‌های تبلیغی است در شمال آفریقا. گزارشگر مینویسد: یکی از مشکلات ما در سرراه تبلیغ مسیحیت و پیشرفت استعمار در شمال آفریقا، در منطقه‌ی تونس و مغرب و مانند اینها، این است که این مردم اعتقاد دارند که مهدی موعود خواهد آمد و اسلام را سربلند خواهند کرد. می‌گویند این از مشکلات ما است. این را در گزارش رسمی مینویسد و می‌فرستد برای آن هیئتی که مسئول رسیدگی به این کارها [هستند]؛ نفس اعتقاد به مهدی موعود. در حالی که آن اعتقادی که آن برادران ما در آن مناطق دنیا دارند، به روشنی و وضوح این اعتقادی که ما امروز در اینجا داریم نیست؛ ابهاماتی در آن هست؛ بیشتر کلی‌گویی است تا تعیین مصداق و مورد نام و خصوصیات؛ در عین حال از این ترسیدند.

در همین کشور خود ما، یکی از بزرگان علما و روحانیون محترمی که امروز بحمد الله در میان ما هستند و برکات وجود ایشان باز هم شامل حال مردم میشود، ایشان برای من نقل میکردند که در اوایل روی کار آمدن رژیم منحوس و فاسد و وابسته‌ی پهلوی، آن کودتاگر بی‌سواد فاقده هرگونه معرفت و معنویت یکی از آخوندهای وابسته‌ی به دربار پهلوی را صدا کرد و به این مضمون از او پرسید که چیست این قضیه‌ی امام زمان که این جور مشکلاتی برای ما درست کرده است؟ این آخوند هم بر طبق دل او و میل او یک جوابی میدهد. و او [هم] مأموریت میدهد که بروید مسئله را حل کنید، تمام کنید، این اعتقاد را از دل مردم بیورید. او می‌گوید این کار آسان نیست، این کار خیلی مشکلات دارد، باید کم‌کم شروع کنیم، با مقدمات باید شروع کنیم. البته آن مقدمات به فضل پروردگار و با هشیاری علمای ربّانی، آگاهان این کشور، در آن دوران ناکام ماند، نتوانستند آن نقشه‌ی شوم را عمل کنند؛ ولی یک کودتاچی غاصبی که مأموریت دارد از طرف دستگاه‌های قدرت استعماری بیاید ایران را قبضه کند و دودستی تحویل دشمن بدهد، برای

اینکه بتواند برای مردم مسلط بشود، یکی از مقدمات لازم این است که این عقیده را از ذهن مردم پاک کند.^۱

و این را هم عرض بکنیم که مبنای کار قدرتهای طاغوتی، این است که این فروغ امید^۲ را در دلها بمیرانند؛ همه‌ی امیدها را به یک نقطه‌ی مادی متمرکز کنند که سررشته‌اش در دست خود آنها است. می‌خواهند هم‌تتها را متوجه و متمرکز به پول، به زخارف کم‌ارزش دنیایی که سرچشمه و معدن و منبعش هم دست خود این قدرتها است بکنند. همه چیز را با حسابهای کمی و پولی محاسبه میکنند. معنویات را از حساب خارج میکنند. بخصوص آن آینده‌ی موعود را میکوشند که از چشم ملت‌ها دور بکنند. امروز این جور است که استکبار و ایادی استکبار و این سرطان عظیم استکباری در سراسر دنیا، همین‌طور ریشه میدواند و بر جان ملت‌ها چنگ می‌اندازد و زندگی آنها و حیات آنها را به خطر می‌اندازد؛ مسئله این است. می‌خواهند ملت‌ها را ناامید و مأیوس نگه دارند از آینده. اما ملت‌ها باید امیدوار باشند. این اراده‌ی الهی است که فرمود: «ونريد ان نمّ علی الذین استضعفوا فی الارض»^۳؛ این اراده‌ی تکوینی الهی است.^۴

این عقیده^۵ از آن عقاید بسیار کارگشا است. به دلیل همین‌که کارگشا

۱. در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی‌عصر(عج) ۱۳۷۴/۱۰/۱۷؛ نیز رک: بیانات در دیدار مسئولان نهضت سوادآموزی ۱۳۸۰/۱۰/۶ (در این بیانات معظم‌له روایت مذکور را از قول مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین فلسفی نقل میکنند.)

۲. امید به تحقق وعده‌ی الهی مبنی بر استقرار عدالت کامل در جهان به دست حضرت ولی‌عصر(عج)

۳. سوره‌ی قصص، بخشی از آیه‌ی ۵، ترجمه: «وخواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منت نهیم.»

۴. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۵/۱۰/۶

۵. عقیده به تحقق وعده‌ی الهی مبنی بر استقرار عدالت کامل در جهان به دست حضرت ولی‌عصر(عج)

است، دشمنان از یک طرف و البته دوستان نادان هم از یک طرف بر آن می‌تازند. گاهی دوستان نادان، از روی نادانی و بر اثر بی‌توجهی، کاری میکنند که هیچ دشمن دانایی به آن خوبی نمیتواند ضربه بزند! من یک سندی را دیدم که مربوط به ده‌ها سال قبل است، اوایلی که استعمار وارد شمال آفریقا شده بود. کشورهای شمال آفریقا به اهل بیت خیلی گرایش دارند؛ حالا مذهبشان هر مذهبی از مذاهب اسلامی که هست، [کاری نداریم] اما محب اهل بیتند؛ این کشورهای سودان و مغرب و مانند اینها. عقیده‌ی به مهدویت، آنجاها خیلی پررنگ است. آن زمانی که استعمار وارد آن مناطق شد - که ورود استعمار در آن مناطق در قرن گذشته است - یکی از چیزهایی که مزاحم استعمار بود، عقیده‌ی به مهدویت بود. بنده سندی را دیدم که آن بزرگان استعمار و فرماندهان استعماری توصیه میکنند که ما باید کاری بکنیم که این عقیده‌ی به مهدویت از بین مردم بتدریج زایل بشود. قضاوتشان این بود که تا وقتی این عقیده‌ی به مهدویت در بین مردم هست، ما استعمارگرها... نمیتوانیم اینها را درست در اختیار بگیریم. ببینید عقیده‌ی به مهدویت چقدر مهم است! چقدر خطا میکنند کسانی که به اسم روشنفکری، به اسم تجددطلبی می‌آیند عقاید اسلامی را بدون مطالعه، بدون اطلاع، بدون اینکه بدانند دارند چه کار میکنند، مورد تردید و تشکیک قرار میدهند؛ همان کاری که دشمن میخواهد، اینها راحت انجام میدهند؛ عقاید اسلامی این جور است. خوب حالا چرا؟ چند خصوصیت در عقیده‌ی مهدویت هست که این خصوصیات برای هر ملّتی، به منزله‌ی خون در کالبد و در حکم روح در جسم است. یکی، امید است. گاهی اوقات دستهای قلدر و قدرتمند، ملّتهای ضعیف را به جایی میرسانند که امیدشان را از دست میدهند. وقتی امید را از دست دادند، دیگر هیچ اقدام نمیکند.^۱

۱. در دیدار اقبال مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۶/۹/۲۵

دشمن‌ترین اشخاص با این عقیده و با شخص آن بزرگوار، ستمگران عالمند. از روز غیبت آن حضرت - بلکه از روز ولادت آن حضرت - آن کسانی که وجودشان با ستم و زورگویی همراه بود، به دشمنی با این بزرگوار، با این پدیده‌ی الهی، با این نور الهی، با این شمشیر الهی مشغول شدند، تا امروز. امروز هم مستکبرین عالم، ستمگران عالم با این فکر، با این عقیده مخالفند، دشمنند؛ میدانند که این عقیده که در دل‌های مؤمنین هست، این عشق که در دل‌های مسلمین - بخصوص در دل‌های شیعه - است، برای هدف‌های ستمگرانه‌ی آنها مزاحم است. من یک وقتی عرض کرده‌ام که در کشورهای شمال آفریقا آن وقتی که استعمارگران، آن مناطق را تصرف میکردند، یک گزارش رسمی، عوامل استعمارگران دادند - که این گزارش ثبت شده و موجود است - که در آن گزارش میگوید: این مردم چون معتقد به مهدویتند، مبارزه‌ی با آنها سخت است.^۱

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان ۱۳۷۷/۹/۱۴

منابع

قرآن کرم

- ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبة. ایران؛ تهران، نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ ق
- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة. تهران، چاپ: دؤم، ۱۳۹۵ ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال (ط - القديمة). تهران، چاپ: دؤم، ۱۴۰۹ ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف. ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۰۰ ق.
- احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله و سلم. ایران؛ قم، ۱۴۱۹ ق
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم. قم، چاپ: دؤم، ۱۴۱۰ ق.
- خامنه ای (مدظله العالی)، سید علی، رهبر انقلاب اسلامی ایران، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، KHAMENEI.IR.
- خمینی (قدس سره)، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، کشف اسرار بی تا، بی جا (۳۳۴ صفحه).
- خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، صحیفه ی نور، (۲۲ جلد)، مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران: چاپ پنجم، ۱۳۸۹ هـ. ش.
- خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، ولایت فقیه (حکومت اسلامی - ویرایش جدید)، ۱ جلد، مؤسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (سلام الله علیه).
- ایران، تهران، چاپ: اول، بی تا.

- در مکتب جمعه (مجموعه‌ی خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران)، ج ۱-۷، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ ه.ش.
- شریف الرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح). قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ق.
- شعیری، محمدبن محمد، جامع الاخبار. نجف، مطبعة حیدریه، چاپ اول، بی تا.
- طبرسی، احمدبن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی). مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۳ق.
- طوسی، محمدبن الحسن، کتاب الغیبة للحجة. ایران، قم: دارالمعارف الاسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- طوسی، محمدبن الحسن، مصباح المتهدّد و سلاح المتعبّد. بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۱ق.
- نجف، محمد مهدی، صحیفة الإمام الرضا(علیه السلام). مشهد، کنگره‌ی جهانی امام رضا(علیه السلام)، چاپ اول، ۱۴۰۶ق
- قمی، عباس، مفاتیح الجنان
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الانوار (ط - بیروت). بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ق.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، زاد المعاد - مفتاح الجنان. بیروت، چاپ: اول، ۱۴۲۳ق.
- مظهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه‌ی تاریخ، (جلد ۲۴ مجموعه آثار)، قم: انتشارات صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۷۲ ه.ش.
- مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، مثنوی معنوی